بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اصول و مبانی ماسک و گریم

پایهٔ دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه

رشتهٔ نمایش

گروه تحصیلی هنر

زمینهٔ خدمات

شاخهٔ فنی و حرفه‌ای

۷۹۲
الف ۵۷۸م/

میهن، مهین
اصول و مبانی ماسک و گریم/ مؤلفان : مهین میهن... [و دیگران]. ــ تهران : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۸۷ ص. : مصور (رنگی). ــ (شاخهٔ فنی و حرفه‌ای)
متون درسی رشتهٔ نمایش گروه تحصیلی هنر، زمینهٔ خدمات.
برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا : کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشتهٔ نمایش دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش.
۱. گریم. ۲. گریم سه‌بعدی. ۳. ماسک‌ها. الف. میهن، مهین. ب. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش. ج. عنوان. د. فروست.

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب :	اصول و مبانی ماسک و گریم ـ ۲۱۲۶۲۵
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش مجری : دفتر آموزش و توسعهٔ فعالیت‌های هنری معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	قطب‌الدین صادقی، داریوش مؤدبیان، مهدی چوبینه، احمد نوری، ایرج حسنی‌راد و شادی جلیلیان (اعضای شورای برنامه‌ریزی) عیسی کشاورز، میترا استادقاسم و محسن سراجی(اعضای شورا) مهین میهن، فریبا نورشعاع حسینی و کامبیز مؤمن‌خانی (اعضای گروه تألیف)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	اداره کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی :	محمد عباسی (طراح گرافیک و صفحه‌آرا) ـ محمدحسن معماری (طراح جلد)
نشانی سازمان :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن : ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وب‌گاه : www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (دارو پخش) تلفن : ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ :	چاپ نهم ۱۴۰۵

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۰-۱۹۶۶-۰۵-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-05-1966-0

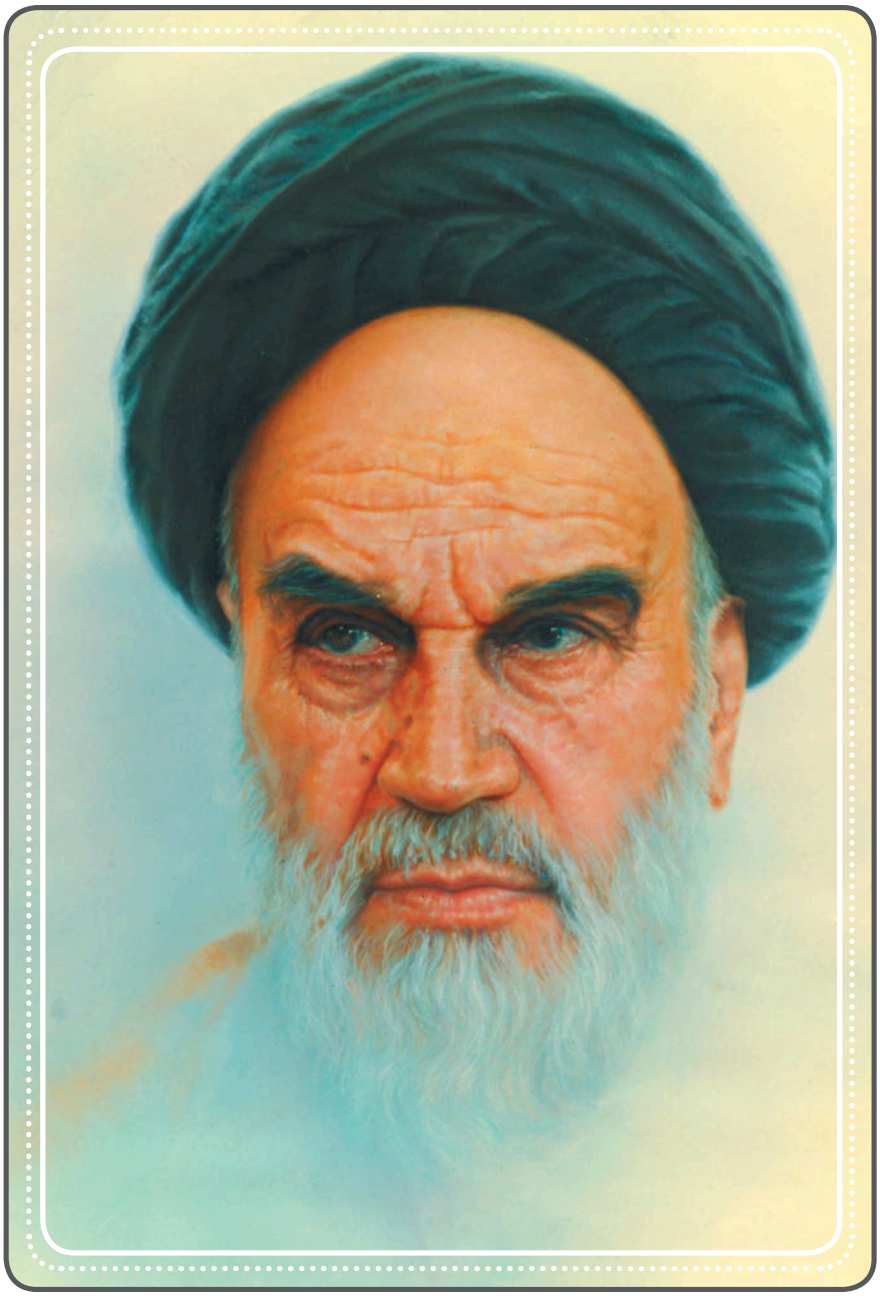

اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید،... و این اخلاص و ایمان، شما را تقویت می‌کند و روحیهٔ شما را بالا می‌برد و نیروی شما جوری می‌شود که هیچ قدرتی نمی‌تواند (با شما) مقابله کند.

امام خمینی «قُدِّسَ سِرُّهُ»

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول : مبانی چهره‌پردازی ۱
۱ـ۱ـ تعاریف و کاربردها ۲
۱ـ۱ـ۱ـ چهره‌پردازی و صورتک به عنوان رشتهٔ هنری ۲
۲ـ۱ـ۱ـ چهره‌پردازی و صورتک به عنوان عامل فنی ۳
۳ـ۱ـ۱ـ مختصری از تاریخ صورتک و چهره‌پردازی در نمایش ۳
۴ـ۱ـ۱ـ انواع چهره‌پردازی ۴
۲ـ۱ـ وظایف طراح صورتک و سازندهٔ آن ۶
۱ـ۲ـ۱ـ مجری سازندهٔ صورتک ۷
۳ـ۱ـ وظایف طراح چهره‌پردازی و مجری آن ۷
۴ـ۱ـ مواد و ابزار چهره‌پردازی ۸
۱ـ۴ـ۱ـ مواد چهره‌پردازی ۸
۲ـ۴ـ۱ـ ابزار چهره‌پردازی ۱۰
آزمون‌های فصل اول ۱۰

فصل دوم : صورتک در نمایش ۱۱
۱ـ۲ـ تاریخچهٔ صورتک در نمایش ۱۲
۱ـ۱ـ۲ـ کشورهای اروپایی ۱۲
۲ـ۱ـ۲ـ ژاپن نمایش« نو» ۱۴
۳ـ۱ـ۲ـ ایران ۱۵
۲ـ۲ـ صورتک در نمایش‌های امروز جهان ۱۶
۳ـ۲ـ صورتک در سینما و تلویزیون ۱۹
آزمون‌های فصل دوم ۲۰

فصل سوم : طراحی و قالب‌گیری ۲۱
۱ـ۳ـ تعریف صورتک، انواع و کاربرد آن در نمایش ۲۲
۲ـ۳ـ قالب‌گیری از صورت بازیگر ۲۵
۱ـ۲ـ۳ـ قالب منفی ۲۵
۲ـ۲ـ۳ـ قالب مثبت ۲۵
آزمون‌های فصل سوم ۲۶

فصل چهارم : ساخت صورتک ۲۷
۱ـ۴ـ ساختن صورتک ۲۸
۱ـ۱ـ۴ـ ساختن صورتک از مقوا ۲۸
۲ـ۱ـ۴ـ ساختن صورتک پارچه‌ای از تنظیف ۲۸
۳ـ۱ـ۴ـ ساختن صورتک از تکه‌های کاغذ ۲۸
۴ـ۱ـ۴ـ ساختن صورتک با خمیر مقوا ۲۸
۵ـ۱ـ۴ـ صورتک پارچه‌ای با نوار زخم‌بندی ۲۹
۶ـ۱ـ۴ـ ساختن صورتک با نوار گچ شکسته‌بندی ۳۰
۷ـ۱ـ۴ـ روش ساخت صورتک از جنس چرم ۳۱
۸ـ۱ـ۴ـ ساختن حجم بر روی صورتک ۳۱
۹ـ۱ـ۴ـ نکات مهم در ساختن صورتک‌ها ۳۱
۱۰ـ۱ـ۴ـ گذاشتن صورتک بر چهره ۳۲
۲ـ۴ـ رنگ‌آمیزی صورتک ۳۲
۱ـ۲ـ۴ـ روان شناسی رنگ‌ها ۳۳
۳ـ۴ـ چهره‌پردازی اکسپرسیو ۳۴
۱ـ۳ـ۴ـ نمایش کودکان ۳۴
۲ـ۳ـ۴ـ دلقک‌ها ۳۴
۳ـ۳ـ۴ـ میم ـ پانتومیم ۳۵
۴ـ۳ـ۴ـ نمادهای عینی و ذهنی ۳۵
۵ـ۳ـ۴ـ آشنایی با تاریخچه و انواع سبک‌های نمایش و چهره‌پردازی تلفیقی در شرق ۳۵
۱ـ۵ـ۳ـ۴ـ نمایش هند ۳۵
۲ـ۵ـ۳ـ۴ـ نمایش چین ۳۶
۳ـ۵ـ۳ـ۴ـ نمایش ژاپن ۳۷
آزمون‌های فصل چهارم ۳۸

فصل پنجم : آناتومی صورت و شناخت چهره ۳۹
۱ـ۵ـ آناتومی صورت ۴۰
۱ـ۱ـ۵ـ استخوان‌بندی سر ۴۰
۲ـ۱ـ۵ـ عضله‌های سر و صورت ۴۰
۳ـ۱ـ۵ـ غضروف‌ها ۴۲
۴ـ۱ـ۵ـ پوست ۴۲
۲ـ۵ـ شناخت شکل چهره، خطوط و حجم‌های صورت ۴۲
۱ـ۲ـ۵ـ سایه و روشن زدن و ساختن حجم بر چهره ۴۳
۲ـ۲ـ۵ـ فن چهره‌پردازی ۴۳
۳ـ۲ـ۵ـ طریقهٔ فن زدن به چهرهٔ بازیگر ۴۳
۳ـ۵ـ قیافه شناسی ۴۳
آزمون‌های فصل پنجم ۴۶

فصل ششم : چهره‌پردازی ۴۷
۱ـ۶ـ تاریخچهٔ چهره‌پردازی در نمایش ۴۸
۲ـ۶ـ چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی در نمایش ۴۹
۱ـ۲ـ۶ـ شخصیت نمایشی ۵۰
۱ـ۱ـ۲ـ۶ـ لاغر کردن ۵۰
۲ـ۱ـ۲ـ۶ـ چاق ۵۰
۳ـ۱ـ۲ـ۶ـ منفی ۵۰
۴ـ۱ـ۲ـ۶ـ مثبت ۵۰
۵ ـ۱ـ۲ـ۶ـ معتاد ۵۰
۶ ـ۱ـ۲ـ۶ـ بیمار ۵۱
۷ـ۱ـ۲ـ۶ـ روش پیر کردن تا ۵۰ سالگی ۵۱
۲ـ۲ـ۶ـ نژادهای مختلف ۵۱
۱ـ۲ـ۲ـ۶ـ سفیدپوست (اروپایی) ۵۱
۲ـ۲ـ۲ـ۶ـ سیاه‌پوست ۵۱
۳ـ۲ـ۲ـ۶ـ زردپوست ۵۱
۴ـ۲ـ۲ـ۶ـ سرخ‌پوست ۵۱
۳ـ۲ـ۶ـ نمایش کلاسیک ۵۲
۴ـ۲ـ۶ـ نمایش رومانتیک ۵۲
۵ـ۲ـ۶ـ نمایش واقعیت‌گرا یا رئالیسم ۵۲
۶ـ۲ـ۶ـ نمایش طبیعت‌گرا یا ناتورالیسم ۵۲
۷ـ۲ـ۶ـ نمایش نمادگرا یا سمبولیسم ۵۳
۸ـ۲ـ۶ـ نمایش بیان‌گرا یا اکسپرسیونیسم ۵۳
۹ـ۲ـ۶ـ نمایش فراواقعیت‌گرا یا سورئالیسم ۵۳
۱۰ـ۲ـ۶ـ نمایش گروتسک ۵۳
۱۱ـ۲ـ۶ـ نمایش پوچی ۵۳
۳ـ۶ـ چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون ۵۴
۱ـ۳ـ۶ـ مختصری از چهره‌پردازی برای سینما ۵۴
۲ـ۳ـ۶ـ چهره‌پردازی برای تلویزیون ۵۴
۳ـ۳ـ۶ـ شبیه‌سازی ۵۵
آزمون‌های فصل ششم ۵۶

فصل هفتم : طراحی، متعادل و نامتعادل‌سازی ۵۷
۱ـ۷ـ طراحی چهره‌پردازی روی کاغذ ۵۸
۲ـ۷ـ آماده‌سازی چهرهٔ بازیگر ۵۸
۳ـ۷ـ متعادل‌سازی و نامتعادل‌سازی چهرهٔ بازیگر ۵۸
۴ـ۷ـ متعادل و نامتعادل‌سازی بر کل بدن ۵۹
آزمون‌های فصل هفتم ۶۰

فصل هشتم : چهره‌پردازی با پودرهای رنگی، رنگ‌های روغنی و شناخت لاک‌ها ۶۱
۱ـ۸ـ شناخت شخصیت نمایش ۶۲
۲ـ۸ـ چهره‌پردازی با پودرهای رنگی ۶۳
۱ـ۲ـ۸ـ لوازم مورد نیاز ۶۳
۲ـ۲ـ۸ـ روش انجام کار ۶۳
۳ـ۸ـ چهره‌پردازی با رنگ روغن و شناخت لاک‌ها ۶۴
۴ـ۸ـ تمیز کردن چهرهٔ بازیگر ۶۵
آزمون‌های فصل هشتم ۶۶

فصل نهم : آرایش موی سر، ریش و سبیل ۶۷
۱ـ۹ـ تاریخچهٔ آرایش مو، ریش و سبیل ۶۸
۲ـ۹ـ مواد و ابزار بافت کلاه‌گیس، ریش و سبیل ۷۶
۳ـ۹ـ بافت کلاه‌گیس، ریش و سبیل ۷۶
۱ـ۳ـ۹ـ بافتن مو به روی تور ۷۷
۲ـ۳ـ۹ـ بافت کلاه‌گیس ۷۸
۴ـ۹ـ چسباندن ریش و سبیل و نگهداری از آن ۷۹
۱ـ۴ـ۹ـ ریش و سبیل و کِرِپه ۷۹
۵ـ۹ـ تمیز کردن کلاه‌گیس ۸۰
آزمون‌های فصل نهم ۸۰

فصل دهم : تمهیدهای ویژهٔ چهره‌پردازی ۸۱
۱ـ۱۰ـ مواد و ابزار ایجاد ورم‌ها، بریدگی‌ها و زخم‌ها ۸۲
۲ـ۱۰ـ انواع زخم و بریدگی ۸۲
۱ـ۲ـ۱۰ـ روش کار با مایع لاتِکس ۸۲
۲ـ۲ـ۱۰ـ تیوپلاست ۸۲
۳ـ۲ـ۱۰ـ او.اس.بی ۸۲
۴ـ۲ـ۱۰ـ پودر ژلاتین و پنبه ۸۲
۵ـ۲ـ۱۰ـ خمیر پلاستو ۸۳
۶ـ۲ـ۱۰ـ لاتکس و پنبه ۸۳
۷ـ۲ـ۱۰ـ جای انگشت بریده ۸۳
۸ـ۲ـ۱۰ـ کبودی (چشم‌مشت‌خورده) ۸۳
۳ـ۱۰ـ بیماری‌های پوستی وتاول‌ها ۸۴
آزمون‌های فصل دهم ۸۶

منابع ۸۷

مقدمه

کتابی که در دست دارید، شامل ده فصل است که در جهت آموزش اصول و مبانی ماسک و گریم در نظر گرفته شده است. درهر فصل، مطالب در نهایت سادگی برای هنرجوی نوجوان شرح داده شده و سعی بر این بوده است که برای این گروه سنی، قابل فهم، و تمرین‌ها قابل اجرا باشد. چهره‌پردازی‌ها، در تصاویر، بر روی دو چهرهٔ دختر و پسر اجرا شده است.

امید است هنرجویان علاقه‌مند، با مطالعهٔ این کتاب و گذراندن بخش‌های نظری و عملی، با مبانی اولیهٔ این رشتهٔ هنری ــ فنی آشنا شوند.

مبانی چهره پردازی

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ فن چهره‌پردازی در تئاتر را تعریف کند.

۲ــ مبانی هنری و فنی چهره‌پردازی را بیان کند.

۳ــ صورتک و آرایش چهره را به عنوان دو شاخه از هنر چهره‌پردازی توضیح دهد.

۴ــ ریشهٔ لغوی واژهٔ صورتک (ماسک) را بیان کند.

۵ــ انواع چهره‌پردازی در نمایش را شرح دهد.

۶ــ ریشهٔ لغوی واژهٔ چهره‌پردازی (گریم) و مشتقات آن را توضیح دهد.

۷ــ کار طراح صورتک را بیان کند.

۸ــ کار سازندهٔ صورتک را توضیح دهد.

۹ــ کار طراح چهره‌پردازی را توضیح دهد.

۱۰ــ کار مجری چهره‌پردازی را شرح دهد.

۱۱ــ مواد و ابزار چهره‌پردازی را نام ببرد.

۱ــ۱ــ تعاریف و کاربردها

الف) واژهٔ گریم[۱] : از ریشهٔ لاتین گریمو[۲] گرفته شده است. و «گریمو» در زبان لاتین به معنی چین و چروک و خطوط چهره است. در زبان فرانسه، گریم به معنای نقش پیرمردی با چهرهٔ پرچین و چروک مضحک است.

ب) گریمر[۳] : گریم کردن. به‌وجود آوردن چین و چروک مصنوعی بر چهره

ج) گریمور[۴] : مجری گریم را گویند.

د) گریماژ[۵] : عمل گریم را گویند.

هـ) گریماس[۶] : ایجاد تضاد مابین عضلات چهره، که منجر به حالات مختلف در چهره می‌شود مانند : شادی، غم، خشم و غیره....

امروزه واژه‌های فوق در زبان فارسی به صورت ذیل استفاده می‌گردد :

گریم = چهره‌پردازی

گریمور= چهره‌پرداز

گریماژ= عمل چهره‌پردازی

ماسک[۷] : به معنای چهرهٔ مصنوعی از چوب، چرم، که چهره و قسمتی از سر بازیگر را می‌پوشاند. در زبان فرانسه به آن ماسک[۸] گفته می‌شود.

در دایرةالمعارف بریتانیکا[۹] در توضیح ماسک چنین آمده است : ماسک به پوشش‌های چهره با شکل‌های متنوع را گویند که به عنوان پردهٔ محافظت کننده و یا به عنوان تغییر قیافه به‌کار می‌رود.

در فرهنگ معین، در زیر واژهٔ ماسک آمده : آن‌چه که چهرهٔ خود را بدان بپوشانند. همین طور، صورت عجیب و غریبی که برای تغییر شکل یا مخفی کردن قیافهٔ حقیقی به چهره می‌زنند و در جشن‌ها بدان صورت خود را ظاهر سازند (نقاب).

در لغت‌نامهٔ دهخدا آمده است : صورتک، مصغّر صورت، صورت‌های خرد، تصویرهای کوچک و ترکیب‌های آن، ماسک‌زدن، نقاب زدن و در توضیح به مجاز، خلاف آن‌چه که هست خود را نشان دادن. ماسک برداشتن، نقاب از چهره برداشتن به مجاز، خود یا دیگری را چنانچه هست نشان دادن.

در این کتاب، با توضیح موارد فوق، به جای واژهٔ ماسک از «صورتک»، و به جای گریم از «چهره‌پردازی» استفاده خواهیم کرد.

۱ــ۱ــ۱ــ چهره‌پردازی و صورتک به عنوان رشتهٔ هنری : چهره‌پردازی وصورتک دوپدیدهٔ هنری هستندکه جزو هنرهای زیبا محسوب می‌شوند. هر دو یک رشته را تداعی می‌کند و بر چهرهٔ بازیگر در نقش‌آفرینی، یک عمل را انجام می‌دهد و آن، پوشاندن چهره و هویت اصلی بازیگر و تقویت و برجسته نمودن شخصیت نمایشی اوست.

چهره‌پرداز با رنگ، چهرهٔ بازیگر را می‌پوشاند و صورتک، پوششی از جنس پارچه، مقوا، چرم و غیره است. این رشته بر مبنای نقاشی، طراحی، هنرهای تجسمی، قیافه‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و زیبایی‌شناسی استوار است. زمانی‌که بازیگر با صورتی

۱ــ Grime ۲ــ Grimo ۳ــ Grimer ۴ــ Grimeur ۵ــ Grimage
۶ــ Grimace ۷ــ Mask ۸ــ masque ۹ــ Britanica Encyclopedia

چهره‌پردازی شده نقش‌آفرینی می‌کند بر میمیک و حالات چهره تأکید کرده و چنانچه بازیگر، نقش را با صورتک ارائه دهد، چهره با نقشی ثابت منعکس شده و تأکید او بیشتر بر حرکات بدن است.

۲ـ۱ـ۱ـ چهره‌پردازی و صورتک به عنوان عامل فنی : نمایش پس از آماده شدن برای اجرای صحنه‌ای توسط عوامل فنی به روی صحنه می‌رود. این عوامل فنی عبارتند از : دکور، لباس، چهره‌پردازی، صورتک، نور، صدا و غیره.

در این میان، چهره‌پردازی به دلایل ذیل، عامل فنی نامیده می‌شود :

الف) کارگاه دارد.

ب) کار اجرا برمبنای طرحِ از پیش آماده شده انجام می‌شود.

ج) برای طراحی ویژگی‌های شخصیت‌های نمایش از رایانه سود می‌جوید.

د) کار اجرا به واسطهٔ نیروی بدنی مجری انجام می‌گیرد.

هـ) از ابزار مخصوص کار چهره‌پردازی از جمله قلم‌مو وکاردک استفاده می‌شود.

و) لوازم چهره‌پردازیِ مورد نیاز در کارگاه ساخته می‌شود. ازجمله انواع پوستهٔ سر و اعضای بدن (با مواد پلاستیک) و کلاه‌گیس، ریش و سبیل (با مو).

ز) پیش از ساخت و اجرا، بر روی صورت بازیگر قالب‌گیری انجام می‌شود.

صورتک‌سازی نیز به دلایل ذیل، یک عامل فنی محسوب می‌شود :

الف) کارگاه دارد.

ب) بر مبنای طرحِ از پیش آماده اجرا می‌شود.

ج) طراحی صورتک با رایانه انجام می‌شود.

د) ساخت صورتک به واسطهٔ نیروی بدنی سازنده صورت می‌گیرد.

هـ) برای ساخت انواع صورتک از تکنیک‌های متفاوتی استفاده می‌شود.

و) براساس قابلیت موادی همچون گچ، چوب، سیم، مفتول، سیم‌های توری، پوشش‌های پارچه‌ای، چرمی، پشمی و غیره و در ساخت انواع صورتک آن‌ها را به کار می‌برد.

ز) از انواع مواد پلاستیک، چسب، لاک، روغن‌های جلادهنده و رنگ‌های گواش، اسپری و آبرنگ استفاده می‌برد.

ح) از ابزارهای حکاکی و دیگر هنرهای تجسمی سود می‌برد.

ط) در موارد مورد نیاز، بر پوشش صورتک از دوزندگی استفاده می‌کند.

اما مسئولین عوامل فنی، به همان اندازه در گروه هنرمندان تئاترند که نمایشنامه‌نویس، کارگردان و بازیگران. اجرای تئاتر یک اثر هنری دسته‌جمعی است که تمام مساعی و نقش‌های آن در یک تجربهٔ کلی، در برابر تماشاگر در هم می‌آمیزد.

۳ـ۱ـ۱ـ مختصری از تاریخ صورتک و چهره‌پردازی در نمایش : پیشینهٔ استفاده از صورتک و چهره‌پردازی را می‌توان در مراسم و مناسک انسان اولیه که بر مبنای ترس‌ها، امیدها، لذایذ و پیروزی‌ها اجرا می‌شد جستجو کرد. همچنین در مراسم آیینی و مذهبی که از ارتباط بین انسان و قوای ماورالطبیعه حاصل می‌شد قابل جستجو است. این مراسم همراه با رقص، حرکات موزون،

موسیقی، پانتومیم[1] در محلی خاص در جمع مردم اجرا می‌شد. صورتک وسیله‌ای برای بیان شادی و سرور و رنج و غم بود که شخص آن را بر چهره زده و یا بر دست حمل می‌کرد. چهره‌پردازی با ساده‌ترین مواد مانند گل سرخ، خاکستر، عصارهٔ گیاهان، رنگ‌های معدنی و غیره بر روی چهره اجرا می‌شد.

می‌توان گفت، نمایش، تماشاگر و هویت بازیگر ریشه در همین مراسم آیینی و مذهبی دارد. در یونان باستان و پس از آن، روم باستان، که شخصیت‌های نمایش را اغلب خدایان، اساطیر و افسانه‌ها تشکیل می‌دادند، بازیگر با یک صورتک مشخص از قبل نقاشی شدهٔ ساده و همراهی حرکات موزون و صدای رسا به اجرای نقش می‌پرداخت. صورتک، گاه قسمتی و یا در مواردی تمام بدن را پوشش می‌داد.

سپس سرگذشت قهرمانان، پادشاهان و زندگی انسان‌ها مورد توجه قرار گرفت که در ساختار نمایش تراژدی (نمایش با پایان غم‌انگیز) و نمایش کمدی (نمایش با پایان خوش) نگاشته شد.

دو صورتک معروف خنده و گریه که امروزه به‌عنوان نماد تئاتر و نمایش در جهان شناخته می‌شود بر مبنای دو نوع بنیادین نمایش در یونان باستان، چنین کاربرد و اهمیتی یافته است.

نمایش که یکی از هنرها محسوب می‌شود حد و مرز و زمان و مکان نمی‌شناسد؛ زیرا یک پیام است؛ پیام انسانی به انسان دیگر. این پیام می‌تواند رنج، غم و شادی و به‌طور کلی مسائل یک فرد یا جامعه را مطرح نماید. این پیام می‌تواند در قبیله‌ای دور افتاده در آفریقا یا در تماشاخانه‌ای کوچک یا بزرگ، و یا در میدان شهری توسط یک دانشجوی نمایش به تماشاگران القاء شود. پیام نمایش می‌تواند برای یک جامعه سازنده و یا مخرب باشد. به‌طور معمول، پیام نمایش برای یک جامعه در حد فرهنگ، سنت و موقعیت آن جامعه در نظر گرفته می‌شود. چنانچه غیر از این باشد نمایش در ارسال پیام خود ناموفق خواهد بود. در طی زمان، با گسترش جامعه و رشد فرهنگ و با توجه به ریشه‌های مشترک بین جوامع، همچون موسیقی، حرکات موزون، شعر و نمایش، نمایشِ گفتاری به نمایش‌های بدون گفتار چون باله[2]، سیرک[3] و نمایش صحنه‌ای به سبک‌های مختلف بسط یافته است. بعدها با پیشرفت تکنولوژی، رسانه‌های مختلفی چون سینما و تلویزیون پدید آمد و با گسترش هنرهای نمایشی در طی دوران، صورتک و چهره‌پردازی با همکاری و همیاری رسانه‌های جدید به رشد و تکامل دست یافت.

۴ــ۱ــ۱ــ انواع چهره‌پردازی : چهره‌پردازی دو نوع است :

الف) چهره‌پردازی برای نمایش : تئاتر، باله، اپرا و سیرک

ب) چهره‌پردازی برای دوربین : سینما، تلویزیون و عکاسی

الف) در نمایش، چهرهٔ بازیگر با دو هدف چهره‌پردازی می‌شود : هدف اول : با توجه به اینکه در صحنهٔ نمایش به علت تابش نور پروژکتور، چهرهٔ بازیگر، رنگ‌پریده و مسطح به نظر می‌آید و حفرهٔ چشم و ابروان جلوه‌ای تیره می‌یابد. اجرای گریم به رفع این عیوب منجر می‌شود.

چهره‌پرداز با فن[4] به چهرهٔ بازیگر رنگ طبیعی می‌بخشد؛ با سایه و روشن بر چهره حجم می‌سازد و میان چشم و ابروان فاصله ایجاد می‌کند تا حالات چهرهٔ بازیگر با بیانگری بیشتری به تماشاگر القا شود.

هدف دوم : شخصیت‌پردازی بر چهرهٔ بازیگر است که بر اساس مواردی خاص انجام می‌پذیرد. چهره‌پرداز، تنها به چهرهٔ بازیگر نمی‌پردازد

۱ــ Pantomime ۲ــ Ballet ۳ــ Cirque ۴ــ Fond

بلکه بر سر تا پای بازیگر کارهای متفاوت انجام می‌دهد : بر سر او انواع طاسی بوجود می‌آورد. بر دست و پاهای او انواع زخم، سوختگی، تیرخوردگی، بیماری (برای مثال، جذام) و غیره را اجرا می‌کند. و بر انگشتان، آرنج و زانوان او آثار قطع‌شدگی را ایجاد می‌کند (برای مثال در نمایش‌های جنگی).

باله : باله یا بالت نمایشی است که داستان با رقص و موسیقی به تماشاگر ارائه می‌شود. این هنر در کشور ایتالیا در قرن پانزدهم میلادی بوجود آمد؛ به عنوان یک شکل هنری، نخست در کشور فرانسه و سپس در همهٔ اروپا رواج پیدا کرد. این نوع نمایش اغلب در سالن‌های بسیار بزرگ اجرا می‌شود بنابراین برای تأثیر مناسب، چهره‌پردازی غلیظ و اغراق‌شده مورد نیاز است. به این سبب از صورتک و چهره‌پردازی‌های رنگی و براق استفاده می‌شود.

اپرا : نمایشی است از ترکیب موسیقی و کلام که بازیگر ــ خوانندگانِ آن، داستان را با آوازی خاص اجرا می‌کنند. این نوع نمایش در قرن هفدهم میلادی در کشور ایتالیا پدید آمد و دارای انواع گوناگون است : نمایش‌های مذهبی، اخلاقی، تاریخی، فکاهی و غیره. اپرا همانند باله در سالن‌های بزرگ اجرا می‌شود و به همین دلیل، بر روی چهرهٔ بازیگران آن، چهره‌پردازی غلیظ انجام می‌شود.

امروزه از چهره‌پردازیِ شبیه صورتک (چهره‌پردازی تلفیقی) بسیار استفاده می‌شود. صورتک‌های کوچک و بزرگ رنگی و براق نیز در این نوع نمایش به‌کار گرفته می‌شود.

سیرک : در این نوع نمایش، بندبازان، شعبده‌بازان، دلقک‌ها و بازیگران پانتومیم حضور دارند. بخشی از نمایش نیز توسط حیوانات تربیت شده اجرا می‌شود. ریشه و اصل این نوع نمایش را می‌توان در یونان و روم باستان و چین مشاهده نمود.

دلقک‌ها اغلب برگرفته از شخصیت‌های کمدیا دلآرته[1] قرن شانزدهم میلادی هستند. برای چهره‌پردازی دلقک‌ها از شیوه‌های اغراق شده و رنگ‌آمیزی غلیظ استفاده می‌شود. بازیگر پانتومیم چهره‌ای سفید دارد و دیگران چهره‌های متنوع رنگی و گاه صورتک‌های کوچک و براق.

ب) چهره‌پردازی برای سینما و تلویزیون نیز با دو هدف انجام می‌شود :

هدف اول : در برابر دوربین، چهره بی‌رنگ و غیرطبیعی جلوه می‌کند؛ منافذ پوست، مانند جوش، کک و مک و غیره تشدید می‌شود. چربی پوست ایجاد انعکاس می‌کند، رنگ دندان‌ها و چشم‌ها، درخشان‌تر از رنگ پوست جلوه می‌کند و همچنین سایه‌ها و نامتعادلی‌های چهره شدت می‌یابد. چهره‌پرداز نخست به برطرف کردن عیوبی که بر اثر عوامل متعدد در مقابل دوربین بر چهره ایجاد شده است می‌پردازد.

هدف دوم : شخصیت بخشیدن به چهرهٔ بازیگر است که بر اساس مواردی خاص صورت می‌گیرد. امروزه می‌توان به ویژگی‌های مهم چهره‌پردازی دوربین، به مواردی نظیر حجم‌سازی (حجم‌های پیری، جوانی و چاقی)، ساختن عضوی از بدن بازیگر (سر و چهره، دست و پا)، چهره‌های عجیب و غریبِ تخیلی، ساخت آدمک‌های تخیلی متحرک جهت انجام جلوه‌های ویژه بر روی آن، با استفاده از فناوری رایانه‌ای نیز اشاره نمود.

چهره‌پردازی برای عکاسی : به‌طور قطع کمتر چهره‌ای را می‌توان یافت که از تعادل کامل برخوردار بوده و عیوب مشخصی در آن مشاهده نشود. زمانی که فردی برای گرفتن عکس چهره نزد عکاس می‌رود، پس از عکاسی، بر روی عکس او عمل رتوش[2] انجام می‌گیرد. اما در فرآیند چهره‌پردازی برای عکاسی، نخست عمل رتوش به طور صحیح و با ابزار ویژه بر روی چهرهٔ خودِ فرد اعمال شده،

۱ــ Comedia dellearte ۲ــ Retouch

سپس عکس گرفته می‌شود. این نوع چهره‌پردازی را می‌توان رتوش قبل از عکس‌برداری نامید.

امروزه هنر چهره‌پردازی عکاسی، رشته‌ای بسیار پیشرفته با شاخه‌های جدید است که به عکاسی برای تبلیغات، مد و غیره گسترش یافته است.

۲ــ۱ــ وظایف طراح صورتک و سازندهٔ آن

طراح صورتک به شخصی اطلاق می‌شود که به رشته‌های نقاشی، طراحی و هنرهای تجسمی آشنا بوده، در زمینهٔ قیافه‌شناسی، روان شناسی و جامعه‌شناسی سر رشته داشته باشد و از تاریخ صورتک در نمایش ایران، شرق و غرب، تاریخ آرایش چهره، مو، ریش و سبیل، کالبد چهره و سر انسان، حیوانات و پرندگان، و همچنین از انواع تکنیک‌های صورتک آگاهی داشته باشد و مدتی دستیاری طراح صورتک را در اجراهای مختلف تجربه کرده باشد.

برای طراح صورتکِ این مراحل انجام می‌پذیرد :

۱ــ به منظور آگاهی کامل از محتوای نمایشنامه یا فیلمنامه و سبک آن، به دقت نمایشنامه و یا فیلمنامه را مطالعه می‌کند.

۲ــ در تمرین‌های نمایش و جلسات کارگردانی شرکت می‌کند و پس از آگاهی از تحلیل وخواسته‌های کارگردان، در اولین قدم برای طراحی، ویژگی‌های چهره و سر بازیگران را بررسی می‌نماید.

طراح بر اساس نوع صورتک، چنانچه چهرهٔ بازیگر نیاز به قالب‌گیری داشته باشد از صورت او قالب می‌گیرد. او به کارگردان پیشنهاد می‌دهد که از اولین روزهای تمرین، چهرهٔ بازیگرانی را که قرار است نقش را با صورتک ارائه دهند، با پارچه، مقوا یا روزنامه بپوشاند تا بازیگر میمیک چهره را به‌کار نگیرد چون چهرهٔ او برای ارائهٔ نقش پوشیده است و باید تنها حرکات بدن را بر حسب نقش صورتک به بازی بگیرد. طراح با در نظر گرفتن نوع صورتک، آگاهی از رنگ صحنه، لباس، نور، بزرگی و کوچکی سالن یا فضای بیرونی (برای نمایش‌های خیابانی و میدانی) و خواسته‌های کارگردان، اقدام به طراحی صورتک می‌کند.

چهره و سر به سه دسته تقسیم می‌شود :

الف) چهره و سر کوچک

ب) چهره و سر متوسط

ج) چهره و سر بزرگ

یک طراح حرفه‌ای، این مدل‌های از پیش آمادهٔ از جنس چوب را در کارگاه خود دارد. گاهی اوقات، ساخت صورتک‌ها برمبنای اندازه‌های فوق، بر روی مدل آماده انجام می‌پذیرد.

صورتک بر سه نوع است :

۱ــ صورتک کامل چهره و سر

۲ــ صورتک کامل چهره

۳ــ صورتک نیمه

برای طراحی و ساخت صورتک، نکات ذیل در نظر گرفته می‌شود :

الف) بازیگر با صورتک احساس راحتی کند.

ب) دید کافی داشته باشد.

ج) بتواند راحت گفتگو کند و فریاد بزند.

د) پوشش داخل صورتک سبب عرق کردن چهره نشود.

۱ـ۲ـ۱ـ مجری سازندهٔ صورتک : چنانچه خودِ طراح، ساخت صورتک را به‌عهده بگیرد، از وظایف خود در مورد ساخت اطلاع دارد. اما اگر سازندهٔ صورتک شخص دیگری باشد این موارد در نظر گرفته می‌شود :

الف) مجری زیر نظر طراح، ساخت صورتک را انجام می‌دهد.

ب) در راستای اجرای طرح، دقت، ظرافت و نظافت رعایت می‌شود.

ج) از ابزار به شکل صحیح استفاده می‌نماید. مانند برش با کاتر و غیره.

د) در استفاده از موادی که قابلیت احتراق دارند، مانند لاک، تینر و چسب، احتیاط می‌کند.

هـ) در ساخت صورتک از اِعمال سلیقهٔ شخصی می‌پرهیزد و به طراح و طرح او احترام می‌گذارد.

و) مجری در طی اجرای نمایش در اتاق چهره‌پردازی حضور یافته و چنانچه ایرادی مانند پاره شدن کش، ایراد در دسته، پاک‌شدن قسمتی از رنگ و غیره مشاهده شد، آن را ترمیم می‌کند.

ز) طراح پس از آماده کردن صورتک، آن را چند جلسه به روی چهرهٔ بازیگر امتحان می‌کند. پس از برطرف کردن عیوب و افزودن رنگ و تزئینات، آن را در اختیار بازیگر قرار داده تا با آن تمرین کند.

۳ـ۱ـ وظایف طراح چهره‌پردازی و مجری آن

طراح چهره‌پردازی به شخصی اطلاق می‌شود که دوره‌های چهره‌پردازی را گذرانده و با رشته‌های نقاشی، طراحی و پیکره‌سازی آشنا بوده و از روان شناسی، قیافه‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیبایی‌شناسی آگاهی داشته باشد. در زمینهٔ تاریخ چهره‌پردازی، کلاه‌گیس، ریش و سبیل، و سبک و نوع نمایش مطالعه داشته و به عنوان مجری و دستیار طراح چهره‌پرداز، مدتی فعالیت کرده و کسب تجربه نموده باشد.

برای طراحی چهره‌پردازی یک نمایش یا فیلم، مراحل ذیل انجام می‌گیرد :

الف) به منظور آگاهی از محتوای نمایشنامه و یا فیلمنامه سبک آن، نمایشنامه یا فیلمنامه با دقت مطالعه می‌شود.

ب) حضور در تمرین‌ها برای آشنایی بیشتر به نحوهٔ اجرای نمایش یا فیلم و چگونگی چهره‌های بازیگران از نظر شکل چهره، رنگ پوست و مو، حالات میمیک، خطوط چهره و غیره.

ج) پس از شناخت سبک نمایش و فیلمنامه پژوهش در ریشه‌های نژاد شخصیت‌ها (اروپایی، آسیایی، آفریقایی و...).

د) توجه به مکان و فضایی که نمایش یا فیلمنامه در آن روی می‌دهد، مانند فضای یک اتاق، مزرعه، عبادتگاه، قصر و غیره.

هـ) توجه به موقعیت اجتماعی متفاوت افراد با یکدیگر، به‌طور مثال : چهرهٔ یک کارگر یا کشاورز با یک سیاستمدار تفاوت دارد.

و) توجه به سن شخصیت‌های نمایش.

ز) آگاهی از رنگ دکور، لباس، نور و بزرگی و کوچکی سالن نمایش و موقعیت فیلمبرداری (لوکیشن)

ح) توجه به تحلیل و خواسته‌های کارگردان

طراح چهره‌پردازی، طرح اولیه را بر روی کاغذ با مداد رنگی یا آبرنگ و یا رنگ‌های گواش انجام می‌دهد. معمولاً سه شب برای تمرین نهایی نمایش با دکور، لباس و چهره‌پردازی، نور و صدا در نظر گرفته می‌شود. در طی این مدت، طراح، طرح‌های خود را برچهرهٔ بازیگر اجرا می‌کند. زمانی‌که ایرادها رفع شد، از چهرهٔ بازیگران با چهره‌پردازی کامل عکس گرفته می‌شود و مجری چهره‌پرداز در طول شب‌های اجرا و مدت فیلمبرداری بر مبنای تصاویر، طرح را بر چهرهٔ بازیگران انجام می‌دهد. امروزه برای طراحی چهره‌پردازی از رایانه استفاده می‌شود.

یکی از موارد بسیار مهم در چهره‌پردازی برای نمایش این است که فاصلهٔ بازیگر و تماشاگر در نظر گرفته شود. در اجرای نمایش در سالن بزرگ، بدیهی است که فاصلهٔ تماشاگر با بازیگر زیاد است، به همین دلیل چهره‌پردازی غلیظ انجام می‌گیرد؛ به این شکل که سایه، تیره‌تر و روشنی، روشن‌تر از معمول به‌کار می‌رود. در یک سالن کوچک، فاصلهٔ تماشاگر با بازیگر کمتر است و به همین سبب، چهره‌پردازی رقیق‌تر انجام گرفته، سایه و روشن با تضاد کمتری اجرا می‌شود. در فیلمبرداری نیز باید مسائلی چون فضای داخل و یا خارج و غیره توجه نمود.

یکی دیگر از وظایف مهم مجری چهره‌پردازی، رعایت بهداشت لوازم چهره‌پردازی است. برای کار بر روی چهرهٔ هر یک از بازیگران باید اسفنج فن و قلم‌موها را شسته و با مواد ضدعفونی کننده، آن‌ها را تمیز کند. برای خود و بازیگر از روپوش مخصوص استفاده نماید. به علت نزدیکی با بازیگر باید همیشه خوش‌بو باشد و دست‌ها و ناخن‌های تمیز داشته باشد. با بازیگران رفتار محترمانه داشته باشد و با ادب و متانت رفتار نماید. با ظرافت بر چهره کار کند. زیاد صحبت نکند و در صحبت دیگران دخالت نکند. اتاق چهره‌پردازی محل تمرکز است لذا او و بازیگر برای رسیدن به تمرکز، به سکوت نیاز دارند. مجری چهره‌پردازی مسئول تأمین سکوت اتاق است.

مجری باید طرحِ طراح چهره‌پرداز را با دقت به روی چهره پیاده نموده و از اِعمال نظر شخصی بپرهیزد.

۴ــ۱ــ مواد و ابزار چهره‌پردازی

امروزه کارخانه‌های لوازم و ابزار چهره‌پردازی برای نمایش، سینما و تلویزیون روز به روز بر تنوع تولیدات خود افزوده و سعی در ارائهٔ لوازمی جدید (با کاربری‌های جدید و) با کیفیت برتر دارند.

برای اجرای چهره‌پردازی، مواد و ابزار ذیل مورد نیاز است :

۱ــ۴ــ۱ــ مواد چهره‌پردازی :

الف) فن چرب پن استیک[۱]، فن خشک[۲] و فن مایع[۳]

ب) جعبه رنگ (رنگ و روغن چهره، ۱۲ رنگ)

ج) جعبه رنگ (رنگ و روغن فن، ۱۲ رنگ)

د) پودر بی‌رنگ

هـ) مداد گریم (۱۲ رنگ)

و) فن خشک چشم، به رنگ‌های قهوه‌ای، دودی و سیاه

۱ــ Pant stick ۲ــ Pant cake ۳ــ Liquid Make up

تصویر ۱ــ۱

ز) رنگ گونهٔ خشک و چرب، به رنگ‌های نارنجی، صورتی و قرمز

ح) رنگ لب، به رنگ‌های نارنجی کم‌رنگ، صورتی، قهوه‌ای روشن متمایل به قرمز

ط) موی طبیعی برای درست کردن ریش و سبیل

ی) چسب چهره‌پردازی یا چسب الکلی

ک) مایع سفیدکنندهٔ مو

ل) اسپری ثابت‌کنندهٔ آرایش چهره

م) اسپری ثابت‌کنندهٔ مو، ریش و سبیل (تصویر ۱ــ۱)

ن) فوم[1]: ماده‌ای است که برای ساختن قطعات نهاییِ اندام‌های مصنوعی به‌کار می‌رود؛ به صورت مایع است و هر کارخانه‌ای در تولید و ارائهٔ آن فرمول مخصوص خود را دارد. عمده کارخانه‌های تولیدکنندهٔ آن عبارتند از شرکت جورج بو[2]، یونی رویال شیمیکال[3] و کریلون[4] که از بین این شرکت‌ها، جورج بو نرم‌ترین نوع فوم را می‌سازد. اکثر طراحان چهره‌پردازی از این مدل برای چهره استفاده می‌کنند.

س) خمیر پلاستو[5]: برای ساختن حجم‌هایی مانند بینی، چانه، پوشاندن ابروان و ایجاد زخم‌ها استفاده می‌شود.

ع) صابون مایع: برای نگهداری و حفاظت قلم‌موها، قبل از استفاده از مایع لاتکس به‌کار می‌رود.

ص) شیر پاک‌کن: برای پاک کردن فن، رنگ و چربی روی صورت استفاده می‌شود.

ض) اَستِون

ق) شامپو

ر) صابون

ش) لاتکس[6]: لاتکس طبیعی شیرهٔ درخت هِوآ است که در مناطقی که آب و هوای مرطوب دارند می‌روید. این مایع از تیغ زدن به بدنهٔ این درخت جمع‌آوری می‌شود. لاتکس، مایعی سفیدرنگ، غلیظ و چسبنده است که پس از جمع‌آوری، در کارخانه تصفیه می‌شود تا ناخالصی‌ها از آن جدا شود. سپس به آن ۰/۵ تا ۱٪ آمونیاک می‌افزایند تا محیط آن قلیایی شده و پایدار گردد. این مایع در کارخانه‌های ساخت مواد چهره‌پردازی و آرایشی با فرمول‌های خاص هر کارخانه، آماده و ارائه می‌شود. لاتکس به میزان قابل ملاحظه‌ای در چهره‌پردازی استفاده می‌شود. برای پیرکردن چهرهٔ بازیگر، حجم‌سازی، ساخت پوستهٔ سر و صورتک از لاتکس استفاده می‌شود.

لاتکس از نظر غلظت به انواع مختلف تقسیم می‌شود :

۱ــ لاتکس مایع: به صورت مایع رقیق و چسبنده است که برای پیرکردن چهره و دیگر اعضا به‌کار می‌رود و انواع زخم‌ها با آن ساخته می‌شود.

۲ــ لاتکس کفی[7]: به‌صورت مایع است و معمولاً با مواد شیمیایی دیگر مخلوط می‌شود و در کار تکه‌سازیِ چهره مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع تکه سازی، ظریف‌تر از تکه‌سازی با مایع لاتکس است.

۳ــ لاتکس غلیظ: برای ساختن صورتک، آدمک، عروسک، چهره‌های عجیب وغریبِ تخیلی به‌کار می‌رود؛ و نیز برای ساخت قسمتی از بدن بازیگر در جهت انجام جلوه‌های ویژه بر روی آن.

۱ــ Foam ۲ــ George Ball ۳ــ Chemical ۴ــ Kryolan ۵ــ Plasto ۶ــ Latex ۷ــ Foam latex

حلّال لاتکس تا قبل از خشک شدن، آب است. این مایع در مقابل جریان هوا به سرعت سفت شده و به صورت پوستهٔ شفاف پلاستیکی با حالتی ارتجاعی درمی‌آید.

ت) مایع او. اس. پی: در چهره‌پردازی تلویزیون و سینما برای پیر کردن استفاده می‌شود.

ث) مایع گلاتزان[1]: برای ساختن پوستهٔ سر، تاول و زخم استفاده می‌شود.

خ) اکرلیک هاژل[2]: به رنگ سفید شیری است که با آب رقیق شده و با رنگ‌های دیگر ترکیب می‌شود. برای ترمیم نقاطی از قطعات فوم و همچنین مرمت لبه‌های نازک قطعات در حجم‌سازی استفاده می‌شود.

تصویر ۲ـ۱

۲ـ۴ـ۱ـ ابزار چهره‌پردازی:

الف) قلم‌مو (از شمارهٔ ۱ تا ۱۲)

ب) کاردک

ج) اسفنج

د) بُرِس کوچک ابرو

هـ) شانهٔ کوچک ابرو

و) قیچی نوک‌تیز ظریف

ز) برس مویِ سر (به شکل استوانه) و برس سیمی پهن

ح) سشوار دستی

ط) گوش پاک‌کن

ی) پنبه

ک) حوله

ل) دستمال کاغذی

م) روپوش

ن) کارگاه ترسه‌بافی

س) کارگاه ریش و سبیل‌بافی

ع) سوزن‌های بافت ریش و سبیل (تصویر ۲ـ۱)

آزمون‌های فصل اول

۱ـ واژهٔ گریم به چه معناست؟

۲ـ معنی واژهٔ گریماژ چیست؟

۳ـ معنی واژهٔ گریماس چیست؟

۴ـ واژهٔ فارسیِ معادل با گریم چیست؟

۵ـ واژهٔ ماسک به چه معناست؟

۶ـ در دایرةالمعارف بریتانیکا، چه تعریفی برای ماسک آمده است؟

۷ـ عوامل فنی نمایش را نام ببرید.

۸ـ اهداف چهره‌پردازی برای تلویزیون، سینما و عکاسی را بنویسید.

۹ـ انواع چهره‌پردازی را نام ببرید.

۱۰ـ مراحل طراحی صورتک برای یک نمایش را بنویسید.

۱۱ـ طراح چهره‌پردازی به چه کسی اطلاق می‌شود؟

۱۲ـ لوازم و مواد چهره‌پردازی را نام ببرید.

۱۳ـ لاتکس طبیعی چگونه به دست می‌آید؟

۱۴ـ لاتکس کفی چیست؟

۱۵ـ مایع او. اس. پی در چهره‌پردازی چه کاربردی دارد؟

۱ـ Glatzan ۲ـ Acrylic ـ Hggel

فصل دوم

صورتک در نمایش

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ خاستگاه هنر صورتک را بیان کند.

۲ــ تاریخچهٔ به‌کارگیری صورتک در نمایش را بنویسد.

۳ــ کاربرد صورتک در نمایش‌های آیینی و سنتی را شرح دهد.

۴ــ مواد و ابزار طراحی و ساخت صورتک را نام ببرد.

۵ــ سبک‌های مختلف نمایشی که متکی بر صورتک است را توضیح دهد.

۶ــ کارگردان‌های مطرحی که در اجرای نمایش‌هایشان، استفادهٔ ویژه‌ای از صورتک می‌برند را معرفی کند.

۷ــ کاربرد صورتک در سینما و تلویزیون را به صورت مختصر توضیح دهد.

۸ــ تفاوت کاربرد صورتک در نمایش، سینما و تلویزیون را بیان کند.

۱ــ۲ــ تاریخچهٔ صورتک در نمایش

۱ــ۱ــ۲ــ کشورهای اروپایی : ریشه و اصل تئاتر یونان باستان را می‌توان در مراسمی که در ستایش «دیونیزوس»[۱] خدای شادی، تحرک و باروری برگزار می‌شد یافت. این مراسم، به همراه موسیقی، آواز، رقص، لباس‌های رنگی، صورتک‌های گوناگون با نقش بز، شیطان و غیره اجرا می‌شد. جشن در ماه مارس برگزار می‌شد و شش روز به‌طول می‌انجامید. در این مدت تمام مردم آتن به شادی و پایکوبی می‌پرداختند. مقام روحانی که نقش دیونیزوس را به‌عهده داشت بر چهره، صورتک می‌نهاد. از شش قرن قبل از میلاد، صورتک در تئاتر یونان باستان جایگاه والایی داشته است. «تسپیس»[۲] را پایه‌گذار نمایش تراژدی و مبتکر صورتک و چهره‌پردازی می‌شناسند. در ابتدا او صورتک‌های ساده‌ای را با سفیدآب می‌آراست که بعدها در این کار ظرافت بیشتری به‌کار برد و از رنگ گیاهی برای نقاشی بر صورتک استفاده کرد، سپس صورتک‌های کتانی را ساخت که بر روی آن با رسوبات انگور خط‌هایی رسم می‌کرد. بعد از تسپیس «فرینوخوس»[۳] صورتک‌های مختلفی برای زنان و مردان ساخت. در این دوره، بازیگران همه مرد بودند و نمایش در فضای بزرگ اجرا می‌شد که فاصلهٔ تماشاگران از بازیگران بسیار دور بود. در نقش‌های زنانه، صورتک‌های کتانی سفید و در نقش‌های مردانه صورتک تیره‌تری به‌کار می‌رفت.

«اشیل»[۴] درام‌نویس، مبتکر صورتک‌های الوان است. او اولین هنرمندی است که صورتک را رنگ‌آمیزی کرد. بازیگران در این دوره، می‌بایست سخنگویی و آوازخوانی را به گونه‌ای مطلوب فرا می‌گرفتند. در حرکات چهره و بدن از تبحر فراوانی برخوردار می‌بودند. کلمات، میمیک و حرکات گوناگون بازیگران که هر یک در سه یا چهار نقش بازی می‌کردند را با ترکیب صورتک منطبق می‌ساختند. رنگ موهای صورتک اهمیت خاصی داشت. درجات پیری با موهای سفید، خاکستری و یا جوگندمی نشان داده می‌شد. صورتک مردان پیر ریش داشت و صورتک پسران جوان بدون ریش بود. افراد بدبخت و دردمند با موهای تیره، افراد سعادتمند و شادمان با موهای بور، شخصیت‌های مکار با موی سرخ رنگ، افراد بخیل و حسود با موهای کوتاه و شخصیت‌های قوی و سالم با موهای پر و مجعد شناخته می‌شدند. پادشاهان دارای موی بلند بودند که مانند یال به پائین آویخته بود و نیمتاجی از موی سر بر روی پیشانی‌شان. مردان تندرست، صورتک‌های قهوه‌ای داشتند.

صورتک‌های سفید یا رنگ پریده دلیل ضعف و بیماری بود. صورتک سرخ تیره را پیام‌آوران به چهره داشتند، تا برافروخته و هیجان زده به نظر آیند. شکل پیشانی با دقت ترسیم می‌شد : پیشانی پهن و کشیده به معنی تیرگی فکر و اندیشه و پیشانی صاف، شادی و سرور و سادگی را می‌رساند. پیشانی پیرمردان، پرچین و چروک، و پیشانی بلند دلالت بر شخصیتی جدی و محکم داشت. ترکیب بینی در صورتکِ شخصیت‌های مختلف، متفاوت بود. شخصیت اصیل تراژدی دارای بینی اصیل یونانی بود. بینی‌هایی که انحنای تندی داشت، نشانهٔ شخصیت حیله‌گر و بینی‌ای که از دو طرف بیرون زده بود، شقاوت و گستاخی را نشان می‌داد.

شخصیت‌های نمایش کمدی باستان شاملِ خدایان، قهرمانان و مردان سیاست بود که به شکل طنز، هجو و عناصر رکیک با صورتک‌های مضحک و مسخره اجرا می‌شد. بازیگران مرد، و تماشاگران نیز مرد بودند. صورتک‌های ترکیبی از بینی پهن، دهان بزرگ و سبیل اغراق شده بود. در این نوع کمدی، همسرایان[۵] با صورتک‌های رنگارنگی با نقش حیوانات، پرندگان و حشرات به صورت گروهی وارد صحنه شده و صحنه‌ای جادویی همراه با رقص و آواز به تصویر می‌کشیدند. در نمایش‌های کمدی نو که بر پایهٔ زندگی مردم عادی یونان بود، بیش از ۹ گونه صورتک برای پیرمردان (بنا به سن و سال، تحرک و زنده‌دلی)، ۱۱ نوع صورتک برای جوانان شاملِ جوان ظریف، جوان سیه‌چرده و با وقار، ۱۷ نوع صورتک زنانه از هر قشر : پیرزن ترشرو، عصبانی، زن شوهردار خوش‌برخورد با موهای مجعد،

۱ــ Dionysos ۲ــ Thspis ۳ــ Phrynichus ۴ــ Eschyle ۵ــ Chorus

زن حیله گر مکار، زنِ بَردهٔ ظریف با موهای کوتاه با خطوط و حالات صورت واقع‌گرایانه و گاهی اغراق شده استفاده می‌شد. در نمایش‌های ساتیر[1] (نوعی کمدی هجو در باب خدایان و اساطیر) صورتک‌ها همراه با ریش بود و همسرایان با ریش‌های لوله‌ای و گوش‌های شبیه شاخ بودند. در روم باستان، صورتک‌های نمایش متأثر از صورتک‌های یونان باستان بود. معروفترین کمدی این دوره، کمدی در شهر آتلانا[2] است که در جنوب ایتالیا اجرا می‌شد. نمایش همراه با لودگی، طنز، هجو، آواز و رقص بود. حالات صورتک‌ها بسیار غلو شده مانند کاریکاتور بود (تصویر ۱ــ۲).

تصویر ۱ــ۲

در قرون وسطی، نمایش‌های مذهبی متداول بود. نمایش در کلیسا اجرا می‌شد. بازیگران مرد بودند و طلاب و کشیشان به نقش‌آفرینی می‌پرداختند. داستان‌ها بر مبنای زندگی حضرت مسیح و قدیسان بود. نمایش، نخست در کلیسا و سپس در فضای آزاد اجرا می‌شد که به‌شکل درام‌های مذهبی یا نیمه مذهبی در قالب بدیهه‌سرایی، رقص، پانتومیم، آوازهای مذهبی یا گفتگو بود. این نمایش‌ها شباهت به تعزیه داشت. شیطان با صورتکی مخوف با خطوط غیرطبیعی، گوش‌های دراز، ریش سه‌گوش و گاه صورتکی با دهان گشاد خنده‌آور، بینی پهن، چشمانی گرد و شرور ظاهر می‌شد و علامتی مضحک روی شکم داشت. مالکین دوزخ با صورتکی همراه با لباس سراسری به‌شکل تخیلیِ نیمه انسان و نیمه حیوان ظاهر می‌شدند. در ظاهر فرشتگان از چهره‌پردازی استفاده می‌شد و آرد به چهرهٔ آنها می‌مالیدند. در کمدی‌های مضحک غیرمذهبی در کشور فرانسه که صورتک‌هایی با شکل حیوانات از جمله میمون، خرس، الاغ و غیره با لباس‌های بسیار زنندهٔ رنگی و نیز صورتک‌هایی با حالت و خطوط مسخره به کار می‌رفت.

در دورهٔ رنسانس[3] نمایشی به نام کمدیا دلآرته در اوایل قرن شانزدهم میلادی در شهر پادوا[4] در شمال ایتالیا به وسیلهٔ گروه‌های حرفه‌ای اجرا می‌شد که سرشار از لودگی[5]، بدیهه‌سرایی و لهجه‌سازی بود. شخصیت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شدند: شخصیت‌های طبیعی و شخصیت‌های اغراق شده که برای گفتگوهای آزاد عامیانه، صورتک بر چهره می‌زدند. شکل صورتکْ نیمه بود و تنها پیشانی و گونه‌های بازیگران را می‌پوشانید. صورتک‌ها در اوایل به رنگ طبیعی بود ولی به مرور به رنگ تیره در آمد و هریک، حالت و خطوط خاص خود را دارا بود، مانند صورتک با دهانی فراخ و چشمانی به شکل گربه که نشانگر شخصیت «آرلکن»[6] بود. او شخصیتی جذاب و زبر و زرنگ بود. شخصیت «پانتالونه»[7]، ارباب پیر، با ابروان و چشم‌های فرو افتاده، همراه با بینی قوزدار و ریش سه‌گوش شناخته می‌شد. شخصیت «دکتر»[8] با صورتکی دارای پیشانی بلند با بینی بزرگ. شخصیت «پلی‌شی‌نل»[9] خادم پیر موذی با صورتکی با بینی عقابی بزرگ و با چشمانی گرد و خال‌های متعدد کوچک و بزرگ. صورتک شخصیت «زانی»[10]، موجودی بدطینت، دارای پیشانی برجسته با خطوط

۱ــ Satyre ۲ــ Atellana ۳ــ Renaissance ۴ــ Padova ۵ــ Farce ۶ــ Arlequin ۷ــ Pantalone
۸ــ Doctor ۹ــ Polechinelle ۱۰ــ Zani

غیر انسانی و چشمانی ریز بود. شخصیت «کاپیتان» با صورتکی با بینی بزرگ تهدیدآمیز شناخته می‌شد، و صورتکی با بینی پهن و چشمانی ریز، نشانگر شخصیت خادم بدجنس، «بری‌گلا»[1] بود (تصویر۲ـ۲).

از قرن هفدهم میلادی اجرای نمایش به تدریج از فضای بیرونی به فضای درونی کشیده شد و بازیگران برای نقش‌آفرینی و نشان دادن چهره با مواد ساده به چهره‌پردازی پرداختند. صورتک‌ها نیز به شکل‌های مختلف در جشن‌های بالماسکه[2] به قصرها راه یافت و کارناوال‌ها[3] رونق گرفت. تنها نمایشی که همچنان بر صحنهٔ تئاترها مشاهده می‌شود و بازیگران با صورتک به اجرا می‌پردازند، همان کمدیا دلآرته است(تصویر۳ـ۲).

تصویر ۲ـ۲

تصویر ۳ـ۲

۲ـ۱ـ۲ـ ژاپن نمایش «نو»[4] : ریشه و اصل تئاتر نو در نیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی است. محتوای نمایشنامه‌های آن بر اساس جنبه‌های عرفانی و ماورا الطبیعهٔ افسانه‌هاست و سرشار از تخیل و سحر و جادوست. اجرای نمایش نو با رقص و آواز همراه است. بازیگران، دو مرد هستند که شخصیت‌های مختلف را با صورتک اجرا می‌کنند. صورتک‌ها از چوب ساخته می‌شود که سازنده طی مراسمی مذهبی آنها را می‌سازد. در این نوع نمایش هشتاد صورتک وجود دارد که شامل خدایان، شیاطین، جنگجویان، ارواح و غیره می‌باشد. صورتک زن کوئوموته[5] با مهارتی خاص ساخته می‌شود. صورتکی از چوب رنگ شده با برجستگی ابهام‌انگیز با نگاهی تهی و خالی از هر گونه حالت وبیان. این صورتک بر چهرهٔ بازیگر ماهر، حیاتی فوق تصور می‌یابد. بطوری‌که با یک نورپردازی متفاوت خطوط آن تغییر می‌کند؛ از تبسم به گریه و از شادی به اندوه می‌رسد. این صورتک را چنان استادانه ساخته و عضوهای صورتک را چنان با رنگ اندوده‌اند که قسمت‌های وسط، روشنتر و جاندارتر دیده می‌شود و با هر حرکتی، چهره با حالت جدیدی تغییرمی‌کند. با برجستگی‌های ساده‌ای که در گوشه‌های لب دارد با هر حرکت، شخصیت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهد(تصاویر۴ـ۲ و ۵ـ۲).

تصویر ۴ـ۲

تصویر ۵ـ۲

۱ـ Brighella ۲ـ Ballemaske ۳ـ Karnaval ۴ـ Nov ۵ـ Koomoteh

نمایش «کیوگن»[1] برعکس نمایش نو (که سنگین و جدی و سرشار از اعتقادات مذهبی، جنبه‌های اشرافی و احساس حزن و اندوه است و تأکید فراوان بر آواز و رقص دارد)، سبُک، شاد و همراه با گفت‌وگو است و بر جنبه‌های خنده‌آور و عامیانه تأکید دارد. صورتک‌ها محدود به صورتک زن، مرد و حیوان است. صورتک‌ها بر عکس نمایش نو دارای لطافت، وقار و برجستگی نیستند، بلکه چهره‌هایی متورم‌اند همراه با پیشانی کوچک و حجم‌های اغراق‌آمیز و خنده‌آور(تصاویر ۶ـ۲ و ۷ـ۲).

تصویر ۶ـ۲

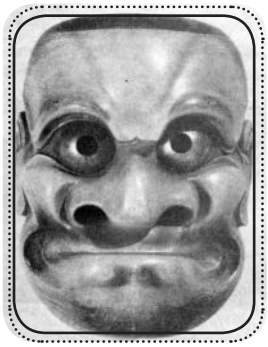

تصویر ۷ـ۲

۳ـ۱ـ۲ـ ایران : از جمله نمایش کهن و شادی‌آفرین ایرانی می‌توان به «کوسه برنشین» اشاره نمود که از دورهٔ ساسانیان و یا حتی پیش از آن تا ورود اسلام به ایران، رواج داشته است. در این نمایش، کوسه پیام‌آور نوروز، بهار و زندگی دوباره بود. امروزه کوسه‌گردی با نامی متفاوت در بعضی ازشهرها (بخصوص نواحی غرب ایران)، چهل روز مانده به عید نوروز اجرا می‌شود. کوسه، تنها یا با زن خود یا با چند کوسهٔ دیگر از پوشش‌های ساده، صورتک‌هایی از جنس پشم و پوست بز و نمد، برای پوشاندن چهرهٔ خود استفاده می‌کنند. اجرای این مراسم همراه با رقص، آواز، طنز و هجو است. دهل، نقاره، دایره و طبل، این نمایش را در هنگام اجرا همراهی می‌کند. از ویژگی‌های بنیادین این نوع نمایش، محل اجرای آن است که غالباً در حیاط خانه‌ها انجام می‌شده است. در خاتمه گروه نمایش، با گرفتن هدایا و دعا کردن برای اهالی خانه (که این خود بخشی از نمایش است) خداحافظی نموده و به خانهٔ دیگری می‌روند.

نمایش سنتی روحوضی یا تخته‌حوضی نیز نمایشی شاد است که در گذشته‌های دور در مراسم عروسی و جشن‌ها اجرا می‌شد. برای اجرای نمایش روی حوض حیاط منازل تخته‌ای می‌گذاشتند، بر روی تخته‌ها فرش پهن می‌کردند و بازیگران بر روی آن به ایفای نقش می‌پرداختند. نمایش بر مبنای مسائل زندگی مردم به شکل بدیهه‌سرایی با زبان عامیانه و لهجه‌های محلی اجرا می‌شد. در نمایش تخته‌حوضی که امروزه نیز در بعضی جاها اجرا می‌شود بازیگران همه مرد هستند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میرنوروزی است. او چهرهٔ خود را با دودهٔ چوب پنبه سیاه می‌کرد. در دوران قاجار، تمام بازیگران غیر از سیاه صورتک به چهره می‌زدند. صورتک‌ها با کاغذ، سریش و پارچه ساخته و سپس رنگ‌آمیزی می‌شد. شخصیت زن، صورتکی به رنگ روشن و گونه‌ها و لب قرمز به صورت می‌زد و شخصیت‌های منفی از صورتک‌های خالدار استفاده می‌کردند. نمایش سنتی دیگری که از گذشته در ایران اجرا می‌شده تعزیه است. تعزیه نمایشی مذهبی است که از رویدادهای فاجعهٔ تاریخی کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش به دست سپاهیان یزید، خلیفهٔ اموی الهام گرفته شده است. شبیه‌خوانان همگی مرد هستند که ایفای نقش زنان را نیز به‌عهده دارند. چهرهٔ اولیا با پارچهٔ سبز پوشیده می‌شود و زن‌پوش‌ها روبندهٔ سیاه بر چهره دارند. در بعضی اجراهای تعزیه، از صورتک نیز استفاده می‌شود. برای مثال جهت نشان دادن دیو و چهرهٔ شیرهای حضرت علی (ع). صورتک‌ها از خمیر کاغذ و سریش ساخته و با پشم و شاخ حیوانات تزیین و نقاشی می‌شد. در تعزیهٔ «بلقیس و سلیمان» صورتک‌هایی از حیوانات مانند میمون و غیره استفاده می‌شود و درتعزیهٔ

۱ـ Kyogan

«امام رضا (ع)»، صورتک پیرزن، آهو و شیر و نیز در تعزیهٔ «شهادت امام حسین(ع)» صورتک شیر به کار می‌رود. در تعزیه‌های شاد (که گونه‌ای متأخرتر از نمایش تعزیه است) صورتک‌های دیو، جنیان و غیره مشاهده می‌شود(تصویر۸ــ۲).

۲ــ۲ــ صورتک در نمایش‌های امروز جهان

در قرن بیستم و بعد از جنگ اول و دوم جهانی، تحولی در هنر نمایش بوجود آمد. قواعد و قراردادهای تئاتر گذشته شکسته شده و شیوهٔ جدیدی از نمایشنامه، کارگردانی، بازیگری و عوامل فنی بوجود آمد. در این دوره، صورتک مورد توجه کارگردانان مطرح قرار گرفت. از جمله «برتولت برشت»[۱] آلمانی، در اجرای نمایش «دایرهٔ گچی قفقازی» برای بازیگران از صورتک استفاده نمود. پنجاه بازیگر، به وسیلهٔ صورتک، صد و پنجاه شخصیت نمایشی را بر روی صحنه اجرا کردند. دراین نمایش، علاوه بر اینکه استفاده از صورتک، بخشی از شیوهٔ اجرا بود، ریتم تسریع‌شدهٔ اجرای نمایش نیز منوط به آن بود(تصویر۹ــ۲).

در کشور ایتالیا، تئاتر «پیکولو»[۲] توسط جمعی از هنرمندان بوجود آمد که معروفترینِ آنها کارگردانی به نام «استه لر»[۳] بود(تصویر ۱۰ــ۲).

او اغلب نمایش‌های برگرفته از کمدیا دلآرته را بر صحنه آورد و برای این کار از صورتک‌های چرمی استفاده کرد. با اجرای نمایشنامه‌ای از «کارلو گلدونی»[۴] برگرفته از کمدیادلآرته به نام «آرلوکینو، خدمتکار دو ارباب» با حضور بازیگر معروف «مارچلو مورتی»[۵] در نقش آرلوکینو، به اغلب کشورهای اروپایی سفر کرد و این نمایش را به اجرا درآورد(تصویر۱۱ــ۲).

«ژان لویی بارو»[۶]ی فرانسوی،دراجرای نمایش «ارستیا»[۷]از صورتک‌های نیمه چرمی استفاده کرد (تصویر۱۲ــ۲).

تا این دوره، ساخت عروسک‌ها توسط «آملوتو سارتوری»[۸] در ایتالیا طراحی و ساخته می‌شد؛ پس از او پسرش «رونالدو»[۹] هنر او را دنبال کرد. مدرسه‌ای که او برای آموزش هنرجویان طراحی و ساخت صورتک تأسیس کرده بود، همچنان در روستایی نزدیک شهر پادوا فعال است. آملوتو سارتوری مدرسه را از این جهت در روستا بنا نهاد که عقیده داشت در آنجا چهره‌های جالب مشاهده می‌شود. او برای طراحی صورتک از چهرهٔ روستاییان بهره می‌گرفت. در کشور فرانسه «آریان

تصویر۸ــ۲

تصویر۹ــ۲

تصویر ۱۰ــ۲

۱ــ Bertolt brecht
۲ــ Picolo_teatro
۳ــ Sterhler
۴ــ Carlo Goldoni
۵ــ Marcello Moretii
۶ــ Jean Louis barrauit
۷ــ Orestie
۸ــ Ameloto sartori
۹ــ Ronaldo

منوشکین»[1] با گروهی از هنرمندان، «تئاترخورشید» را در سال ۱۹۶۴ بنیاد نهاد. او نمایش‌هایی را با این گروه در کشورهای مختلف اجرا کرد. در نمایش «عصر طلایی» در سال ۱۹۷۵ تمام بازیگران با صورتک‌های نیمه به اجرای نقش پرداختند. شخصیت اصلی نمایش، کارگری بود به نام عبدالله که نمایش براساس زندگی او نوشته شده بود(تصویر۱۳ـ۲).

او نمایش‌های «ریچارد دوم»[2]، «شب پادشاهان»، «هانری چهارم»[3] را با عناصر نمایش ژاپنی، هندی، عربی و ایرانی اجرا کرد. لباس‌ها و صورتک‌های چوبی ژاپنی در نمایش ریچارد دوم، و طراحی لباس، وسایل و چهره‌پردازی در نمایش شب پادشاهان، تماشاگر را به یاد مینیاتورهای ایرانی و چینی می‌انداخت. آریان منوشکین در پاسخ به این پرسش که چرا «صورتک» نقش بنیادی در کارهایتان دارد، می‌گوید : «دلیلش وجود خود تئاتر است، زیرا در صورتک، نقش دگرگونی وجود دارد. زیرا آن «شیئی» است همچون چهرهٔ انسان و اگر بازیگر خودش را تحت اختیار آن بگذارد، او را با خود می‌برد. زیرا صورتک قدرت آن را دارد که به دور و دورترها عزیمت کند؛ به سوی کشف و ظهور معانی خودش. صورتک واقعی‌تر از طبیعت است، زیرا علامتی خواهد شد برای اندام بازیگر...»

آئین‌ها، سنت و تکنیک‌های نمایش آسیایی همواره برای هنرمندان جهان بویژه اروپاییان، منابع اعجاب‌انگیزی بوده است. از جمله هنرمندان : «یوجینو باربا»[4] ازکشور ایتالیا. او طی سفری به کشور هند مجذوب نمایش «کاتاکالی»[5] هند شد. باربا از کاتاکالی نه برای ردیف کردن تصاویر مجرد بر صحنه، بلکه برای پرورش و آماده سازی بازیگرانی مجهز و توانا در اعمال جسمانی و روانی، مسلط بر نفس، تخیل، نیروی پذیرش و هماهنگی در تئاتر بهره برد. در سال ۱۹۶۴ تئاتر «اودین»[6] را تأسیس کرد. در سال ۱۹۸۲ با اجراهای پژوهشی ـ نمایشی تحت عنوان «آناباسیس»[7] به بسیاری از کشورهای جهان سفر کرد و در آنجا به اجرای نمایش خیابانی پرداخت. گروه بازیگران وی همراه پرچم، صورتک، شیپور و طبل، ناگهان در میدانی ظاهر شده، فی‌البداهه با همراهی تماشاگران نمایش را اجرا می‌کردند. فضایی پرشور را می‌آفریدند. در آن میان دو پیکر غول‌آسا با صورتک مرگ (بازیگرانی سوار بر پاهای چوبی بسیار بلند) نمایش را باحرارت و هیجانی بی‌نظیر پیش می‌بردند. در پایان، همهٔ بازیگران روی پارچه‌ای پهن و سیاه جمع شده، رفته رفته هیاهوی آنها فروکش می‌کرد.

تصویر۱۱ـ۲

تصویر۱۲ـ۲

تصویر۱۳ـ۲

۱ـ Ariane mnoochkine ۲ـ Richard2 ۳ـ Hanrie4 ۴ـ Eugenio barba
۵ـ Kathakli ۶ـ Odine ۷ـ Annabssis

امروزه در کشور سوئیس «ورنر استروب»[1] طراح و سازندهٔ صورتک‌های نمایش، به پیروی از صورتک‌های سارتوری با ابتکار و طراحی نوین، ظریف‌کاری بر صورت، استفاده از گل‌های خشک شده یا مصنوعی، پارچه‌های رنگی، کار بر پوست وغیره شهرت جهانی کسب کرده است. او می گوید : «زمانی که به صورتک می‌اندیشم، به شکل ظاهری، فرم و حالت آن توجه می‌کنم. در صورتک‌های اولیهٔ من، فرم بر همهٔ ارکان برتری داشت، اما امروزه لوازم ساخت به اندازهٔ فرم اهمیت دارد. هرگز به صورتک‌های «شخصیت» که با فرم بینی و چانه تعریف می‌شود، نپرداخته‌ام؛ چون در منظر من، شخصیت یک نقش بستگی به خلق و خوی خاص او، پیکرهٔ اجتماعی، محیط، رفتار، سلوک، خواست‌ها و نحوهٔ ظهورش در اجتماع دارد. امیال، آرزوها و آزمون‌های زندگیِ یک نقش می‌تواند بر صورتک چهره (به وسیلهٔ لوازمی ساده و کامل و ساختی لطیف و با دقت) نقش بندد. وقت شروع کار شب‌های متوالی بیدار می‌مانم و به بازیگری که صورتک بر چهره‌اش می‌نشیند می‌اندیشم؛ درعین حال ذهن خود را متوجه ابزاری می‌کنم که بازیگر باید آنها را حمل کند. تمرکز بر این موضوعات باعث می‌شود در زمان ساخت صورتک احساس تنهایی نکنم. این حالتی شگفت‌انگیز است. من برای ساخت صورتک نظر بازیگر را جویا نمی‌شوم، با این حال صورتک با او ساخته می‌شود. از طریق چهرهٔ او صورتک روی قالب طراحی می‌شود و شکل حقیقی‌اش را با تغییراتی کوتاه به دست می‌آورد. طی ایام تمرین شخصیت صورتک توسط بازیگر و کارگردان مورد ارزیابی نهایی قرار می‌گیرد».

استروب درسال ۱۹۸۰ طراحی و ساخت صورتک‌های نمایش «ادیپ»[2] را انجام داد. اثر مربوطه توسط «بنوبسن»[3] کارگردانی شد و در جشنوارهٔ «سپولتو»[4]ی ایتالیا به روی صحنه رفت(تصاویر۱۴ـ۲ الی ۱۷ـ۲).

تصویر۱۴ـ۲

تصویر۱۵ـ۲

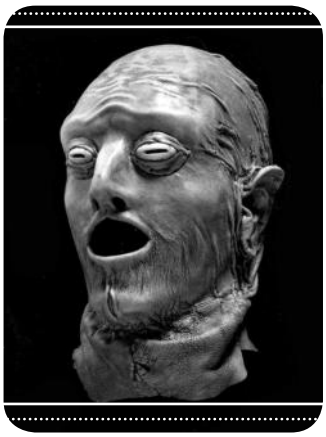
تصویر۱۶ـ۲

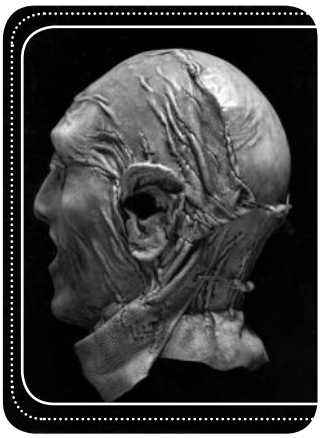
تصویر۱۷ـ۲

درسال ۱۹۸۲ استروب در همکاری دیگری با بنوبسن، طراحی و ساخت صورتک‌های نمایش «پرندهٔ سبز» را به پایان رساند (تصویر ۱۸ـ۲).

استروب در همکاری سوم خود با بنوبسن، ساخت صورتک‌های نمایش «هاملت»[5] را به عهده گرفت.

امروزه صورتک‌ها همچنان جایگاه خود را در تئاتر حفظ کرده‌اند. آنها بر قراردادهای مرسوم تئاتر ازجمله میمیک تأثیر گذاشته و از ضرورت حضور آن کاسته‌اند. در ایران، کارگردانان گاه از صورتک برای ارائهٔ سمبول‌های عینی و ذهنی و گهگاه برای نشان دادن کارناوال در نمایش بهره می‌گیرند. صورتک‌های ظریف کوچک با نقش حیوانات و پرندگان، مسیر تئاترکودک، نمایش‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی را پیش می گیرد.

۱ـ Werner strob ۲ـ Odipe ۳ـ Benobesen ۴ـ Spolto ۵ـ Hamlet

۳ـ۲ـ صورتک در سینما و تلویزیون

از بخش‌های مهم چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون، حجم‌سازی و ساخت صورتک (و آدمک جهت جلوه‌های ویژه بر آن) است. معنای حجم در چهره‌پردازی برای دوربین، بعدسازی، برجسته نشان دادن عضو یا ناحیه‌ای از چهره است. این مهم با انواع مواد پلاستیکی صورت می‌گیرد. حجم‌های نمایشگر پیری، جوانی، شبیه‌سازی، غیر متعارف‌سازی، چهره‌های تخیلی، فضایی، حجم‌های نمایانگر شکل حیوانات یا پرندگان از انواع صورتک‌ها محسوب می‌شوند. حجم‌ها بر مبنای چهرهٔ بازیگر طی مراحلی ساخته می‌شود. سپس به‌صورت پوسته‌ای سبک از جنس پلاستیک ظریف درآمده و بر صورت بازیگر نصب می‌گردد. این پوسته همان صورتک است. معمولاً برای طبیعی‌تر جلوه دادن صورتک، آن را به شکل چند تکه‌ای کار می‌کنند (تصویر ۱۹ـ۲).

معمولاً برای ساختن صورتک شخصیت‌های مختلف، ابتدا از چهرهٔ بازیگر قالب منفی گرفته می‌شود. سپس از قالب منفی، قالبی مثبت تهیه می‌گردد. با خمیر مجسمه‌سازی، روی شخصیت مورد نظر (قالب مثبت)، کار صورت می‌گیرد. اندکی بعد، از نتیجهٔ به دست آمده قالبی منفی گرفته می‌شود. از قالب منفی مربوطه با استفاده از «لاتکس کفی» قالب مثبت به صورت پوستهٔ نازک انعطاف‌پذیر مهیا می‌گردد. پس از آماده شدن کار، پوسته‌ها با دقت بر صورت بازیگر نصب می‌گردد. درزها با دقت گرفته شده و سپس با ظرافت روی آن، چهره‌پردازی انجام می‌گیرد. در انتها شاهد خلق شخصیت جدیدی هستیم. در (تصاویر ۱۹ـ۲ و ۲۰ـ۲ و ۲۱ـ۲) بخشی از چهره‌پردازی فیلم بزرگ مرد کوچک[1] (که توسط «دیک اسمیت» بر روی صورت «داستین هافمن» جهت خلق چهرهٔ پیرمرد ۱۲۰ ساله صورت گرفته) دیده می‌شود.

یکی از مباحث مهم در این نوع چهره‌پردازی، ساخت عروسک و آدمک برای فیلم و سریال تلویزیونی، شخصیت‌های تخیلی و فضایی داستان و فیلمنامه است.

ساخت عروسک و آدمک به دو منظور صورت می‌گیرد :

الف) ساخت عروسک‌های تخیلی همراه با حرکت.

ب) ساخت سر و چهره و بدن بازیگر جهت جلوه‌های ویژه بر آن، مانند منفجر شدن سر، بدن وغیره.

تصویر ۱۸ـ۲

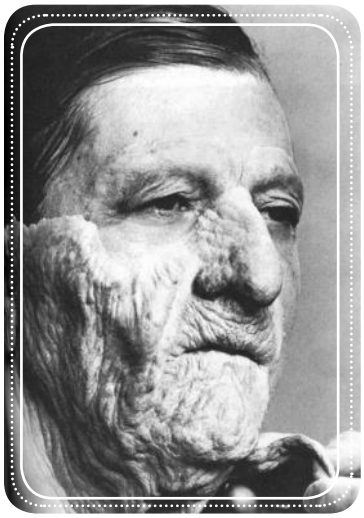

تصویر ۱۹ـ۲

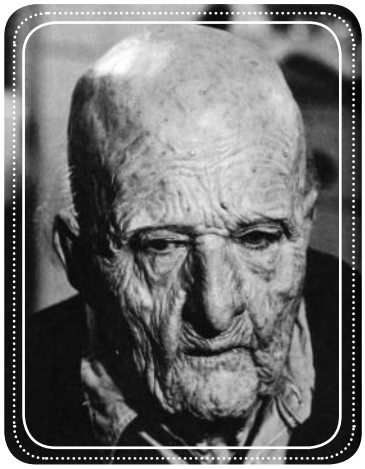

تصویر ۲۰ـ۲

تصویر ۲۱ـ۲

۱ـ Little big man

بخش مجسمه‌سازی، ساخت وحرکت آن، از گروه‌های چهار تا بیست نفریِ متخصصانِ زمینه‌های مختلف تشکیل می‌شود. تکنولوژی رایانه، نقش به سزایی در این مورد دارد. فیلم «لابیرنت» به کارگردانی «جرج لوکاس» محصول سال ۱۹۸۷ (تصویر۲۲ـ۲)، فیلم «گرگ» به کارگردانی «نیک نیکولس» با طراحی چهره‌پردازی «ریک بیکر» (تصویر۲۳ـ۲) واجرای جلوه های ویژه روی آدمک فیلم «ترمیناتور» به کارگردانی «جیمز کامرون» با طراحی چهره‌پردازی «استن وینستون» (تصویر۲۴ـ۲)، فیلم نوجوانان گرگ[1] (تصویر۲۵ـ۲)، فیلم «ماسک» به کارگردانی «چوک لوسن» (تصویر۲۶ـ۲)، فیلم «روز مرگ» با طراحی چهره‌پردازی «ساوینی» (تصویر۲۷ـ۲) اشاره کرد.

تصویر۲۲ـ۲

تصویر۲۳ـ۲

تصویر۲۴ـ۲

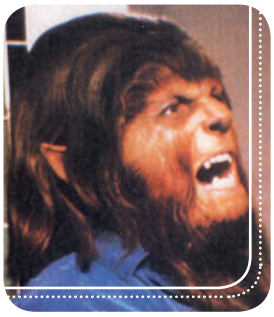
تصویر۲۵ـ۲

تصویر۲۶ـ۲

تصویر۲۷ـ۲

آزمون‌های فصل دوم

۱ـ توضیح دهید ریشه و اصل تئاتر یونان باستان را در چه مراسمی می‌توان یافت؟
۲ـ «تسپیس» را پایه گذار چه نوع نمایش و مبتکر بهره‌گیری از چه عاملی در نمایش می‌دانند؟
۳ـ در قرون وسطی نمایش‌ها دارای چه مفاهیمی بوده‌اند و در چه مکان و توسط چه کسانی اجرا می‌شده‌اند؟
۴ـ نمایش «کمدیا دلآرته» در چه سالی و درکجا شکل گرفت؟
۵ـ ویژگی صورتک «آرلکن» در نمایش کمدیا دلآرته در چیست؟
۶ـ نمایش سنتی «تخته‌حوضی» از نظر چهره‌پردازی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۷ـ در چه قرنی نمایش « نو» به وجود آمد و این نمایش دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۸ـ ویژگی نمایش «کیوگن» چیست؟
۹ـ انواع صورتک را نام ببرید.
۱۰ـ منظور از حجم در چهره‌پردازی برای دوربین چیست؟

۱ـ teen wolf

فصل سوم

طراحی و قالب‌گیری

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ مراحل طراحی و ساخت صورتک را توضیح دهد.

۲ــ انواع مواد ساخت صورتک را نام ببرد.

۳ــ با توجه به صورت و لباس بازیگر، طراحی صورتک را انجام دهد.

۴ــ با توجه به شخصیت نمایشی و یا نقش، طراحی صورتک را انجام دهد.

۵ــ مواد و ابزار قالب‌گیری صورت را توضیح دهد.

۶ــ با توجه به صورت بازیگر، قالب‌گیری انجام دهد.

۱ــ۳ــ تعریف صورتک، انواع و کاربرد آن در نمایش

هرپوششی بر چهره،صورتک نامیده می‌شود. صورتک می‌تواند از جنس گِل، گچ، چوب، برگ درختان، پشم، پوست، پارچه، تور، چرم، مقوا، اسفنج، سیم، فلز، پلاستیک و غیره باشد. استفاده از صورتک به جهت تغییر قیافه با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد. صورتک می‌تواند به منظور ایجاد ارتباط، استتار، برتری‌جویی، به‌دست آوردن قدرت روانی، سرگرمی و شادی، رها ساختن، آزاد کردن، پنهان ساختن چهره، دستیابی به هویت تازه و شخصیت استفاده گردد.

به‌طور کلی صورتک از دیرباز با انسان بوده است. انسان اولیه برای شکار حیوانات از صورتک‌های ابتدایی ساخته شده از الیاف، برگ، پوست درختان، گل، پشم و پوست حیوانات بهره می‌برده و برای تزئین آن از شاخ و دندان و پر پرندگان استفاده می‌کرده است. او چهره را با این حربه می‌پوشاند. در واقع صورتک تنها وسیلهٔ بهره‌برداری از شکار محسوب نمی‌شد، بلکه اعتقاد انسان اولیه به روح‌گرایی[1] در جمادات و نباتات، و باور او به انتقال روح بشر به این دو را در برمی‌گرفت. صورتک برای ارتباط انسان اولیه با ارواح مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این دوران، صورتک نوعی قدرت نامریی به حساب می‌آمد. انسان اولیه با پنهان کردن چهرهٔ خویش، هویت خود را به فراموشی می‌سپرد و نوعی برتری بر ارواح، نباتات، جمادات و حیوانات احساس می‌کرد. انسان اولیه با ساختن صورتک‌های منقش به نقش‌های ترسناک و عجیب و غریب به جادوگری می‌پرداخت و زشتی و پلیدی را از خود می‌راند. گاه صورتک‌های بزرگ با نقش‌های تخیلی، توسط انسان اولیه پرستش می‌شد. از دیدگاه روانی، صورتک برای انسان اولیه یک نوع پناهگاه محسوب می‌شد و در مراسمی که بر اساس لذایذ زندگی، قدرت، پیروزی و رویدادهای طبیعی بود، بر چهره مشاهده می‌شد. این حضور با رقص و موسیقی و پانتومیم همراه بود. انگیزهٔ نهادن صورتک بر چهره در نمایش‌ها و کارناوال‌های امروزی که در اکثر کشورهای جهان برگزار می‌شود، از مراسم تئاتر فاصله دارد.

تصویر ۱ــ۳

مطالب فوق اشاره‌ای گذرا بر تولد صورتک در زمان‌های گذشته بود که طی دوره‌های متمادی به گونه‌های متفاوت شاهد آن بوده‌ایم (تصویر ۱ــ۳).

زمانی که بازیگر، صورتک را بر چهره می‌گذارد، صورتک به صورت یک متعدی جلوه‌گر می‌شود. صورتک بر جسم و روح بازیگر تسلط یافته، او را به اجبار مطیع خود می‌سازد. او ناگزیر است از این حاکم پیروی کند. قدم‌ها، ژست‌ها و حرکات باید هماهنگ و تابع شخصیت صورتک باشد. بازیگر نمی‌تواند صورتک را تابع حرکات خود کند. او مجبور است علاوه بر هماهنگ کردن حرکات و ژست‌ها، ارتباط حسی و عاطفی با صورتک برقرار سازد. خود و صورتک را درهم ادغام کرده، آن را جزیی از وجود خویش سازد. هر قدر ارتباط حسی بین بازیگر و صورتک بیشتر گردد، او در ارائهٔ نقش، موفق‌تر خواهد بود. به‌طور کلی صورتک می‌تواند بر صحنهٔ نمایش به شکل استعاره، نماد و تمثیل ظاهر شود.

۱ــ Animisme

در نمایشنامهٔ هاملت چنانچه برای ظاهر شدن روح پدر هاملت از صورتک استفاده شود، این صورتک مفهومی استعاری خواهد داشت. اگر در نمایش«پرومته در زنجیر»[1] یا «ادیپ شهریار»[2] صورتک به کار برود، کاربرد نمادین پیدا می‌کند. چنانچه درنمایشنامه‌ای، شبیه‌سازی به وسیلهٔ صورتک انجام شود، صورتک شکل تمثیلی به خود می‌گیرد. نمادها خود به دو گروه نمادهای ذهنی و عینی تقسیم می‌شوند. اگر صورتکی با عنوان عدالت، راستی، درستی و غیره بر صحنه ظاهر شود، صورتک نماد ذهنی خواهد داشت و اگر با عنوان روز، شب و یا دریا باشد به شکل نماد عینی نمود می‌یابد. صورتک روی صحنه می‌تواند برای تماشاگر، خوشایند و یا ناخوشایند جلوه کند. پذیرفتن نقش بازیگر با صورتک، بستگی کامل به نحوهٔ اجرا و ارائهٔ نقش به نحو شایسته دارد. چنانچه بازیگر خود را با صورتک تلفیق کند، ارتباط حسی میان تماشاگر و بازیگر صورتک، خود به خود ایجاد می‌شود.

امروزه صورتک مانند گذشته درنمایش از اهمیت خاصی برخوردار است. بازیگر با بهره از انواع آن بر صحنه، به نقش‌آفرینی می‌پردازد.

صورتک به طور کلی از نظر شکل، ساخت و نوع استفاده برای نمایش، انواع مختلف دارد:

الف) صورتک نیمه: از پیشانی تا روی لب بالا (تصاویر ۲ـ۳ و ۳ـ۳).

ب) صورتک تمام چهره: از پیشانی تا ناحیهٔ چانه (تصاویر۴ـ۳ و۵ـ۳).

ج) صورتک سر و چهرهٔ کامل: صورتک، تمام سر و چهره را می‌پوشاند(تصویر۶ـ۳).

د) صورتک کوچک: ناحیهٔ چشم (تصویر۷ـ۳)

هـ) صورتک هم‌اندازهٔ چهره با تزئیناتی بلند در اطراف سر: این صورتک اگر سنگین باشد، روی شانه‌های بازیگر تکیه دارد. این نوع صورتک برای اساطیر، خدایان و غیره به‌کار می‌رود (تصویر۸ـ۳).

و) صورتک‌های کوچک، متوسط و بزرگ: برای همسرایان نمایش کلاسیک استفاده می‌شود (تصویر۹ـ۳).

تصویر۲ـ۳

تصویر۳ـ۳

تصویر۴ـ۳

تصویر۵ـ۳

تصویر۶ـ۳

تصویر۷ـ۳

تصویر۸ـ۳

تصویر۹ـ۳

۱ـ Prometheus bound
۲ـ Oedip the king

تصویر ۱۰ـ۳

ز) صورتک‌های چند جانبه : بر روی چهره، دو طرف چهره یا روی چهره، سر و پشت سر قرار می‌گیرد(تصویر ۱۰ـ۳).

علاوه بر صورتک بر چهرهٔ بازیگر، در زندگی روزمره نیز صورتک‌هایی را مشاهده می‌کنیم که در بخش‌های مختلف اجتماع کاربرد دارند. مانند : اطاق عمل، صورتک‌های اکسیژن جهت بیماران، صورتک‌های تنفسی شیمیایی جهت جلوگیری از ورود هوا و گازهای آلوده، صورتک‌های فضانوردان، جوشکاران، موتورسواران، صورتک‌هایی با زمینه‌های مذهبی چون پوشیه و برقع، صورتک‌های ترمیمی معلولین، صورتک‌های زیبایی، مد و غیره(تصاویر ۱۱ـ۳ الی ۱۴ـ۳).

مواد و ابزار قالب‌گیری از صورت : موادمختلفی چون پودر گچ، نوارهای گچ شکسته‌بندی و آلژینات جهت قالب‌گیری از صورت موجود است. یکی از ساده‌ترین روش‌های قالب‌گیری از صورت، استفاده از نوارهای گچ شکسته‌بندی است. برای انجام این کار به نوارهای گچ، وازلین، کمی آب ولرم، صابون (جهت پاک کردن چربی از صورت) نایلون فریزر، مقداری ماسه، کمی پودر مل، خمیرمجسمه‌سازی، گچ قالب‌گیریِ دندان‌پزشکی (نوعی گچ)، شیر پاک‌کن و پنبه و ابزارهایی چون روپوش پلاستیکی، قیچی، قاشق (جهت آماده کردن گچ)، کاسه‌های پلاستیکی متوسط و کاردک فلزی و قوطی خالی مقوایی[در اندازه‌های ۲۰ در ۳۰ سانتی‌متر] احتیاج دارید.

تصویر ۱۱ـ۳

تصویر ۱۲ـ۳

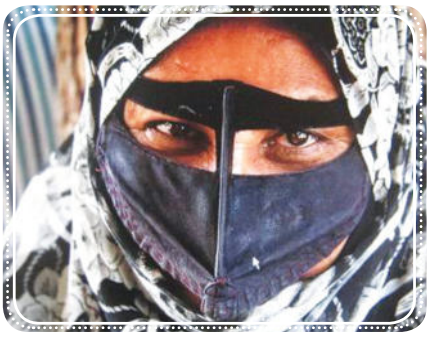
تصویر ۱۳ـ۳

تصویر ۱۴ـ۳

۲ــ۳ــ قالب‌گیری از صورت بازیگر

۱ــ۲ــ۳ــ قالب منفی : نوار گچ شکسته‌بندی [با عرض حدود ۷ سانتی‌متر] را به شکل مثلث‌های بزرگ، متوسط و کوچک بریده، روی میز قرار دهید. مدل را بر روی صندلی دارای پشتی مناسب نشانده، به او روپوش بپوشانید. دقت شود سر مدل زیاد خوابیده نباشد، چون خطوط و حجم‌های صورت تا حدود زیادی از بین می‌رود. چهرهٔ مدل را با شیرپاک‌کن و پنبه، خوب پاک کرده، موهای سر را از بالای پیشانی با یک نایلون فریزر (که از یک طرف باز شده) بپوشانید، تا موهای مدل کثیف نشود. روی تمام چهره کمی وازلین بمالید. یک ظرف آب ولرم آماده کرده و از قسمت پیشانی کار را شروع کنید. تکه‌های بزرگ مثلث را یکی یکی در آب ولرم فرو برده، آب آن را کمی گرفته، روی پیشانی کنار هم بگذارید. باید طوری آنها را بگذارید که درست در کنار هم قرار گیرند، نه بر روی هم. برای مثال کنار پره‌های بینی یا گوشه‌های چشم در طرف داخل، به مثلث‌های کوچک نیاز دارید. تا زیر چانه این کار را ادامه دهید. آخرین ناحیه‌ای که باید کار کنید، سوراخ‌های بینی است. مدل از هنگام شروع کار تا گرفتن گچ، نباید صحبت کند و یا به چهرهٔ خود حرکت دهد؛ زیرا قالب خراب می‌شود. پس از لایهٔ اول، لایهٔ دوم را با استفاده از نوارهای گچ شکسته‌بندی ادامه می‌دهید. سه نوار آماده می‌کنید : نواری برای پیشانی، نواری برای ناحیهٔ بینی و گونه‌ها، نواری برای زیر بینی تا چانه. این نوارها را به ترتیب از بالا به صورت افقی روی نوارهای سه‌گوش یا مثلثِ لایهٔ اول می‌گذارید. بعد از نوارهای افقی، نوبت لایهٔ سوم می‌شود. این بار نوارهای گچی را به صورت عمودی کنار هم بر روی لایهٔ دوم می‌گذارید. نوار سوم جهت استحکام قالب از رستنگاه موها تا چانه و اطراف چهره قرار می‌گیرد. پس از یک ربع ساعت، از مدل بخواهید صورت خود را حرکت دهد. زیر قالب را با دست گرفته، از چهره به آرامی جدا کنید. طوری کار نکنید که هنگام برداشتن قالب، موهای مدل به قالب بچسبد و کنده شود.

۲ــ۲ــ۳ــ قالب مثبت : زمانی که قالب منفی خشک شد، داخل آن را با قلم‌موی نرم، تمیز کنید. اگر ناصافی‌هایی مشاهده شد، کمی پودر مل را با چسب چوب ترکیب کرده، هم بزنید و با کاردک، ناصافی‌ها را پر کرده و صبر کنید تا خوب خشک شود. سوراخ‌های بینی را با خمیر مجسمه سازی ببندید و قالب را درون جعبهٔ مقوایی که پر از ماسه است قرار دهید تا تکان نخورد. چنان‌چه امکان این کار برای شما میسر نیست، خمیر مجسمه‌سازی را طوری در اطراف قالب قرار دهید که قالب در جای خود محکم و استوار قرار گیرد. داخل قالب را با وازلین، چرب کنید. چهار فنجان گچ قالب‌گیری دندان‌پزشکی را در ظرفی پلاستیکی بریزید و کم کم به آن آب اضافه کنید تا آب و گچ در یک سطح قرار گیرند. با کمک قاشق به سرعت گچ و آب را با هم مخلوط کرده، برای جلوگیری از ایجاد حباب‌های هوا، گاهی دوطرف ظرف را بگیرید و آهسته آن را به میز بزنید. ترکیبِ آماده، باید نه زیاد غلیظ و نه زیاد رقیق باشد. با کمک قلم‌مو، مقداری از مایع گچ را با دقت به داخل قالب بمالید و برای به وجود نیامدن حباب‌های هوا، روی آن فوت کنید. این کار را ادامه دهید تا تمام قالب از گچ پر شود. با کاردک فلزی، سطح پشتی قالب مثبت را صاف کرده و صبر کنید تا قالب مثبت نیز خشک گردد. زمانی که قالب خشک شد، با دقت آن را از قالب منفی (قالب اولی) که در واقع پوسته مانند است، جدا کنید. با کمک قلم‌مو، گچ‌های اضافی را از روی آن پاک کنید. اگر سوراخ‌های ریزی مشاهده کردید، سوراخ‌ها را با پودر مل و چسب چوب، بتونه کنید.

آزمون‌های فصل سوم

۱ــ صورتک یعنی چه؟

۲ــ به طور معمول از صورتک برای کدام اهداف استفاده می‌گردد؟

۳ــ انسان اولیه برای شکار حیوانات، صورتک‌های ابتدایی خود را از چه موادی ساخته است؟

۴ــ در نمایش«هاملت» برای نشان دادن روح، صورتک چه مفهومی را می یابد؟

۵ ــ در نمایش «پرومته در زنجیر» یا «ادیپ شهریار»، صورتک باید چه مفهومی را دارا باشد؟

۶ ــ در نمایش‌هایی که صورتک به منظور شبیه‌سازی استفاده می‌گردد، صورتک چه مفهومی را به خود می‌گیرد؟

۷ــ انواع صورتک را نام ببرید.

۸ ــ مواد و لوازم ساخت صورتک را نام ببرید.

۹ــ چگونگی ساختن قالب منفی را شرح دهید.

۱۰ــ چگونه قالب مثبت ساخته می‌شود؟

ساختن صورتک

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ مواد مورد نظر ساخت صورتک را آماده کند.

۲ــ با ابزار گوناگون ساخت صورتک، صورتک بسازد.

۳ــ شیوه‌های رنگ‌آمیزی صورتک را توضیح دهد.

۴ــ موارد مورد نظر رنگ‌آمیزی صورتک را توضیح دهد.

۵ــ رنگ‌آمیزی صورتک را انجام دهد.

۶ــ تلفیق صورتک و چهره‌پردازی در نمایش را توضیح دهد.

۷ــ یک کار تلفیقی از صورتک و چهره‌پردازی انجام دهد.

۱ــ۴ــ ساختن صورتک

پس از آنکه طراح صورتک، شخصیت مورد نظر خود را در ذهن پرورش داده و آن را بر روی کاغذ طراحی و رنگ‌آمیزی نمود، از میان مواد و روش‌های مختلف، با توجه به نوع طرح و چگونگی استفاده از صورتک، اقدام به ساختن آن می‌کند.

۱ــ۱ــ۴ــ ساختن صورتک از مقوا : مقوا را می‌توانید برمبنای رنگ چهرهٔ حیوان یا پرندهٔ مورد نظر خریداری نمایید. ابتدا با در نظر گرفتن چهره و اندازهٔ آن، طرح را روی مقواهای رنگی کشیده، سپس مقوا را با قیچی بریده و قسمت‌های مختلف آن را به هم متصل نمایید. این نوع صورتک به رنگ کامل نیاز ندارد زیرا رنگ‌ها توسط شما از قبل انتخاب شده است، تنها کمی رنگ برای ترسیم چشم‌ها، سبیل وغیره مورد نیاز است. این نوع صورتک بیشتر برای نمایش کودکان به‌کار می‌رود(تصاویر۱ــ۴ الی۳ــ۴).

تصویر۱ــ۴ تصویر۲ــ۴ تصویر۳ــ۴

۲ــ۱ــ۴ــ ساختن صورتک پارچه‌ای از تنظیف : قالب مثبت را آماده کرده، روی آن با خمیر مجسمه‌سازی یا خمیر بازی کودکان حجمی بسیار ساده از چهرهٔ انسان، حیوانات یا موجودی تخیلی را اجرا نموده و تمام سطح آن را با وازلین چرب نمایید. در یک ظرف، چسب چوب را با آب رقیق کرده و یک متر پارچهٔ تنظیف بسیار لطیف را دولا نموده، در ظرف محتوی چسب چوبِ رقیق شده ببرید. برای اطمینان از خوب خیس شدن پارچه این عمل را چندبار تکرار نمایید. سپس پارچهٔ آغشته به چسب را روی قالب انداخته با انگشتان دست، مو، ریش، سبیل و چشم و ابروان را شکل بدهید. ازچین‌هایی که بوجود می‌آید برای شکل بخشیدن به‌کار استفاده نمایید. سپس بگذارید پارچه خوب خشک شود یا با باد گرم سشوار آن را خشک کنید.

۳ــ۱ــ۴ــ ساختن صورتک از تکه‌های کاغذ : نخست، حجم مورد نظرتان را بر روی قالب مثبت با خمیر بازی کودکان بسازید. چنانچه خمیر در اثر سردی هوا سفت شده باشد، آن را با کمی وازلین ورز دهید. پس از آماده شدن طرح بر روی قالب مثبت، سطح قالب را با وازلین، چرب کنید. روزنامه‌های باطله را تکه تکه بریده، در چسب چوب رقیق شده فرو برده، سپس با سه لایه تمام سطح کار را بپوشانید. پس از اتمام کار، صورتک را در گرمای آفتاب کنار بخاری یا شوفاژ و یا با سشوار خشک کنید. پس از خشک شدن صورتک، آن را از قالب جدا کنید و چنانچه زوایدی روی آن دیدید با سمبادهٔ چوب، زواید موجود را صیقل دهید(تصاویر۴ــ۴ الی۹ــ۴).

۴ــ۱ــ۴ــ ساختن صورتک با خمیر مقوا : مقداری مقوای کارتون را تکه تکه کرده و دریک ظرف پلاستیکی بریزید. سپس درآن آب بریزید تا جایی که کمی از سطح مقواها بالاتر باشد وبگذارید یک شب تا صبح خیس بخورد. صبح، زیادیِ آب را خالی کنید و با دستکش پلاستیکی، زواید محلول را جدا نموده و کارتن‌هایی را که خیس خورده و نرم شده‌اند با دست چنگ بزنید تا خمیری یکنواخت

تصویر۴ـ۴

تصویر۵ـ۴

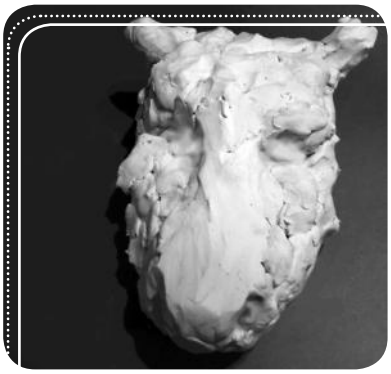

تصویر۶ـ۴

تصویر۷ـ۴

تصویر۸ـ۴

تصویر۹ـ۴

آماده شود. قالب مثبت را آماده و حجم مورد نظر را بر روی آن کار کرده، چرب نمایید. خمیر مقوای آماده را به صورت یک لایه بر روی تمام سطح کار بمالید. دقت کنید که تمام سطح قالب به یک اندازه از خمیر پوشیده شود. پس از خشک شدن خمیر، آن را از قالب جدا کرده، زواید آن را با سمبادهٔ چوب صاف کنید تا برای رنگ‌آمیزی آماده شود. با این روش می‌توانید پیکره‌های کوچک مقوایی نیز بسازید. برای این کار نیاز به قالب ندارید. با توجه به طرحی که بر روی کاغذ کشیده‌اید، خمیر را شکل داده و بعد از خشک شدن خمیر، آن را رنگ‌آمیزی کنید.

۵ـ۱ـ۴ـ صورتک پارچه‌ای با نوار زخم بندی : این صورتک در داخل قالب منفی کار می‌شود. ابتدا قالب منفی را کاملاً تمیز کرده و داخل آن را با وازلین چرب نمایید. سپس نوار زخم‌بندی ظریف‌بافت را با قیچی به شکل مربع‌های ۴ در۴ سانتی‌متر ببرید. ظرف کوچکی از چسب چوب که نه خیلی غلیظ باشد و نه خیلی رقیق آماده کنید. چسب آماده شده را با قلم‌مو، از قسمت پیشانیِ داخل قالب بمالید. مربع‌های بریده شده را با دقت در کنار هم، از ناحیهٔ پیشانی روی چسب چوب بچسبانید و تا ناحیهٔ چانهٔ قالب ادامه دهید. دقت کنید که انجام این کار در قسمت بینی کمی مشکل است چون چسب چوب در نوک بینی جمع می‌شود و باید با یک قطعه اسفنج، مرتباً چسب‌های اضافی را از نوک بینی بردارید. این ناحیه تنها جایی است که بسیار دیر خشک می‌شود. پس از چسباندن یک لایه نوار زخم بندی، دوباره از ناحیهٔ پیشانی همین کار را تکرار کنید. با بادگرم سشوار، قالب را و خصوصاً نوک بینی را خوب خشک کنید. پس از خشک شدن، با قلم‌مو یک لایه لاتکس روی آن مالیده و با باد سرد سشوار، آن را خشک نمایید. بعد از خشک شدن لاتکس، با قلم مو به آن پودر تالک بزنید و دوباره یک لایه لاتکس روی آن بکشید. این نوع صورتک، بیشتر مناسب شبیه‌سازی در نمایش است. برای رنگ‌آمیزی صورتکی که به این روش ساخته شده است (چون با نوار زخم‌بندی و لاتکس درست شده است) از هر رنگی نمی‌توان استفاده کرد. برای

انجام این کار، ابتدا مقداری از رنگ روغنی چهره‌پردازی را روی شیشه‌ای تمیز، با مقداری روغن بادام مخلوط کرده، تا حدودی آن را چرب نمایید و سپس با تکه‌ای اسفنج به تمام سطح صورتک بمالید. این ترکیب رنگی در داخل لاتکس نفوذ می‌کند.

۶ــ۱ــ۴ــ ساختن صورتک با نوار گچ شکسته‌بندی : به مدل روپوش بپوشانید و او را روی صندلی دارای پشتی مناسب بنشانید. چهرهٔ مدل را با شیرپاک‌کن و پنبه پاک کرده، موهای سر را از بالای پیشانی با یک نایلون فریزر بپوشانید. روی تمام چهره کمی وازلین بمالید. ناحیهٔ ابروان و چشم‌ها را با دو نایلون گرد که از کیسهٔ فریزر بریده‌اید بپوشانید (نایلون فریزر به راحتی روی وازلین می‌چسبد). نوار گچی با پهنای ۵ تا ۷ سانتی‌متری را آماده نمایید. اندازه‌های افقی چهرهٔ بازیگر را در سه قسمت بالای صورت، از شقیقهٔ چپ تا شقیقهٔ راست، و در ناحیهٔ میانی چهره، از کنار گوش راست به کنار گوش چپ، و از ناحیهٔ پایین صورت، از کنار فک راست تا کنار فک چپ مشخص نموده و این اندازه‌ها را روی نوار گچی با ۲ سانتی‌متر اضافه قیچی کنید. قسمت اضافهٔ بریده شده، جهت جبران کم شدن طول نوار گچی در داخل آب است. یک ظرف آب ولرم آماده کرده و از قسمت پیشانی، کار را شروع نمایید. نوار بالایی را در آب فرو برده، فشار دهید و با سرعت آن را روی پیشانی مدل، پهن کنید. نوک انگشتان را روی نوار بمالید تا گچ‌ها حل شود. بریدهٔ دوم را بلافاصله زیر تکهٔ اول، بر روی بینی چسبانده و سعی کنید تا لبهٔ نوار دوم به اندازهٔ ۳ میلی‌متر بر روی نوار اول بچسبد. روی دو نوار را نیز با نوک انگشتان بمالید تا گچ ها با هم مخلوط شود. برای زیرِ بینی از یک قطعهٔ کوچک نوار به شکل مثلث استفاده نمایید. نوار سوم را زیر نوار دوم در روی دهان چسبانده و با انگشتان، گچ ها را حل کنید. پس از لایهٔ اول، لایهٔ دوم را بلافاصله و با همان روش کار کنید. سعی کنید لایهٔ دوم را با دقت بیشتری بچسبانید زیرا نمای بیرونی صورتک شما است که باید رنگ‌آمیزی شود. پس از ۱۵ دقیقه اجرای کار، قالب را به آرامی از روی صورت جدا سازید و بگذارید خشک شود(تصاویر ۱۰ــ۴ الی ۱۵ــ۴).

تصویر ۱۰ــ۴

تصویر ۱۱ــ۴

تصویر ۱۲ــ۴

تصویر ۱۳ــ۴

تصویر ۱۴ــ۴

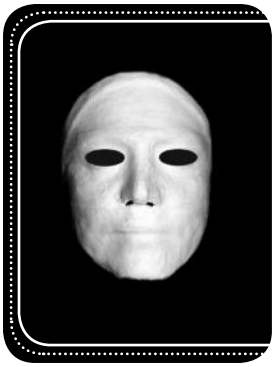
تصویر ۱۵ــ۴

۷ــ۱ــ۴ــ روش ساخت صورتک از جنس چرم : ابتدا طراح صورتک، طرح را با مداد روی کاغذ کشیده سپس طرح را (با در نظر گرفتن اندازه‌های سر و چهرهٔ بازیگر) بر روی گل رُس یا خمیر مجسمه‌سازی پیاده می‌کند. پس از آماده شدن طرح، روی آن کمی وازلین مالیده، از آن قالب منفی گرفته، سپس از قالب منفی قالب مثبت تهیه می‌کند. این قالب، الگوی مراحل بعدی کار قرار می‌گیرد. در مرحلهٔ بعد، سازنده با پیش رو داشتن و الگو قرار دادن قالب مثبت، آن را روی چوبی به شکل مکعب مستطیل پیاده می‌کند. جنس چوب معمولاً طوری انتخاب می‌شود که به آسانی بر روی آن حکاکی انجام شود. پس از سمباده زدن و صیقل دادن چوب، روی آن را با کمی وازلین چرب نموده، سپس چرم ظریفی را انتخاب و اندکی بزرگ تر از اندازه ببرید. بعد آن را به مدت یک ساعت داخل آب قرار دهید تا خوب خیس بخورد. سپس چرم را از آب درآورید، آب آن را گرفته و مرطوب روی مدل چوبی پهن کنید. نخست با انگشتان به آن مدل دهید. باید سعی شود چرم، خوب روی قالب بچسبد؛ پس با چکش چوبی ظریف روی مدل کوبیده تا چرم کاملاً بر قالب چوبی منطبق شود. پس از خشک شدن چرم، آن را با دقت از مدل چوبی جدا کرده و قسمت‌های اضافی را ببرید. جای چشم‌ها را چنانچه به ترمیم نیاز دارد ترمیم کنید. این صورتک که از جنس چرم است با روغن بی رنگ واکس زده می‌شود و با برس مخصوص، براق می‌شود. سپس داخل آن با پارچه‌ای بسیار نرم آستر می‌شود (تصاویر۱۶ــ۴ و ۱۷ــ۴).

تصویر۱۶ــ۴

تصویر۱۷ــ۴

۸ــ۱ــ۴ــ ساختن حجم بر روی صورتک : روی صورتک هایی که با نوار گچ شکسته‌بندی ساخته شده است، با پنبه و چسب چوب حجم بسازید. برای انجام این کار، برای مثال اگر بخواهید اطراف چهره، مو، سبیل و ریش بگذارید، ابتدا تکه‌ای پنبه برداشته، روی ناحیهٔ مورد نظر بگذارید، اطراف پنبه را بچسبانید، سپس چسب چوبِ بسیار رقیق شده را روی آن بمالید به طوری که حجم پنبه نخوابد. برای تبدیل صورتک به چهرهٔ حیوانات نیز به همین طریق عمل کنید. در صورتک هایی که با پارچهٔ نوار زخم‌بندی ساخته شده‌اند نیز، حجم‌سازی را با پنبه و مایع لاتکس به شیوهٔ فوق انجام می‌دهند. در این روش، لاتکس باید با آب رقیق شود. صورتک‌های پارچه‌ای ساخته شده با تنظیف، چنانچه نیاز به حجم‌سازی داشته باشند در زمان ساخت صورتک بر روی قالب مثبت انجام می‌شود. حجم‌سازی صورتک هایی که از خمیر مقوا درست شده‌اند در زمان ساخت صورتک و بر روی قالب مثبت انجام می‌پذیرد. حجم اضافی بر روی صورتک‌هایی که با تکه‌های کاغذ ساخته شده است، ابتدا بر روی قالب مثبت با خمیر مجسمه‌سازی یا خمیر بازی کودکان انجام می‌گیرد و سپس با روش تکه‌های کاغذ، قالب‌گیری می‌شود.

۹ــ۱ــ۴ــ نکات مهم برای ساختن صورتک‌ها :

بریدن جای چشم‌ها :

این کار را به سه طریق می‌توانید انجام دهید :

الف) خالی نمودن تمام جای چشم : پس از آنکه صورتک کمی خشک شد، جای چشم‌ها را بر مبنای طرح مورد نظر با دقت درآورید. با این روش، بازیگر دید کافی در صحنه خواهد داشت.

ب) ایجاد چشم با پارچهٔ توری: همانند روش بالا عمل کرده، پس از خالی کردن جای چشم‌ها، پارچه‌ای توری از داخل صورتک در محل چشم‌ها بچسبانید و کمی تور را از داخل صورتک با انگشتان فشار دهید تا حجم چشم را پیدا نماید. سپس بر روی تور، شکل چشم را نقاشی کنید. در این روش نیز بازیگر دید کافی خواهد داشت.

ج) ایجاد سوراخی در محل دید: در قسمت چشم‌ها فقط عنبیهٔ چشم‌ها را بریده، درمی‌آورید و چشم‌ها را روی صورتک، با رنگ، نقاشی کنید. در این روش، بازیگر دید کمتری دارد.

۱۰ــ۱ــ۴ــ گذاشتن صورتک بر چهره:

الف) بعضی از صورتک‌ها، در پشت سر با کش بسته می‌شود. چنانچه بازیگری احساس ناراحتی کرد، سه قطعهٔ کوچک اسفنج را به شکل مستطیل بریده در داخل صورتک در وسط پیشانی، روی گونه‌ها و تقریباً مابین گونه و بینی بچسبانید. در نتیجه، فاصله‌ای بین صورتک وچهرهٔ بازیگر ایجاد می‌شود.

ب) برای بعضی از صورتک‌ها، در زیر چانه، دسته‌ای از جنس مفتول فلزی تعبیه می‌شود که بازیگر به کمک آن، صورتک را مقابل صورت نگه می‌دارد. در این روش، مفتول (که به شکل T است)، زیر صورتک نصب می‌شود.

ج) بعضی از صورتک‌ها دسته‌ای در کنار خود دارند که بازیگر به هنگام بازی، توسط آن، صورتک را به دست می‌گیرد. کارهای تزئینی، روی این دسته‌ها نیز صورت می‌گیرد.

د) پارچه‌ای بسیار نرم داخل صورتک بچسبانید.

۲ــ۴ــ رنگ‌آمیزی صورتک

شاید رنگ از جمله عناصر بصری باشد که بیش از همه دربارهٔ آن مطالعه شده است. تلاش برای پی بردن به تأثیر رنگ، به گذشته‌های دور، به روزگار گوته[1] در قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد. در این قرن، کتاب‌های متعددی از دیدگاه پزشکی و روانشناسانه به این مقوله پرداخته‌اند که هدف از آنها، بررسی تعیین تأثیر رنگ بر سیستم بدن چون ضربان نبض، فشار خون و تنفس بوده است. برخی از این مطالعات گویای رابطهٔ نسبتاً روشنی مانند تند شدن ضربان نبض در مواجهه با رنگ‌های حد فاصل میان سرخ و زرد است. صرف‌نظر از چنین یافته‌هایی، میان رنگ و وضع و حال هم بستگی‌های نسبتاً کلی وجود دارد که اگر چه از لحاظ علمی قابل اثبات نیست ولی آن‌چنان کلی و عام می‌نماید که برای کار تئاتر مفید بوده است. طیف رنگ به رنگ‌های «سرد» و «گرم» تقسیم می‌شود. رنگ‌های واقع در طیف زرد، سرخ و نارنجی، رنگ‌های گرم، و رنگ‌های واقع در طیف سبز و آبی، رنگ سرد انگاشته می‌شوند. علت طبیعی این اثر، شاید وجود این حقیقت باشد که پدیده‌هایی چون آفتاب، شعلهٔ آتش، زغال یا فلزات تحت تأثیرِ حرارت به رنگ زرد، نارنجی و سرخ درمی‌آیند، حال آن‌که چیزهای سرد یا خنک چون آب، یخ، آسمان، انبوه درختان و مانند آن در طیف آبی و سبز قرار می‌گیرند.

صورتک‌های مختلفی که برای شما چگونگی ساختن آنها شرح داده شد، نیاز به رنگ‌آمیزی دارد.

صورتک مقوایی: این صورتک چون از مقواهای رنگی ساخته می‌شود، نیاز به رنگ‌آمیزی کامل ندارد. تنها برای مشخص نمودن چشم‌ها و نواحی خاصی از چهره، از رنگ گواش برای رنگ‌آمیزی آن استفاده می‌شود.

صورتک تکه‌های کاغذی: رنگ‌آمیزی این نوع صورتک با رنگ گواش انجام می‌پذیرد و با سایه و روشن، حجم‌های صورتک مشخص می‌شود.

۱ــ Goethe

صورتک خمیر مقوا : این نوع صورتک با گواش رنگ‌آمیزی می‌شود و با سایه و روشن زدن بر روی آن، فرورفتگی‌های آن تیره‌تر و برجستگی‌های آن روشن‌تر می‌شود. برای رنگ‌آمیزی این نوع صورتک می‌توانید از رنگ‌های افشانه‌ای استفاده نمایید. به طور کلی این نوع صورتک رنگ قهوه‌ای روشنی دارد که خود به خود زیبا می‌باشد. اگر پیکره‌های کوچکی از خمیر مقوا ساخته‌اید، رنگ طبیعیِ خود پیکره‌ها زیباست.

صورتک نوار گچ شکسته‌بندی : این نوع از صورتک این قابلیت را دارد که با کارهای حجمی که بر روی آن انجام می‌دهید، می‌توانید از آنها اشکال دیگری مثل حیوان، پرنده، چهره‌های باستانی، نمادهای ذهنی و عینی بسازید. لذا از رنگ‌های گواش، رنگ روغن نقاشی (که دیر خشک می‌شود) و رنگ‌های اسپری جهت رنگ‌آمیزی آنها استفاده نموده و یا می‌توان تزیینات بسیاری روی آنها بر مبنای طرح؛ با پارچه، تور پارچه‌ای، گل‌های خشک، گل‌های مصنوعی، حبوبات، برگ خشک، چوب تنهٔ درختان، سنگ‌های کوچک رنگی، افشانه‌های رنگی طلایی، نقره‌ای و غیره انجام داد. برای جلا دادن به آنها نیز چنانچه با گواش کار کرده باشید، می‌توانید از روغن جلا یا افشانه‌های جلا دهنده استفاده نمایید.

۱ـ۲ـ۴ـ روان شناسی رنگ‌ها : از جمله موارد بسیار با اهمیت نمایش، مفاهیم رنگ در صحنه و تأثیر روانی آن بر تماشاگر است. انتخاب رنگ برای صحنهٔ نمایش، لباس، چهره‌پردازی و صورتک و نورهای صحنه، با توجه خاص بر تحلیل‌ها و مؤلفه‌ها صورت می‌پذیرد.

این عوامل به کمک رنگ و نور می‌تواند بر تماشاگر اثر مطلوب یا نامطلوبی بگذارد. رنگ در نمایش دارای مفاهیم خاص است و احساس‌های مختلفی را در تماشاگران سبب می‌گردد. برای رنگ‌آمیزی صورت، باید سبک نمایش، رنگ‌بندی صحنه، رنگ‌های لباس و رنگ نورها را در نظر گرفت. از آنجا که هر رنگ از دیدگاه روان شناسی تأثیری ویژه و مفهومی نمادین دارد، علاوه بر شناخت تأثیرات رنگ، آشنایی با مفاهیم آن برای طراحان چهره‌پردازی و صورتک ضروری است.

رنگ سفید : نماد کمال، پاکی، آرامش، صداقت، راستی، دوستی، بی‌انتهایی و...

رنگ سیاه : نماد غم، مرگ، ابدیت، پوچی، انتها و...

رنگ قرمز : نماد قدرت، اقتدار، آتش، خون، جنگ، نیروهای شیطانی، انرژی، هیجان و...

رنگ آبی روشن : نماد صلح، آرامش روح، پارسایی، کودکی، وفاداری و...

رنگ سبز : نماد پایداری، ثبات، طراوت، تحرک و...

رنگ سبز کدر : نماد حسادت، بداندیشی، بدشگونی، بیماری، خیانت و...

رنگ خاکستری : نماد خنثی بودن، بی‌تفاوتی، نامفهومی، انزوا، افسردگی، عصبی بودن، غیر متعهد بودن و...

رنگ زرد کم رنگ : نماد سستی، پریشانی، یأس، عدم اعتماد، سؤظن، خیانت و...

رنگ صورتی : نماد احساساتی بودن، رویایی و خیال‌انگیز بودن و...

رنگ ارغوانی : نماد جلال، شکوه، عظمت و...

رنگ بنفش آبی : نماد وَهم، ترس، اضطراب، افسانه‌ای، جادویی و...

رنگ بنفش قرمز : نماد اسرارآمیز بودن، وسوسه‌انگیز بودن، خیال‌انگیز بودن و...

رنگارنگ نامنظم : نماد غیر منطقی بودن، عدم تعادل داشتن و...

رنگارنگ بیش از اندازه : نماد خودپسندی، خودبینی و...

رنگارنگ شاد و زنده : نماد وفاداری، دوستی و...

رنگ‌های نامشخص : نماد بیماری، تلخی و...

۳ــ۴ــ چهره‌پردازی اکسپرسیو [Experssive]

چهره‌پردازی بیانگرا یا «گریم ماسک» که سبکی از چهره‌پردازیِ تلفیقی است. در این روش، چهره با رنگ‌های غلیظ پوشانده می‌شود و جلوه‌ای همچون صورتک می‌یابد. در نمایش کودکان، دلقک‌ها، میم، پانتومیم، نمادهای عینی و ذهنی و نمایش‌های شرق؛ هندی، ژاپنی و چینی از این نوع چهره‌پردازی استفاده می‌شود.

۱ــ۳ــ۴ــ نمایش کودکان : نمایش‌های کودکان غالباً حکایاتی دربارهٔ جانوران، پرندگان، حشرات، گیاهان و غیره است که هدف آن آموزش رفتار و اخلاق اجتماعی به کودکان است. برای چهره‌پردازی بازیگران نمایش کودک، معمولاً از چهره‌پردازی تلفیقی استفاده می‌شود. چون هم برای بازیگر (که معمولاً کودک هستند) راحت‌تر است و هم میمیک چهره به تماشاگر القا می‌شود.

کارگردان برای شخصیت‌های نمایش، نخست باید شکل چهرهٔ کودکان را در نظر بگیرد. برای نقش گربه و خرگوش، چهره به شکل گرد، میمون، فاصلهٔ بینی و لب زیاد، گرگ و روباه، چهره به شکل مثلث یا سه‌گوش، شیر و پلنگ و ببر و مانند اینها، چهرهٔ درشت و چهارگوش یا مستطیل انتخاب کند. برای نشان دادن شکل‌های پرندگان، بینی کشیده مناسب است(تصاویر۱۸ــ۴ و۱۹ــ۴).

تصویر۱۸ــ۴

تصویر۱۹ــ۴

۲ــ۳ــ۴ــ دلقک‌ها : دلقک‌ها به دو دسته تقسیم می شوند : دلقک‌های شاد و دلقک‌های غمگین.

دلقک‌های شاد :

دلقک‌های شاد شخصیت‌هایی به نام «کلون»[۱]، «آدرین»[۲]، «توتی‌فروتی»[۳]، «اوگست»[۴] هستند که ریشه در شخصیت‌های نمایش کمدیا دلآرته دارند.

چهره‌ها سفید، اشکال هندسی با رنگ‌های شاد و زنده در اطراف چشم‌ها. لب‌ها بزرگ وگوشه‌ها به طرف بالا (بیانگر خنده). گاه سر بینی قرمز می‌شود.

دلقک‌های غمگین :

دلقک‌های غمگین به نام‌های پی‌یرو (مرد) و پیرت (زن).

رنگ چهره‌ها به طرف سفید، پشت چشمان آبی و حالتِ افتاده، یک قطره اشک زیر یک چشم رنگ‌آمیزی می‌شود. لب‌ها قرمز تیره، گوشه‌ها طرف پایین که حالت غم را تداعی می‌کند(تصاویر ۲۰ــ۴ و۲۱ــ۴).

تصویر۲۰ــ۴ تصویر۲۱ــ۴

۱ــ Clown ۲ــ Adrian ۳ــ Tutifruti ۴ــ August

۳ــ۳ــ۴ــ میم ــ پانتومیم : هر دو شخصیت، برای بهتر نشان دادن حالات و احساسات، چهره را سفید می‌کنند. دو خط کوچک تیره زیر چشم‌ها کشیده می‌شود و لب‌ها به رنگ قرمز، رنگ‌آمیزی می‌شود(تصویر۲۲ــ۴).

۴ــ۳ــ۴ــ نمادهای عینی و ذهنی : نمادها به دو دسته تقسیم می‌شوند : نمادهای عینی مانند روز، شب، خورشید، آب، باد و غیره، و نمادهای ذهنی مانند زندگی، مرگ، راستی، عدالت، رذالت، دوروئی و غیره. نمادها در نمایش بسیار مشاهده می‌شود و اغلب با این نوع چهره‌پردازی عیان می‌شود، گاه نیز با صورتک نشان داده می‌شود(تصویر۲۳ــ۴).

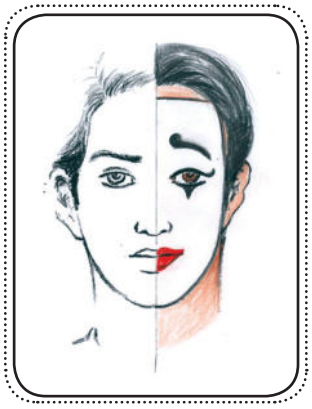

تصویر۲۲ــ۴

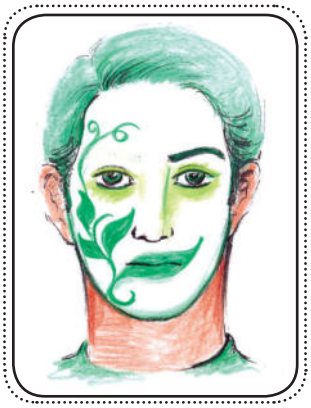

تصویر۲۳ــ۴

۵ــ۳ــ۴ــ آشنایی با تاریخچه و انواع سبک‌های نمایش و چهره‌پردازی تلفیقی در شرق

عناصر مشترکی که در نمایش‌های شرقی مشاهده می‌گردد عبارتند از :

الف) نمایشنامه بر مبنای اسطوره‌ها، خدایان، قهرمانان، شیاطین، ارواح و غیره جهت نشان دادن نبرد بین خیر و شر استفاده می‌شود.

ب) زمان اجرای نمایش طولانی است.

ج) اجرای نمایش همراه با موسیقی، آواز و رقص به شیوه‌های مختلف است.

د) بازیگران مرد هستند.

هـ) به کار بردن صورتک‌های چوبی.

و) استفاده از چهره‌پردازی تلفیقی و رنگ‌های نمادین هر منطقه.

ز) ساختن رنگ‌های روغنی و یا گیاهی برای چهره‌پردازی.

ح) به کار بردن تاج و سربند زربفت و نقره‌بافت، نوارهای رنگی براق، پارچه‌های رنگی براق شاد از جنس ساتن، تافته و امثال آن.

اتمام نمایش با پیروزی خیر بر شر.

ی) تماشاگران این گونه نمایش‌ها برای مدت زمانی به دنیای رویایی و افسانه‌ای خواهند رفت.

۱ــ۵ــ۳ــ۴ــ نمایش هند : کاتاکالی[1] در قرن پانزدهم میلادی در هند شکل گرفته و ریشه‌ای مذهبی دارد. هندوان، شیوا[2] را خدای آفریدگار رقص و موسیقی می‌دانند. کاتاکالی نمایشی بر مبنای اسطوره، افسانه‌های مذهبی و غیره است. نمایش همراه با موسیقی و رقص اجرا می‌شود. بازیگران همگی مرد هستند و بازیگر زن، معمولاً پسری جوان است. داستان نمایش با حرکات انگشتان، حالات چشمان و حرکت بدن و ضرب آهنگ پا برای تماشاگران بازگو می‌گردد. لباس‌ها بسیار رنگین، شاد و درخشان همراه با تزئینات زربافت و نقره بافت است و به‌خصوص چهره‌پردازی در این نمایش نقشی اساسی به عهده دارد.

۱ــ Kathakaly ۲ــ Shiva

رنگ چهره‌ها دارای مفهومی خاص است و هر رنگ بیانگر نمادی سنتی می‌باشد. چهره‌پردازی به شیوهٔ چهره‌پردازی تلفیقی انجام می‌شود و ساعت‌ها به طول می‌انجامد. کاغذ مخصوص و بسیار نازکی را از ناحیهٔ بالای گونه تا زیر فک بازیگر، با چسبی گیاهی چسبانده، سپس با خمیر برنج حجم‌هایی را بر آن افزوده و در نهایت رنگ‌آمیزی می‌کنند. برای قهرمانان و اشخاص روحانی و به‌طور کلی شخصیت‌های مثبت، بعد از چسباندن کاغذ، رنگ سبز درخشانی به تمام چهره زده می‌شود و با سایه و روشن‌های طلایی و قرمز بر روی صورت کار می‌شود. جهت نشان دادن حالات و حرکات چشم‌ها، اطراف چشم‌ها را خطوط سیاه می‌کشند و لب‌ها را نیز نارنجی کم رنگ می‌کنند. در وسط پیشانی علامتی با رنگ سفید می‌گذارند که برای قهرمانان و افراد روحانی شکل‌های متفاوتی دارد.

رنگ‌های نمادین این نمایش عبارتند از :

الف) سبز : برای شخصیت‌های مثبت. عشق، دلبستگی، تعلق.

ب) صورتی : جهت خدایان، همراه با ریشی سفید.

ج) زرد براق : رنگ خاص زنان است.

د) زرد کم رنگ : برای زنان معمولی.

هـ) قرمز تیره : نشان دهندهٔ شخصیت‌های منفی است.

و) سیاه : جهت شخصیت‌های وحشی. وحشت.

ز) ریش قرمز : برای دیوصفتان.

ح) ریش سفید و چهره‌ای دو رنگ برای خدای میمون‌ها (قسمت بالای چهره سیاه و پایین آن سرخ، همراه با ریشی سفید).

ط) رنگ آمیزی بسیار و نقش و نگارهای درهم برای نشان دادن جادوگران.

ی) رنگ قرمز : برای شخصیت‌هایی با قدرت بدنی بالا استفاده می‌گردد.

ک) رنگ سفید : جهت شخصیت‌هایی با طبع آتشین و تندخو به‌کار می‌رود.

ل) رنگ آبی : نفرت.

م) خاکستری : دلسوزی.

ن) پرتقالی روشن : قهرمانان(تصویر ۲۴ـ۴).

تصویر ۲۴ـ۴

۲ـ۵ـ۳ـ۴ـ نمایش چین : نمایش چین در اواخر قرن هجدهم میلادی در پکن شکل گرفته است که اصل و ریشه‌اش بر مبنای نمایش‌های سنتی دوران گذشته است. نمایشنامه‌ها بر مبنای افسانه‌های خیالی، حماسی، داستان‌های قدیمی و یا حوادث معاصر است. نیمی از نمایش با بازی و نیم دیگر آن با خواندن اجرا می‌شود.

از ویژگی‌های این نوع نمایش استفاده از لباس‌های بسیار رنگی و درخشان و شاد همراه با تزئینات و چهره‌پردازی‌های بسیار رنگی به شیوهٔ چهره‌پردازی تلفیقی با ریش‌هایی از جنس ابریشم است.

در این نمایش‌ها چهره‌پردازی با دو روش «چهرهٔ پودر زده» و «چهره‌پردازی غلیظ» انجام می‌گیرد و رنگ‌ها کاربردی نمادین به شرح زیر دارند :

الف) قرمز : نماد صداقت، وفاداری و شجاعت است.

ب) سیاه : نشان عدالت، دیانت، جسارت، دوستی، و مخلوط با رنگ‌های دیگر نشان خشونت است.

ج) سفید: برای مکر، تزویر و ترس است و هرچه برمیزان آن افزوده گردد دلیل خیانت است.

د) زرشکی: جهت اجانب و نظامیان به کار می‌رود.

هـ) ارغوانی: نشان از آرامش و پشتکار دارد.

و) آبی: نماد استقامت، تکبر و درنده‌خویی است.

ز) زرد: فراست را می‌نمایاند.

ح) خاکستری: برای سالمندان به کار می‌رود.

ط) قهوه‌ای: نشان لجاجت و خودسری است.

ی) سبز: جهت نشان دادن خیانت و مخلوط با رنگ‌های دیگر، نشان بی‌ثباتی است.

ک) قرمز و سفید: برای پادشاه میمون‌ها به کار می‌رود.

ل) طلایی و نقره‌ای: نماد فرازمینی و آسمانی است.

م) قرمز و بنفش و قهوه‌ای با ابروان سیاه: نشان شخصیت قهرمان داستان است.

ن) چهره‌های بسیار رنگین: خاص راهزنان شوخ و ماجراجویان مهربان است.

علامت‌های روی پیشانی بیانگر خصوصیات شخصیتی قهرمانان است(تصویر۲۵ـ۴).

تصویر۲۵ـ۴

۳ـ۵ـ۳ـ۴ـ نمایش ژاپنی کابوکی[1]: نوعی نمایش ژاپنی است که پیدایش آن را اوایل قرن هفدهم میلادی می‌دانند. این نمایش برگرفته از نمایش نو و دیگر نمایش‌های سنتی گذشتهٔ ژاپن است. نمایش همراه با رقص، موسیقی و بازی اجرا می‌شود و موضوع نمایشنامه‌ها بر مبنای داستان‌های قدیمی، تاریخی، جنگ، انتقام، خیانت، دسیسه، تضاد، پستی، فداکاری و جوانمردی است. بازیگران، مرد هستند و حتی بازیگر نقش زن نیز پسری جوان است. در این نوع نمایش از چهره‌پردازی تلفیقی استفاده می‌شود و بازیگران صورتک بر چهره نمی‌گذارند. به‌طور کلی نمایش کابوکی نمایشی واقع‌گرایانه است. لباس‌ها رنگی و درخشان، همراه با تزیینات است و رنگ‌ها و خطوط بیانگر شخصیت‌ها است. شخصیت‌های مثبت دارای چهره‌پردازی با رنگ‌های ساده هستند و شخصیت‌های منفی (دزدان، شخصیت‌های خشن منفی و...) طرح‌های پیچیده و تنوع رنگی دارند.

الف) رنگ سفید: برای شخصیت‌های غیرقابل اعتماد و دغل به کار می‌رود.

ب) رنگ آبی: جهت شخصیت‌های بی‌رحم استفاده می‌گردد.

ج) ارغوانی: نشان افراشتگی، نجابت و غرور و اصالت خانوادگی است.

د) رنگ نیلی: نماد افسردگی، تیرگی و تاریکی است.

هـ) سبز روشن: نشان از آسایش خاطر و آرامش است.

و) قهوه‌ای و قهوه‌ای تیره: برای خودپسندی، خودستایی، افسردگی استفاده می‌شود.

ز) خاکستری: نماد افسردگی و دلتنگی است.

ح) قرمز: اشتیاق، قدرت و جدیت را نشان می‌دهد.

ط) قرمز تیره: خشم و غضب است.

تصویر۲۶ـ۴

۱ـ Kabuki

ی) سرخ متمایل به بنفش: نشان جوانی وشادمانی است.

چهرهٔ سفید با خطوطی به‌رنگ قرمز، با موی سیاه بلند، خاص شخصیت قهرمان است و چهرهٔ بنفش بسیار کمرنگ، با خطوط بنفش تیره با ریش انبوه و موی کوتاه سفید، خاص شخصیت منفی است. چهرهٔ سفید با ابروانی با فاصله از چشم‌ها و لب‌های کوچک قرمز، خاص بازیگر زن و چهره‌ای به‌رنگ طبیعی با کلاه‌گیس نیمه طاس، خاص اوباش است(تصویر۲۶ـ۴).

آزمون‌های فصل چهارم

۱ـ چگونگی ساختن صورتک از تکه‌های کاغذ را توضیح دهید.

۲ـ ساختن صورتک با خمیر مقوا را توضیح دهید.

۳ـ صورتک پارچه‌ای با نوار زخم‌بندی چگونه ساخته می‌شود؟

۴ـ ساختن صورتک با نوار گچ شکسته‌بندی چگونه است؟

۵ـ روش ساخت صورتک از جنس چرم را شرح دهید.

۶ـ ساختن حجم بر روی صورتک‌هایی که از نوار گچ شکسته‌بندی ساخته شده است، چگونه است؟

۷ـ بریدن جای چشم‌ها در صورتک با چه روش‌هایی امکان‌پذیر است؟

۸ـ چگونه برای صورتک‌ها می‌توان دسته ساخت؟

۹ـ صورتک از جنس خمیر مقوا را چگونه می‌توان رنگ‌آمیزی نمود؟

۱۰ـ رنگ سفید نماد چیست؟

۱۱ـ رنگ قرمز نماد چیست؟

۱۲ـ ویژگی‌های چهره‌پردازی اکسپرسیو یا گریم تلفیقی را توضیح دهید.

۱۳ـ در نمایش کابوکی رنگ سفید نماد چه شخصیتی است؟

فصل پنجم

آناتومی صورت و شناخت چهره

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ انواع صورت و شکل چهره را از نظر هندسی توضیح دهد.

۲ــ استخوان‌بندی انواع صورت را شرح دهد.

۳ــ کاربرد عضلات صورت را بیان کند.

۴ــ در مورد خطوط چهره توضیح دهد.

۵ــ در مورد برجستگی‌های چهره توضیح دهد.

۶ ــ قیافه‌شناسی را به عنوان یک علم بیان کند.

۷ــ تأثیر حالات درونی انسان بر چهرهٔ او را بنویسد.

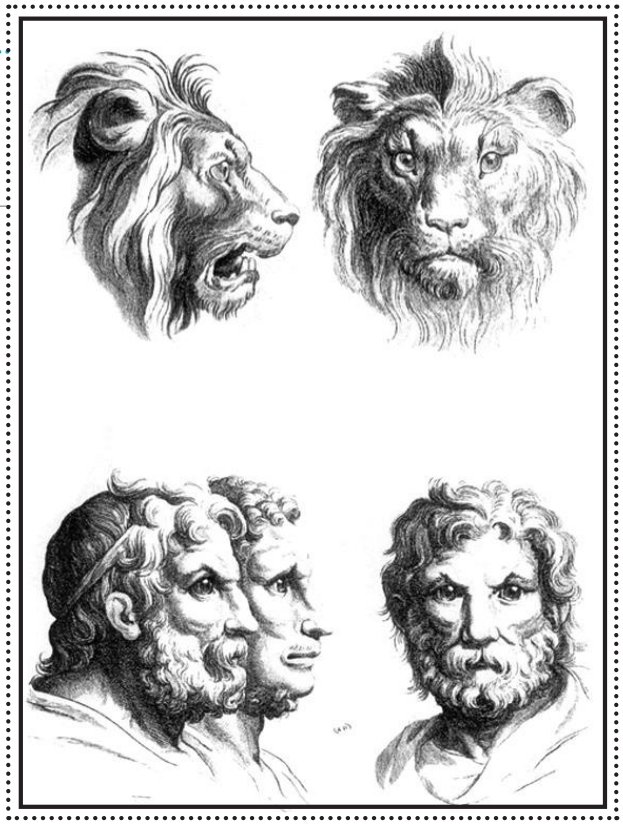

۱ــ۵ــ آناتومی صورت

استخوان‌بندی و عضلات سر و صورت و نقش آن در بیان حالات چهره : آگاهی از علم کالبدشناسی جهت انجام گریم لازم است. با شناخت ساختار صورت، گریم کامل و بدون نقص ارائه می‌شود. نمای بیرونی بدن از پوست پوشیده شده و در زیر آن رگ‌های خونی، چربی‌ها، ماهیچه‌ها و استخوان‌ها قرار گرفته‌اند.

۱ــ۱ــ۵ــ استخوان‌بندی سر از دو قسمت کاسهٔ سر و چهره تشکیل شده است :

الف) استخوان‌های کاسهٔ سر : کاسهٔ سر شامل هشت استخوان است که چهار عدد آن فرد است و عبارتند از : استخوان پیشانی در جلوی سر، استخوان پشت سر در ناحیهٔ پشت کاسهٔ سر، استخوان پرویزنی در پشت حفره‌های بینی و استخوان شب‌پره در کف کاسه سر. چهار استخوان دیگر به‌صورت زوج است و عبارتند از : استخوان‌های آهیانه که در بالا و بین استخوان‌های پیشانی و پسِ سر قرار دارد، استخوان‌های گیجگاهی که در زیر آن‌ها در دو طرف کاسهٔ سر قرار گرفته و سوراخ‌های گوش در آن‌ها واقع است.

ب) استخوان‌های چهره : مجموعهٔ چهارده استخوان چهره در پایین سر قرار دارد و شامل دو قسمت آروارهٔ بالا و آروارهٔ پایین است. از این تعداد استخوان، سیزده عدد آن به هم چسبیده و تنها فک پایین مجزا و متحرک است. آروارهٔ بالا دارای دو استخوان فک بالا، دو استخوان اشکی، دو استخوان صدفی یا بینی، دو استخوان کام دهان، دو استخوان گونه، دو استخوان بینی و یک استخوان تیغه میانی بینی است(تصاویر ۱ــ۵ و ۲ــ۵).

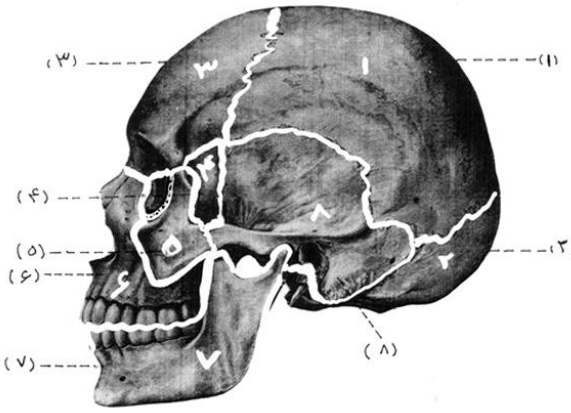

تصویر۲ــ۵

۱ــ استخوان آهیانه ۲ــ استخوان پس‌سری
۳ــ استخوان پیشانی ۴ــ استخوان شب‌پره
۵ــ استخوان گونه ۶ــ استخوان فک بالا
۷ــ استخوان فک پایین ۸ــ استخوان گیجگاهی.

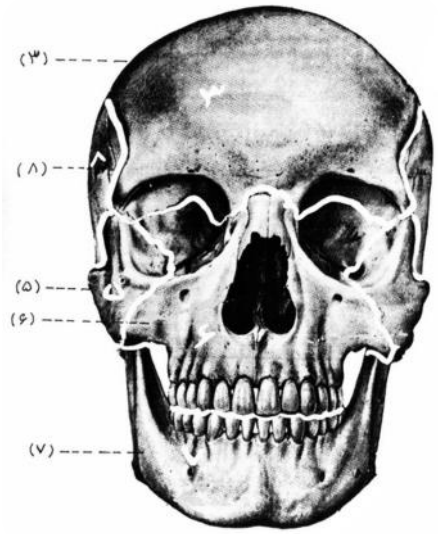

تصویر۱ــ۵

۲ــ۱ــ۵ــ عضله‌های سر و صورت : عضله‌ها روی استخوان‌ها را می‌پوشانند و حرکات آن‌ها سبب ایجاد حالات گوناگون چهره می‌گردد. عضلات سر و صورت شامل عضله‌های پوستی و عضله‌های جونده است، که اولی سبب ایجاد حرکت در ظاهر صورت می‌گردد و دومی باعث حرکت استخوان فک پایین می‌گردد.

الف) عضلات جونده : آروارهٔ پایین را به طرف بالا می‌کشند؛ شامل عضلات ماضغه و عضلات گیجگاهی.

ب) عضلات پوستی سر و صورت عبارتند از :

۱ــ دو عضلهٔ پشت سری: پوست سر را به پشت می کشد.

۲ــ عضلات پیشانی: با منقبض شدن این عضلات، حالات مختلف مانند تعجب، ترس، وحشت و غافلگیری ایجاد می‌شود.

۳ــ عضلات کاسهٔ چشم: مجموع عضلات ابرویی که ابروها را به‌هم نزدیک کرده و خطی عمودی مابین ابرو ایجاد میکند. حالات خشم، تجاوز، غم، درد، ناراحتی و بدجنسی را بر چهره نمایان می‌سازد. مدور پلک‌ها که در داخل کاسهٔ چشم قرار دارد و سبب باز و بسته شدن چشم‌ها می‌شود.

۴ــ عضلات بینی:

الف) عضلات هرمی: این عضلات، پوست ناحیه ابرویی را پایین می کشد.

ب) عضلات عرضی بینی: پره‌های بینی را به طرف بالا می کشد.

ج) عضلات موردی: سوراخ بینی را تنگ می کند.

د) عضلات گشایندهٔ بینی: با انقباض آنها بینی باز می‌شود. حالات بی‌خبری، میل و رغبت را بر چهره آشکار می‌سازد.

۵ــ عضلات دمنده و باز کنندهٔ لبها: عمل مکیدن را انجام می‌دهد.

۶ــ عضلات شیپوری: شبیه بادبزن است. عمل این عضلات، سوت زدن، فوت کردن، جویدن و بلع غذاست. و در عین حال بیانگر رضایت است.

۷ــ عضلات انیابی: حالت مسخره و درندگی به چهره می‌دهد.

۸ــ عضلات بالا برندهٔ سطحی: بالا برندهٔ بینی و لب بالا.

۹ــ عضلات وجنه‌ای کوچک: شکاف لب‌ها را بالا و عقب می‌کشاند. با انقباض این عضلات، حالات، خندهٔ دردناک و گریه بر چهره آشکار می‌شود.

۱۰ــ عضلات وجنه‌ای بزرگ: این عضلات، گوشه‌های لب را به بالا و خارج می‌کشاند. این عضلات، شادی، خنده و قهقهه را بر چهره ایجاد می کند.

۱۱ــ عضلهٔ بالا برندهٔ چانه: بالا برندهٔ چانه است. این عضله هنگام دعا خواندن جنبش‌های لب‌ها را ایجاد می کند.

۱۲ــ عضلات سه‌گوش لب: گوشه‌های لب را به پایین و عقب می‌کشاند. این عضلات بیانگر حالات غم، اندوه، نفرت، عصبی بودن، انزجار، بیماری و نارضایتی هستند.

۱۳ــ عضلات چهارگوش چانه: لب پایین را به طرف پایین و به سمت خارج می‌کشاند. عمل این عضلات، بیانگرحالات بی‌اعتنایی، بی‌تفاوتی وگاهی خشم است.

۱۴ــ عضلات گوشی: در طرف جلو، در قسمت بالا و نیز در پشت گوش قرار دارند(تصویر ۳ــ۵).

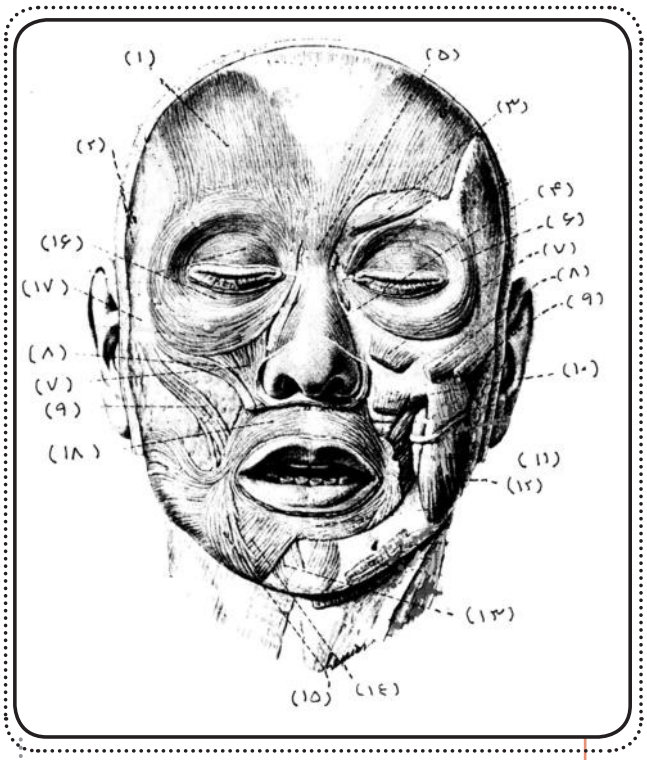

تصویر۳ــ۵

۱ــ عضلهٔ پیشانی ۲ــ عضلهٔ گیجگاهی ۳ــ عضلهٔ ابرویی ۴ــ عضلهٔ عرضی بینی ۵ــ عضلهٔ هرمی ۶ــ عضلهٔ کاسهٔ چشمی ۷ــ عضلهٔ بالا برندهٔ سطحی ۸ــ عضلهٔ وجنه‌ای کوچک ۹ــ عضلهٔ وجنه‌ای بزرگ ۱۰ــ عضلهٔ بالا برندهٔ عمقی ۱۱ــ عضلهٔ شیپوری ۱۲ــ عضلهٔ ماضغه ۱۳ــ عضلهٔ بالا برندهٔ چانه ۱۴ــ عضلهٔ مربع چانه ۱۵ــ عضلهٔ مثلث ۱۶ــ عضلهٔ مدور پلک‌ها ۱۷ــ استخوان گونه ۱۸ــ عضلهٔ دمنده و بازکنندهٔ لب.

۳ــ۱ــ۵ ــ غضروف‌ها : در ساختار دو عضو مهم سر و صورت [گوش‌ها وبینی] نقشی اساسی دارند.

۴ــ۱ــ۵ ــ پوست : پوستِ چهره بیش از هر عضوی نمودار حالات درونی است. احساسات ما را منتقل می‌کند و هر ناراحتیِ کم و بیش طولانی بر روی آن اثرهای بسیار و گوناگون می‌گذارد، همچون چین و چروک، پف کردن‌ها، نشانه‌های غرور جوانی، تب خال، کهیر، اختلالات رنگی و مویرگ‌های پوست. از دیدگاه بافت‌شناسی، پوست سرتاسر سطح بدن را می‌پوشاند. تمام تکه‌های آن به‌هم متصل است و به منزلهٔ غلاف تن آدمی است. این پوشش پرده‌ای نرم، پایدار، کشش‌دار و مخاطی نگهدارنده است و همیشه بافت همبندی دارد که آن را تغذیه می‌کند. رنگ پوست افراد مختلف نسبت به نژاد و سن، متفاوت است و بیشتر اختلاف آن مربوط به رنگدانه‌هایی است که در اعماق اشکوب سطحی آن وجود دارد. پوست به چهار بخش تقسیم می‌شود : پوست طبیعی، پوست چرب، پوست خشک، پوست مخلوط. پوست از یک مخاط لپیگی شاخی که از دو طبقهٔ متمایز تشکیل یافته، ساخته شده است. طبقهٔ اشکوب رویی که با هوا تماس دارد، و اشکوب زیرین که در آن آوندها و پیه‌هایی موجودند.

۲ــ۵ ــ شناخت شکل چهره، خطوط و حجم‌های صورت

چهرهٔ تمام افراد به یکی از اشکال هندسی مانند مربع، مستطیل، بیضی، گرد، مثلث، ذوزنقه‌ای۱، ذوزنقه‌ای۲ و لوزی گرایش دارد(تصویر ۴ــ۵).

گاهی در یک چهره، دو شکل هندسی مشاهده می‌شود که با هم ترکیب شده‌اند. چهره‌های فوق به سه دستهٔ چهره‌های تخت، چهره‌های گونه‌دار، چهره‌های بدون گونه تقسیم می‌گردد. اولین شناخت شما از چهرهٔ بازیگر، شکل چهرهٔ او است. با شناخت چهره و مطالعهٔ آن، طراحی مناسب امکان‌پذیر خواهد بود. طراح باید بررسی کند آیا شکل چهرهٔ بازیگر مناسب با طرحی که برای چهرهٔ او در نظر گرفته شده هست، یا باید شکل چهرهٔ او را به شکل هندسی دیگری تغییر دهد. چه نوع ریش و سبیلی برای این شکل از چهره مناسب‌تر است؟ آیا ابتدا باید چهرهٔ او را لاغر یا چاق کند و یا برای او حجمِ گونه بسازد؟

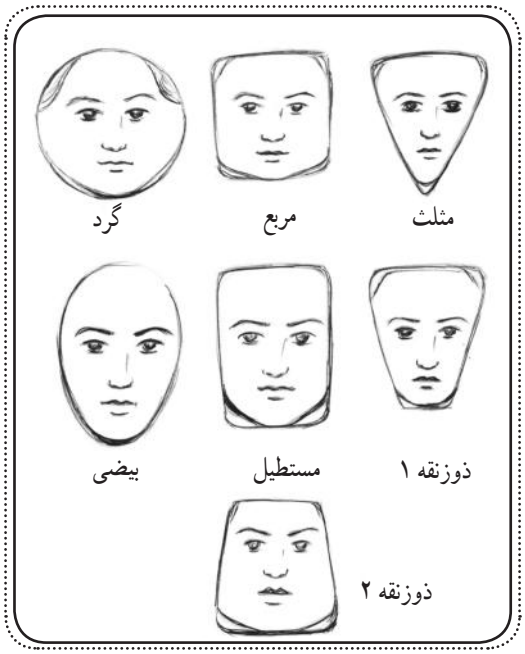

تصویر۴ــ۵

خطوط چهره :

۱ــ خطوط پیشانی ۲ــ خط چشم ۳ــ خط شقیقه ۴ــ خط کاسهٔ چشم ۵ــ خطوط گوشه‌های چشم ۶ــ خط مدور چشم ۷ــ خط بینی ۸ــ خط گونه ۹ــ خط فک ۱۰ــ خط چانه ۱۱ــ خط شکاف لب ۱۲ــ خط ماضغه ۱۳ــ خطوط اطراف لب ۱۴ــ خط لب .

حجم‌هایی از چهرهٔ بازیگر که باید از دور، روی صحنه مشخص باشد، شامل برآمدگی ابروان، کنار سایهٔ شقیقه‌ها، روی پلک بالا، روی بینی، روی گونه‌ها، روی پره‌های بینی، روی چانه و روی فک است(تصویر ۵ــ۵).

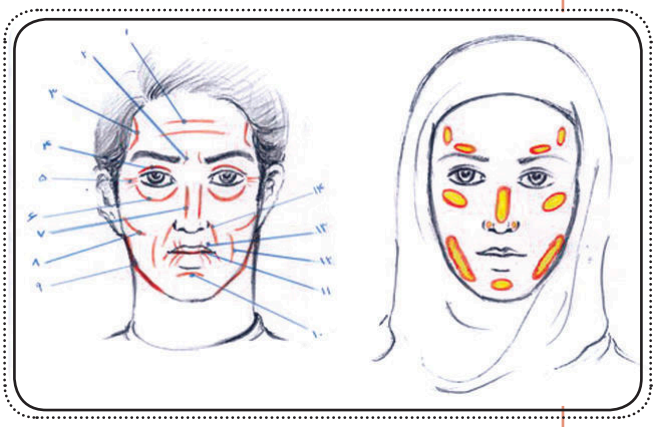

تصویر۵ــ۵

۱ــ۲ــ۵ــ سایه و روشن زدن و ساختن حجم بر چهره : سایه و روشن در چهره‌پردازی نقشی اساسی برعهده دارد، زیرا با سایه و روشن می‌توان بر روی چهره، حجم ایجاد کرد. زمانی که نیاز به لاغر کردن، گود کردن، کوچک کردن، دراز کردن چهرهٔ بازیگر است از رنگی تیره‌تر از فن استفاده می‌شود. رنگ سایه‌ها در نمایش شامل قهوه‌ای خالص، قهوه‌ای قرمز، قهوه‌ای دودی و قهوه‌ای زیتونی است که بر مبنای فن چهره و شخصیت مورد نظر، انتخاب می‌شود. این عمل را «سایه زدن» می‌نامند. برعکس، زمانی که به برجسته ساختن، گردکردن و چاق کردن نیاز است، از رنگ روشن‌تر از فن صورت استفاده می‌گردد. این عمل را «روشن زدن» می‌نامند. به طور کلی، ابتدا به صورت فن زده شده، سپس سایه و روشن کار می‌شود و در مرحلهٔ بعد، ایجاد سایه و روشن روی چشم‌ها، ابروان و لب‌ها. در انتها برای ثابت نگاه‌داشتن چهره‌پردازی، پودر بی‌رنگ ثابت‌کننده به صورت زده می‌شود.

۲ــ۲ــ۵ــ فن چهره‌پردازی : فن چهره، رنگی است برای چهره‌پردازی نمایش که به صورت بازیگر زده می‌شود و شامل دو نوع خشک و چرب است. فن زدن اصطلاحی در این رابطه است. فن خشک برای تماشاخانه‌های بزرگ در نظر گرفته شده است، زیرا از مواد غلیظی ساخته شده که چهرهٔ بازیگر را از دور طبیعی نشان دهد. فن چرب نیز برای تماشاخانه‌های کوچک به کار می‌رود زیرا بهتر بر روی پوست قرار گرفته و رنگ چهره را از نزدیک طبیعی نشان می‌دهد. رنگ‌های فن نمایش بر اساس رنگ نارنجی کدر است. یک فن خوب باید دارای صفات خاصی باشد بدین معنا که روی پوست قرار گیرد (به اصطلاح روی پوست بخوابد)، دوام مناسبی داشته باشد و زیر نور نورافکن‌های صحنه، کیفیت آن تغییر نکند.

۳ــ۲ــ۵ــ طریقهٔ فن زدن به چهرهٔ بازیگر : هر دو نوع رنگ با اسفنج نمناک بر چهرهٔ بازیگر از پیشانی تا گردن زده می‌شود. اسفنجی که برای این کار استفاده می‌شود نباید گرد باشد. اگر اسفنج گرد بود آن‌را از وسط با قیچی، دو نیم کرده، با یک قسمت سطح آن، روی چهره کار کنید تا بتوانید به‌خوبی تمامی نقاط چهره را رنگ بزنید.

۳ــ۵ــ قیافه‌شناسی

چهرهٔ انسان، بهترین تابلو برای آشکار شدن عواطف و احساسات درونی او است. بر روی این تابلو از دیدگاه قیافه‌شناسی مطالعات بسیار انجام شده است که به آن فیزیونومی[1] می‌گویند. اولین بار در کشور چین به‌وسیلهٔ چهره‌خوانی یا قیافه‌شناسی، با بررسی چهره و اعضای آن، پی به شخصیت فرد برده، آینده، سرنوشت و گاه زمان و نوع مرگ شخص پیش‌بینی می‌شده است. مطالعه روی چهره از کشور چین به کشور یونان، سپس به تمام اروپا گسترش یافت و به عنوان «علم قیافه‌شناسی» مورد قبول واقع گردید. معروف ترین قیافه‌شناس، گاسپار لاواتر[2] (۱۸۰۱ ــ ۱۷۴۱) از کشور سوئیس بود که روی چهرهٔ هزاران نفر مطالعه به عمل آورد و نظریه‌های بسیاری در این زمینه به چاپ رساند. او روی سر، چهره، اعضای آن، جنس مو و حتی صدای افراد پژوهش کرد. به نظر او بعضی از چهره‌ها شبیه به حیوانات و پرندگان و خزندگان هستند. لذا او عقیده داشت اگر چهره‌ای شبیه آنان باشد، خصوصیات آن حیوان، پرنده و خزنده را دارا است(تصاویر ۶ــ۵ و ۷ــ۵ و ۸ــ۵).

تصویر۶ــ۵

تصویر۷ــ۵

تصویر۸ــ۵

۱ــ Physignonie

۲ــ Gaspard Lavater

او عقیده داشت با دیدن یک عضو یا حالتی در چهره نمی‌توان به چهره‌خوانی یا قیافه‌شناسی پرداخت، بلکه قیافه‌شناسی را باید بر مبنای شکل چهره و دیگر اعضای آن مورد بررسی قرار داد. در نهایت علم قیافه‌شناسی را نباید خیلی جدی گرفت و به‌طور کلی می‌توان ده درصد شخصیت یک فرد را در چهره‌اش خواند. ما در اجتماع به افرادی برمی‌خوریم که بر اثر سختی زندگی به مرور زمان چهره‌ای درهم با عضلاتی منقبض شده و تصویری منفی از ایشان مشاهده می‌شود، در حالی که او انسانی بسیار شریف و پاک است. امروزه در غرب برای شخصیت‌پردازی دیگر مانند گذشته طراحی خاصی برای نشان دادن شخصیت منفی انجام نمی‌شود بلکه چهرهٔ او را کاملاً مثبت نشان می‌دهند و میمیک‌ها بیشتر بر روی حالت چشمان بازیگر متمرکز می‌شود. به منظور آشنایی کوتاه با نظرات لاواتر در این قسمت خلاصه‌ای از عقاید لاواتر شرح داده می‌شود. او عقیده دارد :

۱ــ۳ــ۵ــ سر :

الف) چنانچه خط سر مسطح باشد، شخص از نظر شعور، استعداد و قدرت در حد بسیار معمولی است.

ب) چنانچه خط سر برآمده باشد و کمی نیم دایره، آنگاه شخص از نظر شعور، از حد معمولی فراتر است.

ج) چنانچه خط سر کمی فرورفته باشد شخص باهوش، متفکر و با قدرت است.

د) چنانچه خط سر فرورفتگی داشته باشد، شخص هوشمند و متفکر است. فیلسوف‌ها دارای این نوع سر هستند.

هـ) سر مخروطی شکل دارای ایده‌های خوب و مثبت است.

و) چنانچه سر پهن باشد و به‌طرف گوش، باریک شود، شخص مبتکر و دارای قدرت و خلاقیت بسیار است.

ز) چنانچه سر خیلی باریک باشد، شخص از نظر شعور، استعداد و قدرت ضعیف است.

۲ــ ۳ــ ۵ ــ پیشانی :

الف) پیشانی کوتاه : شخصیت ثابت و استوار.

ب) پیشانی عمود که نزدیک موها کمی گرد به نظر بیاید : شخصیت باهوش، ملایم و فروتن.

ج) پیشانی برجستهٔ گرد (در خانم‌ها) : شخصیتی ضعیف و لجباز.

د) پیشانی شیب‌دار به طرف موها : شخصیت رؤیایی، دارای روحی آرام و ملایم.

هـ) پیشانی کاملاً مستقیم، صاف، چهارگوش : شخصیت محتاط. عقل و منطق بر احساس غلبه دارد.

و) پیشانی چهارگوش (مربع) که بلندی آن کم و عرضش برابر چهره باشد : احساسات بر عقل و منطق غلبه دارد.

ز) پیشانی چهارگوش که موهای اطراف سر آن را کوچک‌تر کند و از پهنای چهره کوچک‌تر جلوه کند و کمی برجسته باشد : شخصیت پرکار (پرانرژی)، تند، عصبی و متعصب.

ح) پیشانی بسیار گسترده، باز، کمی از چهره جلوتر، با دو برجستگی بالای ابروان : شامل محققین و عرفا.

ط) پیشانی بلند کمی جلوتر از چهره در ناحیهٔ بالای ابروان، و کمی شیب‌دار به‌طرف موها : شخصیت باهوش و ملایم، فروتن، دارای قدرت حافظه، نوع‌دوست تا سرحد فداکاری و ایثار.

ی) پیشانی وسیع با کمی فرورفتگی و با حالت تحدب به‌بالای سر کشیده شده : این افراد افکاری افراطی دارند. خلاق اند، زندگیشان معمولاً شبیه دیگران نیست و به شیوهٔ خاص خود زندگی می کنند.

ک) پیشانی بلند و فراخ جلوتر از چهره با انحنای کم، در طرف موها : فرد عاقل، خوش‌قریحه، شاعر پیشه، اهل قلم، متفکر، پاکیزه نهاد و با فضیلت.

۳ــ ۳ــ ۵ ــ ابروان :

الف) ابروان به‌شکل مستقیم : مهربان، مثبت و سازگار.

ب) ابروان پرپشت : شخصیت ثابت، مصمم و با اراده. پرپشت به‌هم ریخته : با اراده و سخت‌گیر.

ج) ابروان با قوس هشت : فعال و جدی.

د) ابروان گرد : ملایم، فروتن و مهربان.

هـ) ابروان کمی سر پایین : خجالتی و آرام.

و) ابروان سربالا : جسور، بی‌باک.

ز) ابروان به‌هم پیوسته : فعال، برتری‌جو.

ح) ابروان کشیده که انتهای آن به پایین گرایش داشته باشد : رؤیایی.

۴ــ۳ــ۵ ــ چشم‌ها :

الف) چشمانی که پلک بالایی یک چهارم سیاهی چشم را بپوشاند : مهربان و مثبت.

ب) چشمانی با پلک‌های گوشتی : خجالتی.

ج) چشم‌های کمی پف‌آلود که پلک‌ها کمی سنگین است : شخص مهربان، قابل اعتماد.

د) چشم‌های با حرکت زیاد : عصبی، مضطرب.

هـ) چشم‌هایی که کم حرکت داشته باشد : شخصیت آرام، ملایم و متفکر.

و) چشم‌های خیره بدون حرکت : افسرده.

۵ــ۳ــ۵ ــ لب :

الف) لب شل و ول : شخصیت ملایم، مردد و بی‌اراده.

ب) لب بسیار فشرده که یک خط مشاهده شود : شخصیت فرمانروا، سرد. عقل و منطق بر احساس غلبه دارد.

ج) لب فشرده و بسته : شخصیت ثابت و محتاط.

د) لب‌های نیمه باز : شخصیت مردد.

هـ) لب بالایی کمی از لب پایین جلوتر : شخصیت مهربان و مثبت.

و) لب پایینی برجسته‌تر از لب بالایی : با جرأت و جسور.

ز) لب‌های گوشتیِ پُر : مهربان، جدی در هر زمینه.

۶ــ۳ــ۵ ــ گونه :

الف) در زمان غم و حسادت زیر گونه گود می‌شود.

ب) در زمان شادی و هیجان زیر گونه پر می‌شود.

ج) در زمان خشونت حالات عمودی زیر گونه ایجاد می‌شود.

۷ــ۳ــ۵ ــ چانه :

الف) چانهٔ زاویه‌دار : زرنگ، مبتکر، محتاط، بانشاط.

ب) چانهٔ فرورفته : مردد.

ج) چانهٔ گرد برجسته : مصمم، با ثبات.

د) چانهٔ تیز سه‌گوش : (بستگی به دیگر اعضای چهره دارد.) گاه حاضر جواب، نازک بین و نکته سنج، تند و تیز، و گاهی پرمکر و حیله.

هـ) چانه با چال زنخدان : شخص پر جنب و جوش و شاد.

و) چنانچه چانهٔ خانمی پهن باشد : شخصیت مردانه.

آزمون‌های فصل پنجم

۱ــ شناخت آناتومی در چهره‌پردازی چه تأثیری دارد؟

۲ــ استخوان‌بندی سر از چند قسمت تشکیل شده است؟

۳ــ استخوان‌های کاسه سر را نام ببرید.

۴ــ استخوان‌های چهره را نام ببرید.

۵ــ کار عضلات جونده چیست؟

۶ ــ کار عضلات پشت سری چیست؟

۷ــ عضلهٔ پیشانی زمانی که منقبض شود، به چهره چه حالتی می‌دهد؟

۸ ــ کار عضلهٔ شیپوری چیست؟

۹ــ انقباض عضلات چهارگوش چانه، چه حالتی به چهره می‌دهد؟

۱۰ــ انواع شکل چهره را نام ببرید.

۱۱ــ بر روی یک طراحی، خطوط چهره را با ذکر نام آنها رسم کنید.

۱۲ــ گاسپار لاواتر که بود و چه نظراتی داشت؟

۱۳ــ از نظر لاواتر ابروان به‌شکل مستقیم، معرف چه شخصیتی است؟

فصل ششم

چهره‌پردازی

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ خاستگاه هنر چهره‌پردازی در نمایش را بیان کند.

۲ــ تاریخچهٔ به‌کارگیری چهره‌پردازی در نمایش را بیان کند.

۳ــ کاربرد چهره‌پردازی در نمایش‌های غربی را توضیح دهد.

۴ــ رابطهٔ چهره‌پردازی و نمایش واقعیت‌گرا را شرح دهد.

۵ــ شبیه‌سازی در چهره‌پردازی را توضیح دهد.

۶ــ کاربرد چهره‌پردازی در سینما و تلویزیون را به‌طور مختصر بیان کند.

۷ــ تأثیرات نور بر چهرهٔ مجری در تلویزیون را بنویسد.

۸ــ گریم صورت بازیگر را براساس شخصیت نقش انجام دهد.

۱ــ۶ــ تاریخچهٔ چهره‌پردازی در نمایش

در یونان باستان، تس پیس نه تنها مبتکر صورتک برای نمایش‌های تراژدی بود بلکه اولین هنرمندی بود که در مسابقات نمایش در جشنوارهٔ دیونیزوس، چهرهٔ بازیگرانش را با دُرد و برگ درختان آرایش کرد. در یونان و روم باستان همان‌گونه که شرح داده شد، بازیگران به دلایلی از صورتک استفاده می‌کردند. چهره‌پردازی در حد بسیار ابتدایی را در قرون وسطی در درام‌های مذهبی می‌توان یافت. بازیگران همه مرد بودند. داستان نمایش، زندگی حضرت مسیح و قدیسان بود. قدیسان بر چهره آرد مالیده و از ریش و موهای بلند سفید مصنوعی استفاده می‌کردند. چهرهٔ فرشتگان نیز سفید بود. شیطان گاه صورتک و گاه رنگ سیاه برچهره داشت. در قرن شانزدهم میلادی در نمایش‌های کمدیادلآرته، شخصیت‌های طبیعی (عشاق) چهره را سفید می‌کردند و لوده‌های این دوره از پوست و پشم حیوانات برای خود پوستهٔ سر طاسی و ریش و سبیل می‌ساختند. از زمانی‌که نمایش از فضای بیرونی به فضای درونی آورده شد، به علت نبود وسیلهٔ روشنایی صحنه، بازیگران مجبور بودند چهره‌ها را با آرد سفید کنند. در قرن هفدهم میلادی در کشور فرانسه، مولیر[1]، بازیگر و نمایشنامه نویس معروف فرانسوی، از چهره‌پردازی استفاده می‌کرد. بازیگران با مالیدن آرد یا پودر بر چهره و رنگ‌آمیزی گونه‌ها و لب‌ها ایفای نقش می‌کردند. بازیگران مرد کلاه‌گیس‌های بزرگ و بلند مجعد قهوه‌ای و قرمز بر سرگذاشته، ریش و سبیل کوچک بر صورت داشتند. در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان، بازیگر زن، نخست نوعی خمیر سفید بر چهره مالیده و با رنگ روغنی قرمز، گونه‌ها و لب را رنگ‌آمیزی می‌کرد. سپس کلاه‌گیس‌های بسیار بزرگ را به‌کار می‌برد و روی کلاه گیس، پودر سفید می‌زد.

در آن دوران انواع پودرهای رنگی و معطر موجود بود. بازیگر مرد نیز از همان خمیر و پودر استفاده می‌کرد و ریش و سبیل مصنوعی می‌گذاشت. در قرن نوزدهم میلادی در کشور فرانسه بازیگران زن و مرد از پن‌کک استفاده می‌کردند. برای تغییر شخصیت، پن‌کک با رنگ‌های مختلف موجود بود. بازیگر مرد کلاه‌گیس و ریش و سبیل مصنوعی به‌کار می‌برد. در اوایل قرن بیستم با راه یافتن نور بر صحنه و استفاده از برق، تحولی در صحنه به وجود آمد. مابین دو جنگ جهانی، بازیگران چهره را بدون روشی خاص مانند گذشته چهره‌پردازی می‌کردند. در سال‌های سی و چهل میلادی چهره‌پردازی به شکل امروزی ابداع شد و کارخانه‌های لشنر[2]، ماکس فاکتور[3] و غیره، لوازم چهره‌پردازی برای تئاتر و سینما ساختند و روز به‌روز بر تنوع لوازم جدید، برای بهتر و طبیعی‌تر نشان‌دادن چهرهٔ بازیگر مقابل دوربین و صحنهٔ تئاتر افزوده شد.

در دورهٔ قاجاریه، شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم. آثار مولیر در این دوره ترجمه می‌شود و اولین شرکت نمایشی به نام «فرهنگ» تأسیس می‌گردد. پس از مشروطیت، با به هم پیوستن هنرمندان و نویسندگان، اولین گروه نمایشی عصر حاضر با نام «تئاتر ملی» تأسیس گردید. به طور کلی مشاهده می‌شود که از آغاز قرن بیستم میلادی فعالیت‌های نمایشی در ایران رواج بیشتری می‌یابد. در این دوران چهره‌پردازی، روش خاصی نداشته و اغلب بازیگران، خود، رنگ‌های زمینهٔ صورت را با چربی و رنگدانه‌ها درست می‌کردند. از دههٔ ۱۳۴۰ هـ.ش لوازم چهره‌پردازی از خارج وارد و چهره‌پردازی با لوازم و روش‌های جدید ارائه می‌گردد.

از مراسم نمایش‌های کهن ایرانی می‌توان به نمایش‌های شادی آور دوران صفوی مانند : میرنوروزی، نوروزی‌خوانی، آتش‌افروز، غولک، کچلک بازی و غیره اشاره کرد که اغلب از چهره‌پردازی استفاده کرده‌اند. کچلک بازی توسط لوطی‌های کچل محل اجرا می‌شود. اگر سر طاس نبود، آن‌را طاس می‌کردند. در نمایش‌های بقال‌بازی از پشم‌حیوانات، ریش و سبیل ساخته می‌شد و برای مُسن جلوه دادن، بازیگران آرد به سر می‌مالیدند. در تمام این نمایش‌ها بازیگران مرد بودند. پسران جوان، چهره را با سفیدآب، سفید می‌کردند. چشم و ابروان را سرمه می‌کشیدند و گونه و لب‌هایشان را قرمز کرده، کلاه‌گیس زنانه بر سر می‌گذاشتند و نقش زن را ایفا می‌کردند. خوشبختانه امروزه حاجی‌فیروز با چهرهٔ سیاه و لباس رنگی در مناسبت ویژهٔ خود در شهر حضور می‌یابد. دیدن او، شادی، زندگی دوباره و تاریخ کهن ما را به ما القا می‌کند. در نمایش شادِ سنتیِ روحوضی یا تخته‌حوضی که در گذشته‌های دور (در مراسم عروسی و جشن‌ها) اجرا

۱ــ Moliere ۲ــ Leichner ۳ــ Maxfactor

می‌گردید، بر پایهٔ بداهه‌پردازی بازیگران، مسائل و مشکلات زندگی مردم را انعکاس می‌دادند. بازیگر اصلی نمایش، سیاه است که برگرفته از شخصیت‌های نوروزخوانی و میر نوروزی در دوران گذشته است. او چهرهٔ خود را با دودهٔ چوب یا سوخته‌های چوب پنبه، سیاه می‌کرد(تصویر۱ـ۶).

در شبیه‌خوانی یا تعزیه که نمایش‌دهندهٔ رویدادهای فاجعهٔ تاریخی کربلا (شهادت امام حسین (ع) و پیروانش به دست سپاهیان یزید) است، ایفای نقش زنان به عهدهٔ شبیه‌خوانان مرد است. چهره‌پردازی تا حدودی در این نوع نمایش به کار می‌رود مانند گِل مالیدن بر سر و روی، رنگ قرمز برای نشان‌دادن خون بر سر و روی، چهرهٔ شیطان به رنگ قرمز، و مالک دوزخ و جنیان، خالدار و غیرعادی نشان داده می‌شود(تصویر۲ـ۶).

تصویر۱ـ۶

تصویر۲ـ۶

۲ـ۶ـ چهره‌پردازی و شخصیت‌پردازی در نمایش

اصل و ریشهٔ پرسونالیته[1] به معنای شخصیت و پوشش (صورت ساختگی) و پرسوناژ[2] به معنای شخصیت نمایش است. در طول تاریخ، دانشمندان نظریات خاصی در مورد «شخصیت» داشته‌اند و اغلب بین شخصیت و شخص فرق گذاشته‌اند. آنها بر این باورند که انسان دارای دو ساختار ظاهری و برونی و معنوی یا درونی است. شخصیت ظاهری و برونی، تحت تأثیر محیط‌های طبیعی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. در طرف دیگر شخصیت درونی و معنوی ذات انسان قرار دارد که آن‌را روح، جوهر یا نفس می‌نامند.

پرسوناژ، شخصیت نمایش یا شخصیت معنونی همان صورتک دوران یونان و روم باستان است که بازیگر برای هر یک از نقش‌ها با صورتکی به بازی آن می‌پرداخت. امروزه چهره‌پردازی جایگزین این روش شده است.

بازیگر پس از خواندن متن نمایش، با شخصیت نمایش که باید آن‌را اجرا کند آشنا می‌شود. سپس شخصیت نمایشی را از نظر ظاهری و احساسات و عواطفی که باید بر روی صحنه ارائه دهد با دقت مطالعه می‌کند. او سعی می‌کند در عواطف و احساسات، نحوهٔ تفکر، عکس‌العمل و شیوهٔ رفتار او سهیم شود. هدف بازیگر آن است که شخصیت خود را در قالب شخصیت نمایشی نادیده گرفته و از بین ببرد. گاه بازیگر کمی از شخصیت نمایش فاصله می‌گیرد. در این موقع او در صدد یکی‌پنداری دقیق عاطفی نیست و بیشتر متوجه کشف صفات جسمانی و گفتاری متناسب با شخصیت است نه زوایای پنهانی روحش.

از قول بازیگر پر آوازه، سر لارنس اولیویه[3] گفته شده است که یافتنِ بینیِ مناسب، کلید حل معمای یک شخصیت نمایشی برای او بوده است. گاه بازیگر برای اجرای یک شخصیت نمایشی به یک سلسله از مهارت‌ها مانند ژست‌های قراردادی و سنتی سروکار دارد؛ مانند نمایش کابوکی، نمایش چین، و کاتاکالی هند. در تئاتر غرب این رابطهٔ بازیگر با شخصیت نمایش را می‌توان در لال‌بازی

۱ـ Personalite ۲ـ Personage ۳ـ Sir Laurence Olivier

مارسل مارسو[1] مشاهده کرد.

چهره‌پرداز آگاه است که ظاهر فرد تا حدودی نمایانگر باطن اوست. چهره جزیی از ارگانیسم جسم است که در معرض دید قرار دارد. این قسمت بازگو کنندهٔ درون و ذات محسوب می‌شود. چهره‌پرداز برای نمایش در نقش‌آفرینی، با ظرافت این پیوستگی را با شخصیت بخشیدن ظاهری به چهره، و با برجسته کردن حالات و میمیک بازیگر میسر می‌سازد. چهره‌پرداز زمانی موفق است که بازیگر این پیوستگی را با دیدن خود در آینه احساس کند. در آن صورت، شخصیتِ ساخته شده بر چهره، که ظاهر و شخصیت برونی نمایشی است با حس او ادغام شده و او شخصیت ثابت و واحدی را ارائه می‌دهد؛ این یعنی هماهنگی مابین ظاهر و باطن. چهره‌پرداز با آگاهی به این‌که هر چهره دارای حالات خاص خود است و در آن چهرهٔ بازیگر را به دقت بررسی کرده، بر حسب شخصیت نمایش، حالات و حرکات چهرهٔ او را تقویت می‌کند. تمام سعی و کوشش چهره‌پرداز این است که ظاهر شخصیت نمایش را با ظاهر چهرهٔ بازیگر تلفیق کند. و وظیفهٔ بازیگر آن است که با تلاش، این شخصیت نمایشی را ماهرانه به تماشاگر ارائه دهد.

۱ـ۲ـ۶ـ شخصیت نمایشی

۱ـ۱ـ۲ـ۶ـ لاغر کردن: بعد از فون زدن، سایه‌های صورت را ابتدا در کناره‌های شقیقه‌ها ایجاد کرده و سپس بینی را با سایه، باریک و بلند می‌نمایانند. سپس خطوط مدور چشم و کاسهٔ چشم و خط لب ایجاد می‌شود. سایهٔ گونه‌ها به‌صورت شیب‌دار و ابروها مطابق با شخصیت مورد نظر اجرا می‌گردد. روشنی‌ها نیز هماهنگ با حجم‌های ایجاد شده ایجاد می‌شود(تصویر۳ـ۶).

۲ـ۱ـ۲ـ۶ـ چاق: اگر چهرهٔ بازیگر گرد نباشد، با سایه‌ها شکل صورت را به شکل گرد نزدیک می‌کنیم. سایه‌ها در رستنگاه موها، زیر بینی و زیر چانه ایجاد می‌شود. ابرو، چشم و خط لب، گرد و لب‌ها کوچکتر ترسیم می‌گردد(تصویر ۴ـ۶).

۳ـ۱ـ۲ـ۶ـ منفی: چشم و ابرو را به هم نزدیک کرده، خط لب بازتر از حد معمول ایجاد می‌شود. سایه‌های شقیقه‌ها عمود بر ابروان رسم می‌گردد. گوشه‌های لب به پایین کشیده می‌شود و زیر لب عضلهٔ مربعِ چانه را مشخص می‌سازند. گونه‌ها بالاتر از حد معمول خود ایجاد می‌شود(تصویر ۵ـ۶).

۴ـ۱ـ۲ـ۶ـ مثبت: فاصلهٔ چشم و ابرو را از هم زیاد کرده و خط لبِ گرد ایجاد می‌شود. گوشه‌های لب به بالا کشیده می‌شود(تصویر ۶ـ۶).

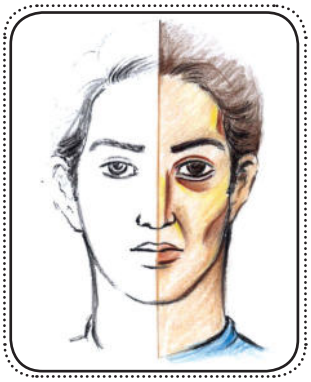
تصویر۳ـ۶

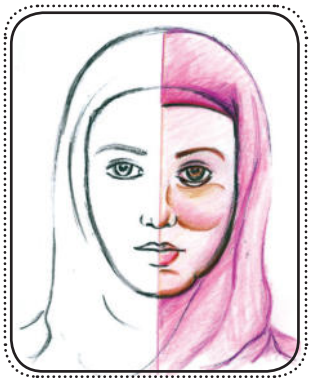
تصویر۴ـ۶

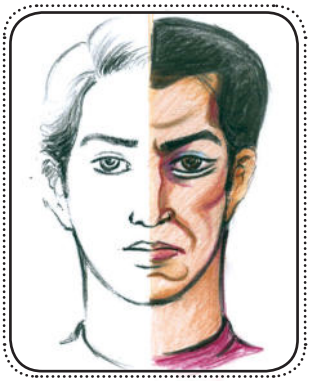
تصویر۵ـ۶

تصویر۶ـ۶

۵ـ۱ـ۲ـ۶ـ معتاد: فن را کمی متمایل به خاکستری کرده، با رنگ قهوه‌ای دودی سایه ایجاد می‌شود. پلک‌ها را دودی

۱ـ Marcel Marceau

زرشکی کرده و چشم و ابرو (ابروها به صورت افتاده) را از هم باز می‌کنند. لب‌ها با زرشکی دودی رنگ‌آمیزی شده و به صورت افتاده کار می‌شود(تصویر ۷ـ۶).

۶ـ۱ـ۲ـ۶ـ بیمار : فن را متمایل به زرد کرده، با سایه‌ها صورت را ابتدا لاغر می‌کنند. ابروان، گوشه‌های چشم و گوشه‌های لب را به‌صورت افتاده ایجاد می‌کنند(تصویر ۸ـ۶).

۷ـ۱ـ۲ـ۶ـ روش پیر کردن تا ۵۰ سالگی : سایه‌های شقیقه‌ها را ایجاد کرده، خط لب و سایه‌های گونه به صورت افتاده ایجاد می‌شود. سپس خطوط مدور چشم را مشخص می‌سازند. دردو طرف چانه، دو خط کوتاه به صورت عدد ۸ با سایه ایجاد می‌شود. خطوط روی پیشانی را رسم می‌کنند. در این سن، موها را کمی سفید کرده؛ خطوط ریز اطراف چشم نیز رسم می‌گردد(تصویر ۹ـ۶).

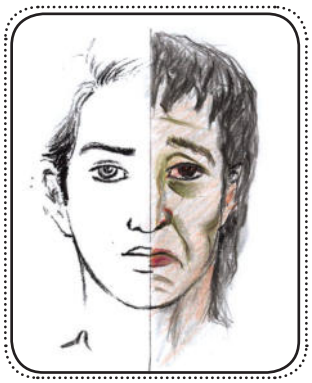

تصویر۷ـ۶

تصویر۸ـ۶

تصویر۹ـ۶

۲ـ۲ـ۶ـ نژادهای مختلف :

۱ـ۲ـ۲ـ۶ـ سفید پوست (اروپایی) : فن چهره در گروه رنگ صورتی روشن کار شود، گونه‌ها مشخص شده و بینی کوتاه می‌گردد. اطراف چشم‌ها با آبی یا سبز کم رنگ، رنگ‌آمیزی شده، ابروان را به رنگ قهوه‌ای روشن یا زرد در می‌آورند. لب با رنگ صورتی ملایم و کمی باریک ایجاد می‌شود. از کلاه گیس‌های طلایی برای این نژاد می‌توان استفاده کرد(تصویر ۱۰ـ۶).

۲ـ۲ـ۲ـ۶ـ سیاه پوست : فن را به قهوه‌ای دودی متمایل کرده و سایه‌ها را ازرنگ فن تیره‌تردر نظر می‌گیرند. گونه‌ها را مشخص ساخته، بینی را پهن و پره‌های بینی را مشخص می‌کنند. چشم‌ها را گرد و ابروان را تیره می‌کنند. لب‌ها درشت‌تر می‌گردد و از موهای فردارسیاه استفاده می‌شود(تصویر ۱۱ـ۶).

۳ـ۲ـ۲ـ۶ـ زردپوست : فن را کمی مایل به زرد کرده با آن روی ابروها را می‌پوشانند. در اطراف چشم‌ها روشنی ایجاد کرده و خطوط چشم را همانند ابروان، سربالا اجرا می‌کنند. لب‌ها کوچک‌تر و از سبیل و ریش کم پشت برای آقایان استفاده می‌گردد (تصویر ۱۲ـ۶).

۴ـ۲ـ۲ـ۶ـ سرخ‌پوست : فن را کمی متمایل به قرمزـ نارنجی می‌سازند. گونه‌ها را مشخص و برجسته و بینی را عقابی یا پهن ایجاد می‌کنند. ابروها را تیره رسم کرده، از نقوش خاص قبایل سرخ‌پوست جهت رنگ‌آمیزی استفاده می‌کنند. از کلاه‌گیس و سربند نیز استفاده می‌شود(تصویر ۱۳ـ۶).

تصویر ۱۰ـ۶

تصویر ۱۱ـ۶

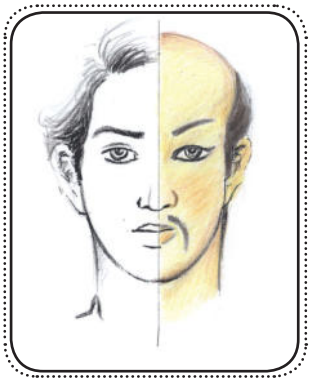
تصویر ۱۲ـ۶

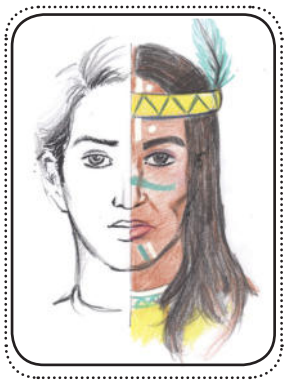
تصویر ۱۳ـ۶

۳ـ۲ـ۶ـ نمایش کلاسیک[1] : در این سبک نمایش، مظاهر خوبی، راستی، توانایی، شجاعت، بخشایش، مهربانی، نیکوکاری، گذشت کردن و نجابت، بر جهل، نادانی، خیانت، پستی، دروغ و تزویر پیروز می‌شود. چهره‌ها درشت و عضلانی اجرا می‌شود. سایه و روشن‌ها بر مبنای رنگ‌های لباس، بر چهره انجام می‌گیرد. در نمایش‌های اسطوره‌ای مانند پرومته در زنجیر، موهای شخصیت طلایی یا نقره‌ای رنگ‌آمیزی می‌گردد. بر روی سر، لای موها و بالای گوش‌ها، شاخ کوچکی به رنگِ طلایی یا نقره‌ای نصب می‌شود.

امروزه نمایش‌های کلاسیک اغلب با صورتک‌های نیمه یا کامل از جنس چرم کار می‌شود و گاهی نیز از چهره‌پردازی تلفیقی برای چهره‌ها استفاده می‌کنند و روی موها رنگ‌آمیزی می‌شود.

۴ـ۲ـ۶ـ نمایش رومانتیک[2] : نویسندگان این سبک هیچ‌گاه مردم‌را آن‌گونه که بودند توصیف نمی‌کردند، بلکه آن چنان که باید باشند ترسیم می‌کردند. از این رو، این سبک در برابر واقع‌گرایی قرار می‌گیرد. حوادث و تضادهای زندگی بشر همراه با تفکرات و تخیلات آدمی ارائه می‌گردد و اغلب بیان احساسات و ارائهٔ حالات شاعرانه، بخش مهمی را تشکیل می‌دهد. نمایش عظمت و نکبت، والایی و پستی، غم و شادی، به شکلی تنیده در جریان وقایع به نمایش گذاشته می‌شود.

چهره‌پردازی در این سبک نمایش بر مبنای دکور، لباس و نور انجام می‌پذیرد. از رنگ‌های کم‌رنگ استفاده می‌شود. در این سبک از نمایش، صحنه‌ها و چهره‌ها باید مانند تابلویی رؤیایی جلوه کند.

۵ـ۲ـ۶ـ نمایش واقعیت‌گرا یا رئالیسم[3] : از دیدگاه فلسفی، سبک واقع‌گرایانه به «دیدن حقیقت همانگونه که هست» تعبیر شده است. در این نمایش، زندگی فردی و اجتماعی آن‌طور که هست عرضه می‌شود، نه آن‌گونه که فکر می‌کنیم باید باشد. در این سبک همیشه پیروزی با خوبی‌ها نیست، بلکه مانند وقایع زندگی، گاه آنچه که دلخواه و مورد تأیید تماشاگر نیست نیز واقع می‌گردد. تمام شخصیت‌ها، شخصیت اصلی نمایش هستند. چهره‌پردازی در این روش سعی در نشان‌دادن شخصیت‌هایی کاملاً طبیعی دارد. نمایش معمولاً در تماشاخانه‌های متوسط اجرا می‌شود. برای چهره از فن‌های چرب استفاده می‌شود که چهره طبیعی‌تر جلوه کند. به هیچ وجه برای موی و ریش و سبیل از کاموا و طناب استفاده نمی‌شود. چهره‌پرداز موظف است که بیشتر به تقویت حالات صورت بازیگران کمک کند.

۶ـ۲ـ۶ـ نمایش طبیعت‌گرا یا ناتورالیسم[4] : در این سبک، نویسندگان حوادث و وقایع زندگی را با تمام جزئیات، خوبی‌ها، زشتی‌ها و ناکامی‌ها بر صحنه نشان می‌دهند. این سبک نمایش را مکمل نمایش واقع‌گرا می‌دانند. صحنه و لباس با رنگ‌های سرد اجرا می‌شود. طراح چهره‌پرداز نیز برای شخصیت‌های نمایش رنگ‌های سرد را انتخاب می‌کند. گاه برای شخصیت‌های اصلی چهره‌های

۱ـ Classique ۲ـ Romantique ۳ـ Realism ۴ـ Naturalism

تکیده، لاغر و رنگ‌پریده انتخاب می‌شود.

۷ـ۲ـ۶ـ نمایش نمادگرا یا سمبولیسم[۱] : به اعتقاد نویسندگان این سبک، نمایش باید وسیلهٔ نجات و رستگاری انسان باشد و تأثیری همانند تأثیر مذهب، بر روح و روان آدمی داشته باشد، از نظر آنان واقعیت دنیای خارج، چیزی بی‌اهمیت بوده و واقعیت حقیقی‌تر در چیزهای درونی، مذهبی و مرموز نهفته است، ولی چنین واقعیتی را نمی‌توان مستقیماً از راه گفتار، عمل و صحنه‌پردازی ارائه کرد، بلکه باید از نمادها و اسطوره‌ها استفاده کرد. رنگ‌ها نقش اساسی در چهره‌پردازی دارند. مفاهیم رنگی و تأثیر روانی رنگ در صحنه و اثر آن بر تماشاگر از موارد بسیار با اهمیت این سبک نمایش است. رنگ دارای مفاهیم خاصی است. محتوای اصلی، رابطهٔ نور و ظلمت است. نور و ظلمت در اساطیر ایرانی، چینی، خاورمیانه‌ای و در نزد سرخ پوستان و... دو نیروی متخاصم خیر یا خوبی و شر یا بدی عنوان شده‌اند.

در این سبک نمایش، صورتک‌ها به عنوان نماد، استعاره و تمثیل ارائه شده و به صورت کامل، متوسط و نیمه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۸ـ۲ـ۶ـ نمایش بیان‌گرا یا اکسپرسیونیسم[۲] : در این سبک، نویسندگان علاقمند به تصویر کردن حالات عذاب‌آور، ناخوش و اغلب نزدیک به جنون شخصیت‌های اصلی بودند. نشان‌دادن شخصیت‌های تنها، سرخورده و درون‌گرایِ از جهان بیگانه، از ویژگی‌های این سبک از نمایش است. این گونه از نمایش، بازیگری را می‌طلبد که بتواند احساسات، تمایلات و تأثیرات درونی خود را از طریق حرکات مناسب و حالات چهره به تماشاگر القاء کند. طراح چهره‌پرداز سعی می‌کند با رنگ‌ها؛ سایه‌ها و خطوط، تأثرات درونی را بر چهرهٔ بازیگر بازگو کند. سایه‌ها اغلب با رنگ‌های بنفش آبی، زرشکی آبی، و آبی دودی ایجاد می‌شود.

۹ـ۲ـ۶ـ نمایش فراواقعیت‌گرا یا سورئالیسم[۳] : این سبک از نمایش تا حدودی شبیه به رومانتیک است، با این تفاوت که در سبک رومانتیک، تخیل محدود ولی در این نمایش، نامحدود و بی‌نهایت است. تماشاگر را به واقعیتی فراتر از زندگی واقف می‌سازد. از صحنه‌های رؤیایی، عجیب و غریب و نورهای رنگی، سر و صداهای موسیقایی جهت تسخیر روح تماشاگر استفاده می‌کند تا او را به دنیایی رؤیایی و خیالی بکشاند. طراح چهره‌پردازی برای چهره‌ها از رنگ‌های گوناگون مات و براق، صورت‌های بزرگ و کوچک و موهای رنگی استفاده می‌کند.

۱۰ـ۲ـ۶ـ نمایش گروتسک[۴] : گروتسک دارای معانی بسیاری است مانند خوفناک، ناهماهنگ، افراطی، طنزآمیز، طعنه‌آمیز، ترس‌آور و کاریکاتور. بارزترین خصیصهٔ گروتسک، عنصر ناهماهنگی است. گروتسک با ظاهری خنده‌آور، محتوایی خوفناک و ترس‌آور را دربردارد. پس از مشاهدهٔ اثر، نخست در فرد نشاط و خنده ایجاد می‌شود. طراح چهره‌پرداز، سعی می‌کند از خلال هماهنگی‌های اجزای چهره و بدن بازیگر، ناموزونی‌ها و عدم تناسب‌ها را دریابد و با کمی اغراق آنها را برجسته‌تر کند. برای مثال : بینی درازتر و یا گردتر. و به طور کلی برای تک تک اعضای چهره نیز این عمل را انجام می‌دهد. استفاده از رنگ برای ایجاد تضاد در چهره است. گاه رنگ‌های شاد را در مقابل رنگ‌های سرد قرار می‌دهد. صورتک‌های کوچک و بزرگ با نقش‌های ناهماهنگ و کاریکاتور مانند برای بازیگر به‌کار می‌رود. این ناهماهنگی نه تنها بر چهره، گاه بر بدن نیز انجام می‌شود، مانند پایی بی‌نهایت بزرگ، یا یک چاقی اغراق‌آمیز و یا یک شکم بی‌نهایت برآمده.

۱۱ـ۲ـ۶ـ نمایش پوچی[۵] : نویسندگان این سبک معتقد بودند اگر زندگی بی‌معنا و پوچ است، این پوچی را فقط می‌توان به کمک شکلی همان‌قدر پوچ و بی‌معنا بیان کرد. ناامنی، بی‌ریشه‌گی، بی‌تفاوتی و پوچی از ویژگی‌های این نمایش است.

طراح چهره‌پردازی برای این نوع نمایش بر حسب نقش و ماهیت شخصیت‌ها دو نوع طرح ارائه می‌کند. گاه چهرهٔ شخصیتی را حقیقی طراحی می‌کند و گاه در مقابل، شخصیتی را با چهره‌پردازی تلفیقی.

۱ـ Symblism ۲ـ Expressive ۳ـ Surrealism ۴ـ Grotesque ۵ـ Absurd

۳ــ۶ــ چهره‌پردازی برای سینما و تلویزیون

۱ــ۳ــ۶ــ مختصری از چهره‌پردازی برای سینما : طراح چهره‌پرداز، برای شخصیت‌پردازی، این موارد را باید در نظر بگیرد. آشنایی با سبک و نوع فیلم، نژاد، ملیت، زمان، مکان، روان‌شناسی (شخصیت)، نوع فیلم، حرکت دوربین، اندازهٔ نما، آشنایی با رنگ دکور، لباس، عناصر صحنه و زیبایی‌شناسی. به همین جهت، طراح چهره‌پردازی برای ارائهٔ کاری صحیح، لازم است از ذهنیت کارگردان و فیلم‌بردار در مورد کاری که می‌خواهد انجام بگیرد اطلاع حاصل کند. به‌طور کلی طراح چهره‌پرداز، پس از آگاهی از خواستهٔ کارگردان، در طول فیلم‌برداری باید با فیلم‌بردار در ارتباط باشد و با توجه به نظرات آنها، و همچنین ملاحظهٔ طراحی نور، حرکات و زوایای دوربین و بازیگران، طرح‌های متناسب را اجرا کند. انتخاب فن چهرهٔ بازیگر دارای اهمیت بسیاری است. نخست رنگ چهرهٔ بازیگر مطرح است. آن‌گاه منبع نور که به لحاظ خارجی بودن نما و یا داخلی بودن آن، اهمیت دارد.

هر چهره علاوه بر رنگ اصلی، دارای رنگ‌مایه‌های مختلف است :

الف) چهره با پوست روشن دارای رنگ‌مایه‌های قرمز، آبی و سایه‌های بنفش آبی کم‌رنگ است.

ب) چهره با پوست گندمگون دارای رنگ مایهٔ اُکر، صورتی و زیتونی با سایه‌های زیتونی دودی یا قهوه‌ای است.

ج) چهره با پوست سبزه دارای رنگ‌مایهٔ اُکر، زیتونی، زرد کم‌رنگ با سایه‌های زیتونی دودی است.

د) چهره با پوست سبزهٔ تیره دارای رنگ‌مایه‌های زیتونی، زرد یا بنفش با سایه‌های زیتونی دودی یا بنفش دودی است.

امروزه برای فن بازیگر از فن‌های مایع استفاده می‌شود، چون رنگ جذب پوست می‌شود و چهره را طبیعی‌تر نشان می‌دهد. برای کلوزآپ (نمای بزرگ) چهره، علاوه بر انتخاب صحیح فن چهرهٔ بازیگر، باید رنگ‌مایه‌های بسیار ظریف بر چهره کار شود. به‌طور کلی فن‌های سینما کدر هستند و با تئاتر فرق بسیار دارند.

طریقهٔ فن زدن به چهره نیز با زدن فن در چهره‌پردازی برای تئاتر متفاوت است. فن چهره با اسفنج نمناک از بالای چهره، پیشانی شروع به شکل نیم‌دایره آرام روی چهره ایجاد می‌شود و در بعضی نواحی زیگزاگ، مانند خطوط اطراف لب، تمام چهره، گوش‌ها، گردن، بناگوش، پشت گردن، دست‌ها. برای سایه و روشن از اسفنج استفاده می‌شود : یک اسفنج برای سایه زدن و یک اسفنج برای ایجاد روشنی. در چهره‌پردازی برای دوربین به طور کلی خط نباید وجود داشته باشد. از رنگ‌های سفید و سیاه استفاده نمی‌شود. برای رنگ سفید از رنگ شیری یا عاجی و از دودی تیره به جای سیاه. برای مدل دادن به ابروان با قلم موی ظریف، تک مو اضافه می‌شود. سایه‌های چهره بر اساس رنگ چهره یا فن ایجاد می‌گردد. معمولاً از رنگ‌های دودی، قهوه‌ای دودی، زیتونی و غیره استفاده می‌شود. برای نمای بزرگ سایه‌ها از فنِ یک تا دو درجه تیره‌تر و برای روشنایی، از فنِ یک تا دو درجه روشن‌تر استفاده می‌شود. ریشهٔ مژه‌ها نقطه‌چین شده و نقطه‌چین‌ها با قلم‌مو تبدیل به سایه می‌شود. ریمل بدون رنگ برای حالت دادن به مژگان استفاده می‌شود. سعی می‌شود لب‌ها طبیعی نشان داده شوند. در خاتمه پودر بی‌رنگ به تمام چهره زده می‌شود. باید دقت شود پودر ابروان و مژه‌ها، اطراف مو و ریش و سبیل را آغشته نکند. امروزه با فیلم‌برداری با دوربین‌های دیجیتال چهره‌پردازی باید ظریف و دقیق‌تر از گذشته اجرا شود.

۲ــ۳ــ۶ــ چهره‌پردازی برای تلویزیون : چهره‌پردازی در این مورد مانند سینما، به شکلی ظریف و دقیق انجام می‌شود. رنگ‌های فن کدر هستند. در مقابل دوربین تلویزیون، برای انتخاب رنگ چهره باید دقت فراوان شود. چون رنگ‌ها شدت پیدا می‌کنند، لذا برای دکور، لباس و چهره و صورتک نباید از رنگ‌های درخشان استفاده کرد؛ مانند قرمز، نارنجی، زرد و سبز درخشان. اگر لازم باشد که این رنگ‌ها به کار گرفته شود، باید رنگ‌ها را کدر کرد. چهره‌پردازی بازیگران تله‌تئاتر نیز همانند چهره‌پردازی تلویزیون انجام

می‌پذیرد. برای چهره‌پردازی مجری تلویزیون برای مثال (مجری اخبار) باید موارد ذیل به کار گرفته شود :

الف) شناخت چهره.

ب) متعادل‌سازی بر چهره انجام شود.

ج) تا حدودی چهرهٔ لاغر مجری چاق شود.

د) تا حدودی چهرهٔ چاق مجری لاغر شود.

هـ) چهره، با نشاط نشان داده شود.

و) هماهنگی مو، ریش و سبیل با فرم چهره.

ز) هماهنگی چهرهٔ مجری با رنگ دکور، لباس.

برای نورپردازی روی چهره، نور تخت استفاده می‌شود. نور تخت چهره را شاد و چهرهٔ لاغر را کمی چاق و تخت نشان می‌دهد. برای این نور حتماً باید گونه‌ها فن زده شوند.

۳ــ۳ــ۶ــ شبیه‌سازی : برای نمایش سریال یا فیلم سینمایی که شخصیتی تاریخی را بخواهند نشان دهند، باید بازیگری انتخاب شود که قد، چهره و اعضای آن شبیه شخصیت نمایش باشد. اگر شخصیت دارای چهره‌ای مستطیل، مربع یا مثلث شکل باشد، چهرهٔ بازیگر باید نزدیک به این شکل‌ها باشد. فاصلهٔ چشم‌ها از هم، از ابروان، به‌خصوص مدل بینی حائز اهمیت است. چهره‌پرداز می‌تواند تا حدودی این موارد را رفع کند. مدل بینی، فک و برآمدگی بالای ابروان می‌تواند با حجم‌سازی آماده شود. چهره‌پرداز، خود باید در این زمینه تحقیق به عمل آورد و روی چهره، مدل ریش و سبیل و موها مطالعه کند. چهرهٔ شخصیت نمایش را تمام رخ و نیمرخ در نظر بگیرد تا اگر نیاز به حجم‌سازی باشد، از چهرهٔ بازیگر با پودر آلژینات قالب گرفته شود و سپس از روی آن قالب، قالب مثبت تهیه شود، و بر قالب مثبت مدل بینی یا فک ساخته شود تا دوباره قالب‌گیری انجام گردد. اگر گریم برای نمایش صحنه‌ای باشد با لاتکس می‌توان کار را آماده کرد ولی برای تلویزیون و سینما از موادی که کار ظریف‌تر می‌طلبد باید بهره برد، مانند لاتکس کفی[1] و دیگر مواد جدیدی که روز به روز از کارخانه‌های لوازم چهره‌پردازی تولید و به دنیای هنر معرفی می‌گردد.

۱ــ Foam Raber

آزمون‌های فصل ششم

۱ــ چه کسی را اولین مبتکر صورتک در نمایش‌های تراژدی می‌دانند؟

۲ــ در قرن هجدهم میلادی در کشورهای فرانسه و انگلستان چهره‌پردازی بازیگر زن چگونه بود؟

۳ــ در قرن هجدهم میلادی کشورهای فرانسه و انگلستان، چهره‌پردازی بازیگر مرد چگونه بود؟

۴ــ در کدام دوره شاهد نفوذ نمایش غرب در ایران هستیم؟

۵ــ نمایش‌های شادی‌آور دورهٔ صفوی را نام ببرید؟

۶ــ در نمایش سنتی تخته‌حوضی بازیگر سیاه با چه ماده‌ای صورت خود را سیاه می‌کند؟

۷ــ دو ساختار شخصیت انسان را نام ببرید.

۸ــ چهره‌پردازی در نمایش کلاسیک چگونه انجام می‌گیرد؟

۹ــ چهره‌پردازی در نمایش گروتسک چگونه انجام می‌شود؟

۱۰ــ در چهره‌پردازی سینما رنگ‌مایه‌های مختلف فن را منطبق با رنگ پوست توضیح دهید.

۱۱ــ مواردی که برای چهره‌پردازی مجری تلویزیون باید در نظر گرفت چیست؟

فصل هفتم

طراحی، متعادل و نامتعادل سازی

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ شخصیت مورد نظر را بر روی کاغذ طراحی کند.

۲ــ طراحی ارائه شده روی کاغذ را رنگ‌آمیزی کند.

۳ــ حالت‌های خاص شخصیت مورد نظر را بر روی کاغذ، طراحی و رنگ‌آمیزی کند.

۴ــ صورت بازیگر را برای اجرای چهره‌پردازی آماده کند.

۵ــ صورت بازیگر را با چهره‌پردازی ساده، متعادل سازد.

۶ــ صورت بازیگر را با چهره‌پردازی ساده، نامتعادل سازد.

۷ــ چهره‌پردازی صورت بازیگر را به صورت مطلوب پاک کند.

۸ــ ابزار و وسایل و مواد چهره‌پردازی را تمیز و مرتب کند.

۱ــ۷ــ طراحی چهره‌پردازی روی کاغذ

آشنایان با نقاشی و طراحی، چهره‌پردازی را بسیار سریع فرا می‌گیرند، زیرا با رنگ، کاربرد آن و به‌دست گرفتن قلم‌مو آشنا هستند. اگر با این هنرها آشنایی ندارید، باید تمرین‌هایی جهت نرم و روان‌کردن دست و انگشتان خود انجام دهید. در مواقع بیکاری، اگر راست دست هستید با دست راست و اگر چپ دست هستید با دست چپ، با مداد بر روی کاغذ، خط‌های مختلفی مانند نیم‌دایره و برعکس آن و خطهای هفت و هشتِ افقی و عمودی، رسم کنید. این تمرین‌ها را می‌توانید روی روزنامه‌های باطله انجام دهید. خمیر بازی کودکان را تهیه کرده با کمی وازلین مخلوط و آن را کمی نرم کرده و آن را با دست خود شکل بدهید. این تمرینات باعث می‌شود که به اصطلاح، دست نرم شود. یک جعبهٔ آبرنگ و مداد رنگی تهیه و تمرین را شروع کنید. بر روی کاغذ، خط‌هایی رسم کرده، کنار آن‌را هاشور بزنید. با قلم‌مو از جعبهٔ آبرنگ، رنگی برداشته، خطی کشیده و آن را به سایه تبدیل کنید. از این طریق تا حدودی با رنگ‌ها، کیفیت کار با آنها و به دست گرفتن قلم‌مو آشنا می‌شوید. مبحث کالبدشناسی را مطالعه کرده، در مقابل آیینه با مداد چرب آرایشی، عضلات یک طرف چهرهٔ خود را ترسیم کنید و به صورت خود حالت بدهید. جهت درک تفاوت‌ها و شناخت بیشتر این رشته، چهرهٔ افراد منزل را از نظر شکل و حالات و کالبدشناسی، بررسی کنید. در خیابان، اتوبوس و سایر مکان‌های عمومی، چهرهٔ افراد مسن را مطالعه کنید، زیرا خطوط پیری در افراد مختلف تا حدودی متفاوت است. در روزنامه‌ها و مجله‌ها، اگر تصویر فردی پیر را مشاهده کردید، آن را بریده و در دفتری بچسبانید و سپس روی آنها مطالعه کنید. به کتابفروشی‌ها مراجعه و کتاب‌های طراحی حیوانات را خریده، بررسی کنید؛ گل‌ها را نیز از نظر رنگ و شکل مطالعه کنید. اگر با خانواده به سفر می‌روید، سعی کنید از چهرهٔ افراد شهر مورد بازدید، عکاسی کنید. در مورد رنگ و شکل چهره، آرایش ریش و سبیل، سربند خانم‌ها و غیره یادداشت‌هایی بردارید. از این عکس‌ها و نوشته‌ها در آینده استفادهٔ فراوانی خواهید کرد.

۲ــ۷ــ آماده سازی چهرهٔ بازیگر

پس از نشستن بازیگر در مقابل آینه، روی او روپوش مخصوص چهره‌پردازی انداخته می‌شود. دور سر او روی موها، باند مخصوص بسته می‌شود. نخست با پنبه و شیر پاک‌کن چهرهٔ او پاک می‌شود. از دستمال‌های نمناک پاک‌کننده نیز می‌توان استفاده کرد و سپس با پنبه و لوسیون بدون الکل، عمل فوق بر چهره انجام می‌شود. چهره آماده برای فن زدن است. دقت شود، اگر جوش یا لکه‌ای قرمز بر چهرهٔ بازیگر مشاهده شود، چهره‌پرداز سؤالات واجب را در این موارد باید از بازیگر کرده و سپس با الکل با پنبهٔ ظریف یا گوش‌پاک‌کن روی محل را دوباره پاک کند و لوازم او را جدا کند. در خارج از ایران هر بازیگر دارای کیفی است که محتوای آن لوازم اولیهٔ چهره‌پردازی است که لوازم شخصی محسوب می‌شود، مانند شیر پاک‌کن، لوسیون، اسفنج و غیره، که از نظر بهداشتی بسیار مهم است.

۳ــ۷ــ متعادل‌سازی و نامتعادل‌سازی چهرهٔ بازیگر

امروزه متعادل‌سازی به هماهنگ ساختن رابطهٔ شکل چهره و اعضای آن گفته می‌شود. زمانی که این عمل با سایه و روشن و رنگ بر چهره انجام می‌پذیرد، چهرهٔ متعادل، زیبا جلوه می‌کند. در گذشته چهرهٔ بیضی، زیباترین شکل چهره محسوب می‌شد و هر شکل چهره را به شکل بیضی تبدیل می‌کردند، ولی امروزه چنین کاری را انجام نمی‌دهند زیرا هر شکلی می‌تواند زیبا باشد. یک چهرهٔ کاملاً بی‌عیب ولی بدون جذابیت زیبا نیست. از طرف دیگر شاید در چهره‌ای، تقارن و تعادل مابین اعضای چهره مشاهده نشود، اما یک نگاه مهربان، یک لبخند مهربان، یک دندان نامرتب و حتی صدایی زیبا می‌تواند به چهره، جذابیت ببخشد. امروزه اساس زیبایی‌شناسی چهره، داشتن «جذابیت» است. با بررسی چهرهٔ بازیگر و جستجوی اجزای نامتعادل صورت او، و با تشدید آنها به وسیلهٔ سایه و روشن، می‌توان شخصیتی منفی ارائه داد. برای مثال :

الف) اگر پیشانی بازیگر نسبت به چهره‌اش بسیار کوتاه و یا بسیار بلند باشد.
ب) اگر برجستگی‌های نامتقارن روی پیشانی وجود داشته باشد.
ج) وقتی بینی بسیار بزرگ و یا بسیار کوچک باشد و یا کمی نسبت به تقارن صورت، انحراف داشته باشد.
د) اگر گونه‌ها بسیار درشت یا بسیار کوچک باشد.
هـ) هنگامی که شکاف لب (خط مابین دولب) زیاد باشد.
و) اگر لب زیرین بسیار برجسته باشد.
ز) وقتی که فک پایین درشت‌تر و برآمده‌تر از فک بالایی باشد.
ح) اگر فک پایینی فرورفته‌تر از فک بالایی باشد.
این نامتعادلی‌ها، با سایه و روشن و رنگ‌آمیزی تشدید و چهره‌ای منفی ارائه می‌شود (تصاویر ۱ــ۷ و ۲ــ۷).

تصویر۱ــ۷

تصویر۲ــ۷

۴ــ۷ــ متعادل و نامتعادل‌سازی بر کل بدن

در تمرین‌های نمایش، گاه بازیگری را مشاهده می‌کنید که با نقشی که باید ارائه کند، از نظر چهره و بدن هماهنگی لازم را ندارد. برای مثال چهره‌ای بسیار لاغر، بینی بلند، چشم و ابروان درهم و ریز، سربدون مو، گردن باریک، شانه‌های افتاده و پاهای تاحدودی باز از هم دارد؛ اما در ارائهٔ نقش بسیار توانا است. او باید نقش یک شخصیت بسیار قدرتمند را بازی کند. در این قسمت تعادل‌سازی در تمامی بدن بازیگر باید انجام گیرد. چهره با فن روشن کار می‌شود، بینی با سایه کوتاه و با روشنی پهن می‌گردد، چشم و ابروان کاملاً باز می‌شود، گونه‌ها با روشنی، پهن شده و اگر تناسبی با نقشی که بازی می‌کند داشته باشد، برای او ریشی پرپشت در دو طرف چهره و گرد در قسمت زیر چانه گذاشته می‌شود و کلاه‌گیس مناسبی نیز برای او در نظر گرفته می‌شود.

در مورد گردن، با طراح لباس مشورت می‌شود تا لباسی برای او در نظر گرفته شود که یقهٔ بلندی داشته باشد. در سر شانه‌ها، بازوان و نیز در قسمت ران شلوار او، اسفنج به‌کار می‌رود تا هیکل او کاملاً تغییر یابد. این کار «تعادل‌سازی بر کل بدن» نامیده می‌شود.

برعکس، با بازیگری جوان، خوش چهره و خوش قامت مواجه می‌شوید که باید نقشی را ارائه دهد که چهره‌ای کاملاً نامتقارن، بینی بزرگ کج، چشم تا حدودی برآمده، سر طاس، قوز بر پشت و غیره نیاز دارد. با سایه و روشن، چهره نامتقارن می‌شود، پوستهٔ سر برای او استفاده می‌شود، با تور یا از قبل با چسب لاتکس، چشم ساخته می‌شود. بینی با سایه و روشن و یا با چسب لاتکس ساخته و آماده می‌شود. از طرفی با همکاری طراح لباس، با گذاردن قوز به کمک اسفنج و غیره، در مجموع شخصیت دیگری را ارائه می‌دهند. این کار «نامتعادل‌سازی بر کل بدن» نامیده می‌شود.

آزمون فصل هفتم

۱ــ متعادل‌سازی را تعریف کنید.

۲ــ نامتعادل‌سازی را تعریف کنید.

۳ــ چگونه چهرهٔ بازیگر برای چهره‌پردازی، آماده‌سازی می‌شود؟

۴ــ آیا نیاز است برای متعادل‌سازی حتماً چهرهٔ بازیگر به شکل بیضی درآید؟

۵ــ متعادل‌سازی بر کل بدن (به غیر از چهره) بر عهدهٔ کدام طراح است؟

۶ــ یک تصویر نامتعادل کشیده، نصف صورت آن را متعادل کنید.

۷ــ یک تصویر متعادل کشیده، نصف صورت را نامتعادل کنید.

فصل هشتم

چهره پردازی با پودرهای رنگی، رنگ‌های روغنی و شناخت لاک‌ها

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ شخصیت مورد نظر در نمایش را تحلیل کند.

۲ــ با توجه به تحلیل نمایشنامه و نظر ویژهٔ کارگردان، شخصیت مورد نظر را روی کاغذ طراحی کند.

۳ــ کاربرد پودرهای رنگی در چهره‌پردازی را شرح دهد.

۴ــ یک چهره‌پردازی به‌وسیلهٔ پودرهای رنگی انجام دهد.

۵ــ کاربرد رنگ‌های روغنی و لاک‌های مختلف در چهره‌پردازی را توضیح دهد.

۶ــ یک نمونه چهره‌پردازی با رنگ‌های روغنی و استفاده از لاک‌ها انجام دهد.

۷ــ چهره‌پردازی انجام شده با رنگ‌های روغنی را پاک کند.

۱ــ۸ــ شناخت شخصیت نمایشی

طراح چهره‌پردازی، شخصیت نمایش و بازیگری که نقش او را باید در صحنه ارائه دهد، بدین شکل بررسی می‌کند. پس از مطالعهٔ متن نمایش با این موارد آشنا می‌شود.

الف) او از چه نژادی است؟

ب) از کدام کشور است؟

ج) از چه طبقه‌ای است؟

د) چه سنی دارد؟ جوان، مسن، پیر؟

هـ) خصوصیات شخصیتی او چیست؟ شخصیتی طبیعی دارد؟

و) چه هدفی دارد؟ آیا به هدفش می‌رسد یا نه؟

ز) چه ارتباطی با دیگر شخصیت‌های نمایش دارد؟

ح) خصوصیات اخلاقی او چیست؟ عصبی، با قدرت، ضعیف، انعطاف‌پذیر و . . .

ط) آیا در طی نمایش دارای یک شخصیت است؟

برای مثال شخصیت «هاملت» که در طی نمایش شخصیتی عصبی، انتقامجو و پاک است، در چهره‌پردازی برای او یک نوع طرح ایجاد می‌شود و در فواصل ترمیم می‌گردد. اما برای شخصیت «اتللو»[1] که در طی نمایش شخصیت متغیر دارد و نخست بسیار با قدرت، خوشبخت ولی کم‌کم پریشان و ضعیف جلوه میکند، در چهره‌پردازی برای او نخست چهره با قدرت، سپس تغییر می‌یابد و پریشان و ضعیف چهره‌پردازی می‌شود. یا شخصیت «شاه‌لیر»[2] که پادشاهی باقدرت است. در طی نمایش شخصیت او به مرز نامتعادلی کشیده می‌شود. روی چهرهٔ این شخصیت نیز چهره‌پردازی متفاوت در طی نمایش انجام می‌پذیرد.

پس از شناخت شخصیت نمایش، برداشتی در ذهن طراح چهره‌پرداز از شخصیت ظاهری ایجاد می‌شود. حال باید نظر کارگردان را دانست. او این شخصیت نمایشی را چگونه می‌خواهد بر صحنه نشان دهد، و بازیگری را که انتخاب کرده، آیا مناسب این شخصیت هست؟

طراح چهره‌پردازی برای آشنایی و دیدن نمایش به تمرین می‌رود و با بازیگر نقش آشنا می‌شود. تمرین را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهد و برای مثال به طرح سؤالاتی می‌پردازد :

الف) آیا شخصیت نمایش که او مطالعه و در ذهن خود ساخته با این بازیگر و نحوهٔ بازی او همخوان است؟

ب) آیا شخصیت نمایش با ظاهر و چهرهٔ بازیگر هماهنگی دارد؟ آیا باید جوان، مسن، پیر، لاغر یا چاق شود؟

ج) آیا بازیگر، میمیک و حالات صحیح برای این شخصیت ارائه می‌دهد؟

چنانچه از میمیک و حالات صحیح استفاده کند طراح چهره‌پرداز به او ده درصد و اگر ضعیف باشد پنجاه درصد و اگر بی‌نهایت ضعیف باشد، طراح چهره‌پرداز با مطالعه‌ای که روی شخصیت نمایش از دیدگاه ظاهر و باطن انجام داده به او در نقش‌آفرینی صد درصد یاری می‌کند، و شخصیت را کامل روی چهرهٔ او اجرا می‌کند.

در این میان نظر کارگردان بسیار مهم است، چون نمایش متعلق به اوست و نیز شخصیت‌هایش. طراح چهره‌پرداز نیز باید نظر خود را روی این شخصیت اجرا کند. طی هماهنگی با نظر کارگردان و حالات و میمیک بازیگر و نظر طراح چهره‌پردازی، طرح شخصیت نمایش انجام می‌گیرد.

۱ــ Otello

۲ــ King Lear

۲ــ۸ــ چهره‌پردازی با پودرهای رنگی

این نوع چهره‌پردازی مخصوص کودکان مهدکودک است که پوستی بسیار لطیف و حساس دارند.

۱ــ۲ــ۸ــ لوازم مورد نیاز :

الف) سایه‌های آرایشی مات به رنگ‌های قهوه‌ای، دودی، آبی، سبز، زرد، کِرِم، سیاه و سفید. نوعی فن خشک که با آب کار می‌شود[1] و [Aqua Color] نام دارد، برای چهره‌سازی کودکان نیز مناسب است. کارخانه‌های سازندهٔ لوازم چهره‌پردازی این رنگ‌ها را در جعبه‌های چند رنگ و یا به صورت تک رنگ عرضه می‌کنند.

ب) رنگ گونهٔ صورتی خشک، نارنجی و قرمز.

ج) قلم‌موهای ظریف نرم و یک قلم‌موی پر موی گرد.

د) گوش پاک‌کن.

هـ) شیر پاک‌کن.

و) دستمال کاغذی.

۲ــ۲ــ۸ــ روش انجام کار : به کودک روپوش پوشانده، چهره‌اش را با شیر پاک‌کن پاک می‌کنند. اگر بخواهند چهره را به صورت چهرهٔ حیوانات تبدیل کنند، رنگ زمینه به چهره زده نمی‌شود. نخست با رنگ سایهٔ تیره (بستگی به حیوان یا پرندهٔ مورد نظر دارد)، ویژگی‌های صورت حیوان مورد نظر را بسیار ساده بر چهرهٔ کودک اجرا می‌کنند. قلم‌مو را پاک کرده، تمام خطوط را به‌داخل چهرهٔ کودک سایه می‌زنند. برای روشنی زدن، از رنگ کِرِم یا سفید استفاده کنید. چشم و ابروان را با قلم‌موی ظریف‌تر، با فاصله از چشم‌های کودک، رسم می‌کنند. نقش پرندگان و گل‌ها نیز به طریق بالا انجام می‌گیرد. اگر قلم‌مو در دسترس نباشد، از گوش پاک‌کن می‌توان استفاده کرد. برای هر رنگ یک گوش پاک‌کن در نظر گرفته می‌شود. برای هر کودک، گوش پاک‌کن‌ها تعویض می‌شود. رنگ‌های آکواکالر همانند آبرنگ بر روی صورت استفاده می‌شود. این مواد با آب و صابون (مخصوص کودک) به‌آسانی از چهره پاک می‌شود و با شستن، چهرهٔ کودک تمیز می‌گردد(تصاویر ۱ــ۸ و ۲ــ۸).

تصویر۱ــ۸

تصویر۲ــ۸

۱-Aqua Color

۳ــ۸ــ چهره‌پردازی با رنگ روغن و شناخت لاک‌ها

فن چرب یا خشک را به چهرهٔ بازیگر زده، با پهنای قلم‌مو، از جعبهٔ رنگ، رنگ بردارید و روی کاردک بیاورید. رنگ اضافی قلم‌مو را به وسیلهٔ کاردک گرفته و موهای قلم‌مو را صاف نمایید. رنگ را روی چهره بگذارید و خط‌های سایه را با قسمت پهن قلم‌مو رسم کنید. سپس قلم‌مو را با دستمال کاغذی پاک کرده و بعد با کنار آن، خط را تبدیل به سایه کنید. با قلم‌موی دیگری در کنار سایه، رنگ روشن زده، با روش بالا روشنی را بر روی صورت ایجاد نمایید و هر دو رنگ سایه و روشن را در هم ادغام کنید. زمانی که با رنگ روغنی کار می‌شود، کاردک باید مابین جعبهٔ رنگ شما و چهرهٔ بازیگر باشد. به هیچ وجه رنگ را مستقیم از جعبه بر روی چهره نگذارید زیرا کار شما کثیف و غلیظ دیده می‌شود. سعی کنید در برداشتن رنگ بسیار با احتیاط عمل کنید و قلم‌مو را با مقدار کمی از رنگ آغشته نمایید (تصاویر ۳ــ۸ و ۴ــ۸).

تصویر۳ــ۸

تصویر۴ــ۸

لاک‌های چهره‌پردازی عبارتند از :

لاک دندان سیاه : برای ناپدید کردن تمام یا نیمی از دندان از لاک سیاه استفاده می‌شود.

لاک زرد : برای نشان دادن دندان‌های کثیف به‌کار می‌رود.

لاک قهوه‌ای : برای نشان دادن دندان شخصیت معتاد استفاده می‌شود. دندان‌های او نخست زرد و لای آنها با لاک قهوه‌ای رنگ‌آمیزی می‌شود.

لاک سفید : چنانچه بازیگر دندانی سیاه یا تیره داشته باشد از آن برای سفید نشان دادن آن استفاده می‌شود و یا برای تمامی دندان‌ها. لاک دندان سفید معمولی، شیری یا عاجی است.

لاک مخصوص ریش و سبیل : این لاک برای نگهداری مدل ریش و سبیل به‌کار می رود و مدل آنها را ثابت نگه می‌دارد.

لاک مو : برای نگهداری مدل مو و کلاه‌گیس به‌کار می‌رود.

لاک‌های رنگیِ مو : برای رنگ کردن مو به رنگ‌های مختلف استفاده می‌شود. این لاک به انواع رنگ‌ها ساخته شده است،

همچنین به رنگِ طلایی و نقره‌ای. تمامی لاک‌های مو، ریش و سبیل و لاک‌های رنگی به‌شکل اسپری به‌کار می‌روند.

۴ــ۸ــ تمیز کردن چهرهٔ بازیگر

زمانی که بازیگر بر چهره ریش و سبیل داشته باشد، مجری موظف است ریش و سبیل را با دقت از چهرهٔ بازیگر بردارد. پاک کردن چهرهٔ بازیگر وظیفهٔ خود اوست. او پس از اتمام نمایش، دست‌ها را می‌شوید، در کف دست چپ مقداری شیر پاک‌کن می‌ریزد و با دست راست از شیر پاک‌کن برداشته و به شکل دایره‌وار از روی چانه شروع کرده و به تدریج به طرف بالای چهره، روی چشم و ابروان تا پیشانی این کار را انجام می‌دهد. پس از اینکه تمام رنگ‌ها با هم مخلوط شد، با دو دستمال کاغذی یا دو تکه پنبه از پایین به طرف بالا چهره را پاک می‌کند، سپس با آب و صابون چهره را می‌شوید. بازیگر باید دقت کند برای تمیز کردن و یا خشک کردن چهره با حوله، این کار را همیشه از پایین به طرف پیشانی انجام دهد. این کار برای نگهداری از پوست و جلوگیری از افتادگی زود هنگام عضلات است.

آزمون‌های فصل هشتم

۱ــ چگونگی بررسی یک شخصیت نمایشی را توسط طراح چهره‌پردازی توضیح دهید.

۲ــ حضور طراح چهره‌پردازی در جلسات تمرین نمایش به چه دلیل الزامی است؟

۳ــ چهره‌پردازی کودکان معمولاً با کدام مواد رنگی صورت می‌گیرد؟

۴ــ لوازم چهره‌پردازی با پودرهای رنگی را نام ببرید.

۵ــ چهره‌پردازی با رنگ روغن چگونه انجام می‌گیرد؟

۶ــ لاک دندان سیاه به چه منظوری در چهره‌پردازی استفاده می‌شود؟

۷ــ لاک زرد به چه منظوری در چهره‌پردازی استفاده می‌شود؟

۸ــ لاک مخصوص ریش و سبیل به چه منظوری در چهره‌پردازی استفاده می‌شود؟

۹ــ چگونه دندان‌های یک شخصیت نمایشی معتاد، با لاک کار می‌شود؟

آرایش موی سر، ریش و سبیل

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ تاریخچهٔ آرایش موی سر، ریش و سبیل را بیان کند.

۲ــ انواع کلاه‌گیس را نام ببرد.

۳ــ یک ریش و سبیل ساده ببافد.

۴ــ چسباندن ریش و سبیل به صورت بازیگر را انجام دهد.

۱ــ۹ــ تاریخچهٔ آرایش مو، ریش و سبیل

تحقیق در مورد تاریخ آرایش مو، ریش و سبیل و آشنایی با آن برای طراح چهره‌پرداز بسیار ضروری است. مو، ریش و سبیل به شکل طبیعی (آرایش نشده) از گذشته تا به امروز در میان اقوام مختلف، معمول بوده است. در این میان، مدل خاصی از کلاه گیس، مو، ریش و سبیل برای استفادهٔ شخصیت‌هایی مانند پادشاهان، اشراف‌زادگان، نظامیان و غیره معمول بوده است. جهت آشنایی با این موضوع نمونه‌هایی در ذیل ارائه می‌گردد.

در مصر باستان، پادشاهان و ملکه‌ها، سرهای تراشیده داشتند و از کلاه گیس‌هایی از جنس ابریشم استفاده می‌کردند (تصاویر ۱ــ۹ الی ۶ــ۹).

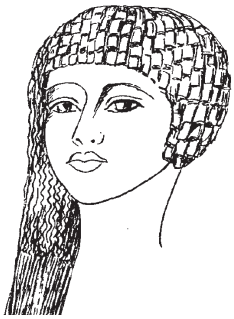
تصویر۱ــ۹

تصویر۲ــ۹

تصویر۳ــ۹

تصویر۴ــ۹

تصویر۵ــ۹

تصویر۶ــ۹

چهرهٔ آشوری‌ها در ۸۰۰ سال پیش از میلاد (تصاویر ۷ــ۹ و ۸ــ۹)

چهرهٔ سومری در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد (تصویر ۹ــ۹)

آپولون[۱]، ۴۹۰ سال پیش از میلاد (تصویر ۱۰ــ۹)

آفرودیت[۲] (تصویر ۱۱ــ۹)

ونوس (تصویر ۱۲ــ۹)

قهرمان المپیک، ۵۰۰ سال پیش از میلاد (تصویر ۱۳ــ۹)

پادشاه تی‌توس[۳]، سال ۸۱ میلادی (تصویر ۱۴ــ۹) : در زمان پادشاهی او کوه آتش‌فشان وزو[۴] در شهر پمپی[۵] فوران کرد و شهر را زیر خاکستر برد.

۱ــ Apollon ۲ــ Aphrodite ۳ــ Titus ۴ــ Vesuve ۵ــ Pompei

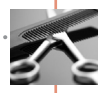

تصویر۷ـ۹

تصویر۸ـ۹

تصویر۹ـ۹

تصویر۱۰ـ۹

تصویر۱۱ـ۹

تصویر۱۲ـ۹

تصویر۱۳ـ۹

تصویر۱۴ـ۹

پادشاه کارکالا[1] (تصویر ۱۵ـ۹)

پادشاهانی در فرانسه که قدرت را در موهای بلند و سبیل‌های بسیار بلند می‌دانستند (تصاویر ۱۶ـ۹ و ۱۷ـ۹).

پادشاه (تصویر ۱۸ـ۹)

سن لویی[2] که بر اثر بیماری موهایش را از دست داده بود و کلاه‌گیس بر سر می‌گذاشت (تصویر ۱۹ـ۹).

تصویر۱۵ـ۹

تصویر۱۶ـ۹

تصویر۱۷ـ۹

تصویر۱۸ـ۹

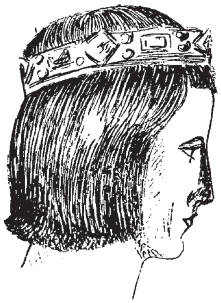

تصویر۱۹ـ۹

۱ـ Carcala

۲ـ Saint ـ Louis

پادشاه ژان دوم که از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ در فرانسه پادشاهی کرد(تصویر ۲۰ــ۹).

پادشاه فرانسه، فرانسواز. در این دوره آرایش جدیدی به شکل پادشاه بوجود آمد. موهای کوتاهِ مرتب و صاف، و ریش مرتب کوتاه و سبیل‌های باریک(تصویر ۲۱ــ۹) .

اراسموس، از بزرگترین اندیشمندان مکتب انسان‌گرایی دورهٔ رنسانس، با موهای بسیار کوتاه تا روی گوش و چتریِ بسیار کوتاه بر پیشانی، بدون ریش و سبیل(تصویر ۲۲ــ۹) .

چهرهٔ جوانی در دورهٔ رنسانس با موهای بلند و بدون ریش و سبیل، با سربند یا کلاهی بر سر (تصویر ۲۳ــ۹).

هنری سوم. چهره‌ای شاد که تا حدودی آرایش زنانه دارد و دارای ریش و سبیل‌های بسیار باریک است(تصویر ۲۴ــ۹).

هنری سوم در دوران پیری موهای کوتاه و ریش کاملاً پر و سبیلی نازک داشت(تصویر ۲۵ــ۹).

قرن هفدهم میلادی : در این دوره کلاه‌گیس در میان پادشاهان و درباریان، مرسوم می‌شود. افراد عادی، مو، ریش و سبیل ساده و طبیعی داشتند. در تصویر ۲۶ــ۹ نوعی آرایش خاصِ این دوره دیده می‌شود. ریشی کوچک و سه گوش و سبیل باریک همراه با ریش کوچکی در زیر لب پایین، و کلاه گیسی بلند که از یک طرف بر شانه ریخته است.

لویی سیزدهم (۱۶۴۳ــ۱۶۱۰) با موهای بلندی بر روی شانه‌ها، سبیل بسیار نازکِ سربالا و ریش کوچک(تصویر ۲۷ــ۹).

تصویر ۲۰ــ۹

تصویر ۲۱ــ۹

تصویر ۲۲ــ۹

تصویر ۲۳ــ۹

تصویر ۲۴ــ۹

تصویر ۲۵ــ۹

تصویر ۲۶ــ۹

تصویر ۲۷ــ۹

لویی چهاردهم (۱۷۱۵ ـ۱۶۴۳) در جوانی. با کلاه‌گیس بزرگ حالت دارِ طبقه طبقه، سبیل باریک، و یک لایه ریش نازک بر چانه (تصویر ۲۸ـ۹). در این دوره، کلاه‌گیس در تمام اروپا مرسوم شد.

لویی چهاردهم در سنین پیری با کلاه‌گیس عظیمی بر سر که در بالا به دو قسمت کوه مانند تقسیم شده است و از طرف راستِ شانه تا روی شکم ادامه یافته است. چهره‌اش بدون ریش و سبیل بود زیرا این کلاه‌گیس بود که اهمیت ویژه‌ای داشت (تصویر ۲۹ـ۹).

در تصویر ۳۰ـ۹ لویی پانزدهم در جوانی با کلاه‌گیس فر بسیار بزرگی تا روی شانه، بدون ریش و سبیل دیده می‌شود.

لویی پانزدهم در تصویر ۳۱ـ۹ با کلاه‌گیس جمع شده با روبان در پشت سر دیده می‌شود.

تصویر ۳۲ـ۹ نشان‌دهندهٔ هنرمندی با کلاه‌گیس از پشت بسته شده است که لوله‌هایی بر بالای گوشش ایجاد شده است.

قرن هجدهم : موهایی همراه با کلاه‌گیس در پشت سر به‌شکل یک بافته یا لولهٔ آویزان و از فرق سر به طرف چهره شانه شده و به طرف پیشانی و اطراف چهره، دیده می‌شود. این موها با ریش مخلوط شده و صورتِ بدون سبیل، چهرهٔ خاصی را به‌وجود می‌آورد (تصویر ۳۳ـ۹). از همین دوره، تصویری با موهای کلاه‌گیس، پشت سر کاملاً صاف و آویزان با حلقه‌های مرتب شامل ۶ یا ۸ حلقه بالای گوش‌ها دیده می‌شود. چهره، بدون ریش و سبیل است (تصویر ۳۴ـ۹).

در تصویر ۳۵ـ۹ کلاه‌گیس کوتاه با فرهای بسیار مرتب در پایین سر از یک گوش تا گوش دیگر دیده می‌شود. زیر آن، موها آویزان است. چهره، بدون ریش و سبیل است.

تصویر۲۸ـ۹

تصویر۲۹ـ۹

تصویر۳۰ـ۹

تصویر۳۱ـ۹

تصویر۳۲ـ۹

تصویر۳۳ـ۹

تصویر۳۴ـ۹

تصویر۳۵ـ۹

اواخر قرن هجدهم : (تصویر ۳۶ـ۹) چهرهٔ بناپارت[1] در جوانی با موهای قهوه‌ای رنگ ریخته در اطراف چهره مشاهده می‌شود.

(تصویر ۳۷ـ۹) ناپلئون با موهای صاف (تصویر ۳۸ـ۹) و با موهای بسیار کوتاه (تصویر ۳۹ـ۹).

تصویر «مورا مارشال» فرانسوی که پادشاه ناپل بود(تصویر ۴۰ـ۹).

اواسط قرن هجدهم : (تصویر ۴۱ـ۹) آرایش با موهای طبیعیِ مدل داده شده که تا پایین گوش ادامه دارند.

چهرهٔ بدون ریش و سبیل (تصاویر ۴۲ـ۹ و ۴۳ـ۹).

چهرهٔ بدون ریش و سبیل با موهای طبیعی تا روی فک(تصویر ۴۴ـ۹).

اواخر قرن هجدهم : (تصویر ۴۵ـ۹) موهایی کاملاً کوتاه همراه با سبیلی با گوشه‌هایی به طرف بالا و ریش سه گوش. در تصویر

تصویر۳۶ـ۹

تصویر۳۷ـ۹

تصویر۳۸ـ۹

تصویر۳۹ـ۹

تصویر۴۰ـ۹

تصویر۴۱ـ۹

تصویر۴۲ـ۹

تصویر۴۳ـ۹

بعد موهای کوتاه طبیعی در دو طرف چهره، روی گوش‌ها را می‌پوشاند. سبیل‌ها رو به بالا قرار دارند(تصویر ۴۶ـ۹).

اوایل قرن نوزدهم : (تصاویر ۴۷ـ۹ و ۴۸ـ۹) موهای طبیعی کوتاه تا بالای گوش‌ها همراه با ریش‌هایی پر و کمی بلند و سبیل، تا ریش‌های مدل داده شد (که در پایین به شکل عدد ۸ چیده شده است) همراه با سبیل و ریش کوچک در زیر لب.

قرن نوزدهم : موهای طبیعی کاملاً کوتاه با ریش‌هایی در مدل‌های مختلف و سبیل‌های بلند(تصویر ۴۹ـ۹).

۱ـ Bonaparte

تصویر۴۴ـ۹

تصویر۴۵ـ۹

تصویر۴۶ـ۹

تصویر۴۷ـ۹

تصویر۴۸ـ۹

تصویر۴۹ـ۹

نیمهٔ اول قرن بیستم : به تدریج صورت‌ها بدون ریش و سبیل شده، موها همچنان حالت کوتاه و طبیعی خود را حفظ می‌کنند (تصاویر ۵۰ـ۹ الی ۵۶ـ۹).

تصویر ۵۰ـ۹

تصویر ۵۱ـ۹

تصویر ۵۲ـ۹

تصویر ۵۳ـ۹

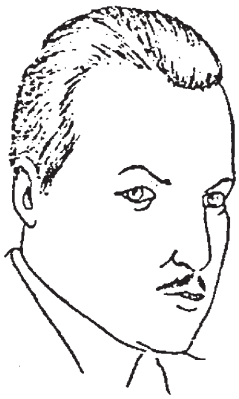
تصویر ۵۴ـ۹

تصویر ۵۵ـ۹

تصویر ۵۶ـ۹

مدارک بازمانده از شاهان ایران، نشان‌دهندهٔ چگونگی نوع آرایش مو و سر و صورت آنان است. در آثار به دست‌آمده از دورهٔ هخامنشی موی بلند فردار و ریش و سبیل فردار به خوبی دیده می‌شود(تصویر ۵۷ـ۹).

دورهٔ ساسانیان : ریش، بلندتر شده و موها تقریباً حالت فرهای لوله‌ای به خود گرفته است. سبیل‌ها دارای نوک رو به بالا است و ریش‌ها فرهای ریزتری دارند(تصویر ۵۸ـ۹).

دورهٔ اشکانیان : مجسمهٔ فلزی باقی مانده نشان از چگونگی آرایش سر و صورت سرداران آن زمان دارد. موهای بلند تا روی گوش‌ها آمده، سبیل بلندِ باریک، صورت بدون ریش. موهای سر اغلب به وسیلهٔ نواری بر بالای پیشانی مهار شده، این نوار در پشت سر گره می‌خورد(تصویر ۵۹ـ۹).

دورهٔ صفاریان : سرباز گرزدار (تصویر ۶۰ـ۹) و فرماندهٔ سپاهیان (تصویر ۶۱ـ۹) قابل مشاهده است. فرمانده با موها، سبیل بلند، بدون ریش. سرباز، موهای کوتاه و ریش و سبیل متوسط دارد.

پرچمدار سپاه دیلمیان : سرباز، بدون ریش و تنها با سبیل و موهای بلند تصویر شده است(تصویر ۶۲ـ۹).

سرباز دورهٔ صفویه : سربندی بر سر و صورتی بدون ریش دارد. سبیل بلند رو به پایین او قابل توجه است(تصویر ۶۳ـ۹).

سرباز دورهٔ افشاریه : با موهای کوتاه و ریش و سبیل معمولی و متوسط دیده می‌شود (تصویر ۶۴ـ۹).

تصویر۵۷ـ۹

تصویر۵۸ـ۹

تصویر۵۹ـ۹

تصویر۶۰ـ۹

تصویر۶۱ـ۹

تصویر۶۲ـ۹

تصویر۶۳ـ۹

تصویر۶۴ـ۹

دورهٔ زندیه : افسر با ریش و سبیل متوسط و بدون مدل خاصی بر آن، کلاه بر سر. موها کوتاه و بالای گوش قرار دارد (تصویر ۶۵ـ۹). سرباز پیاده با موهای بلند و فردار. صورت همراه با ریش و سبیل کامل قابل مشاهده است (تصویر ۶۶ـ۹).

تصویر۶۵ـ۹

تصویر۶۶ـ۹

آرایش مو و ریش و سبیل در چهره‌پردازی نقشی اساسی دارند. در چهره‌پردازی بازیگر مرد چنانچه توجهی به مو و ریش و سبیل نشود، چهره‌پردازی ناقص خواهد بود. برای مثال :

الف) تبدیل بازیگر جوان به شخصیتی مسن یا پیر، اگر بازیگر جوان موهای پر داشته باشد، باید موهای او کوتاه تا حدودی تراشیده و خاکستری شود.

ب) برای تبدیل بازیگر مسن به شخصیتی جوان از کلاه‌گیس پر مو استفاده می‌شود.

ج) برای تبدیل چهرهٔ چاق به شخصیتی لاغر، موهای او کوتاه شده و اطراف سر بیشتر اصلاح می‌شود.

د) برای تبدیل چهرهٔ لاغر به شخصیتی چاق، موهای او پر می‌شود؛ به‌خصوص ناحیهٔ بالا و روی گوش و روی پیشانی. رنگ موها قهوه‌ای متمایل به قرمز می‌شود. این مسأله بستگی به شخصیت چاق دارد، گاهی شخصیت او باید جلوی سرش طاس باشد. در این مواقع اطراف سر را باید پر مو کرد و اگر بازیگر خیلی لاغر باشد برای او ریش و سبیل پر گذاشته شود.

هـ) برای شخصیت‌های معتاد، بیمار، افسرده، عصبی : موهای ژولیده (معتادها تا حدودی کثیف‌تر) و چهره با ته ریش استفاده می‌شود.

و) برای تبدیل چهره به رنگین‌پوست از کلاه‌گیس مجعد سیاه، اروپایی، کلاه‌گیس بلوند، سرخ‌پوست، کلاه‌گیس با موی صاف بلند سیاه استفاده می‌شود.

۲ــ۹ــ مواد و ابزار بافت کلاه‌گیس، ریش و سبیل

تورهای مخصوص ظریف، متوسط، ضخیم. موهای مختلف در طول، رنگ و ضخامت‌های گوناگون، برای مثال قیطان، نخ و یا مخلوط نخ و ابریشم و مواد نایلونی. چسب‌های مختلف. لاک‌های ثابت نگاهدارندهٔ مو که به شکل اسپری است که برای کلاه‌گیس و ریش و سبیل استفاده می‌شود و حالت و مدل ریش و سبیل و مو را به خوبی حفظ می‌کند. ابزار آن نیز شامل چراغ الکلی، کارگاه بافت ریش و سبیل، کارگاه بافت تِرِس[1] ، سرهای چوبی در اندازه‌های مختلف، قلاب و چنگک‌های بافت مو با شماره‌های مختلف، فرهای لوله‌ای بسیار نازک مخصوص فر دادن ریش و سبیل (که روی چراغ الکلی گرم می‌شود)، فرهای لوله‌ای برقی در انواع مختلف، مخصوص فر و مدل دادن به کلاه‌گیس است. انواع برس‌های پهن، لوله‌ای، شانه‌های کوچک و بزرگ نیز قابل استفاده است(تصویر ۶۷ــ۹).

تصویر۶۷ــ۹

۳ــ۹ــ بافت کلاه‌گیس، ریش و سبیل

کلاه‌گیس از پنج هزار سال پیش از میلاد در مصر مشاهده و در طی دوران‌های متمادی به شکل وآرایش‌های متفاوت تغییر یافته و مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه کلاه‌گیس‌های کوچک و بزرگ همچنان ما بین مردم برای پوشاندن قسمتی یا تمامی طاسی سر و افزودن مو به موهای طبیعی استفاده می‌شود. در این بخش تصاویری از آرایش کلاه‌گیس، مو، ریش و سبیل در اروپا و ایران مشاهده می‌شود. در کارگاه‌های کلاه‌گیس‌بافی معمولاً مدل‌های چوبی در اندازه‌های متفاوت سر موجود است و بافنده با دیدن و لمس کردن سر بازیگر متوجه می‌شود که دارای چه مدلی است و روی چه مدلی باید کار را انجام دهد. بافنده اگر بخواهد کارش را برای سریال یا سینما

۱ــ Tersse

یا شخصیت نمایش اصلی که از جوانی تا پیری نشان داده می‌شود، خیلی ظریف و دقیق انجام دهد از سر بازیگر قالب‌گیری می کند، چون کلاه‌گیس‌های متفاوت در سنین مختلف باید برای او قابل استفاده باشد. پس برای ریش و سبیل بازیگر قالب‌گیری از محل ریش و سبیل که از چانه، زیر لب بالایی تا کنار گوش را شامل می‌شود انجام می‌دهد. قالب‌گیری به دقت با بستن موهای بازیگر با نایلون ظریف و چسب‌نواری، و مالیدن وازلین بر روی آن و کشیدن نوار گچ با پهنای مابین ۵ تا ۷ سانتیمتر بر آن ادامه می‌یابد و عمل قالب‌گیری انجام می‌پذیرد. قالب‌گیری به دوشکل صورت می گیرد : قالب ۲ قسمتی. قالب ۴ قسمتی.

الف) این قالب از رستنگاه مو تا فرق سر و از پشت گوش تا گوش دیگر، از فرق سر تا محل گردن دو تکه است (تصویر ۶۸ــ۹) .

ب) از رستگاه مو تا فرق سر و از پشت گوش تا گوش دیگر (با یک خط فرضی، که از فرق سر تا پشت گردن را دوقسمت کرده دو تکه برای پشت سر، چهار تکه‌ای محسوب می‌شود (تصویر ۶۹ــ۹).

برای قالب‌گیری مثبت دو تکه، پشت سر به هم چسبانده می‌شود (سپس قالب‌گیری انجام می‌پذیرد.) قالب‌گیری منفی سه لایه اجرا می‌شود. برای قالب‌گیری مثبت از گچ استفاده می‌شود. پس از تهیهٔ قالب مثبت، با اندازه‌های مثبت، بافت بر روی تور اجرا می‌شود. برای تهیهٔ قالب از ریش و سبیل قسمت‌هایی که قبلاً شرح داده شد اندکی وازلین مالیده و با نوار گچ قالب‌گیری به شکل سه لایه اجرا صورت می‌پذیرد. سپس قالب مثبت از آن گرفته شده و روی قالب مثبت تور بریده می‌گردد تا عمل بافتن انجام پذیرد. برای بافتن مو بر تور نیز کارگاه‌های بزرگ و کوچک موجود است که تکه‌های تور بر آن وصل شده و عمل بافتن صورت می‌گیرد. توری که برای بافت ریش و سبیل به‌کار می‌رود از جنس ظریف و با دوام، با طرح خانه‌های شش ضلعی است. تورهای کلاه‌گیس دارای انواع مختلفی است. زیرا در بعضی از قسمت‌ها تورهای ظریف و در بعضی قسمت‌های دیگر تورهای ضخیم‌تر به کار می‌رود (تصویر ۷۰ــ۹).

قلاب مخصوص بافتن بین هفت تا هشت سانتیمتر است. سر قلاب دارای چنگک است که این چنگک دارای شماره و به درجات مختلف عرضه شده است. امروزه همه نوع تور و موهای دسته‌ای در هر رنگی موجود است و می‌توان آن را تهیه کرد.

۱ــ۳ــ۹ــ بافتن مو بر روی تور :

الف) برای شروع، با دست چپ تور و دسته‌ای از مو را (که دولا به شکل حلقه درآورده‌اید) بین انگشتان شست و سبابه نگه دارید، سپس با دست راست، قلاب را بین انگشتان شست و سبابه نگه دارید.

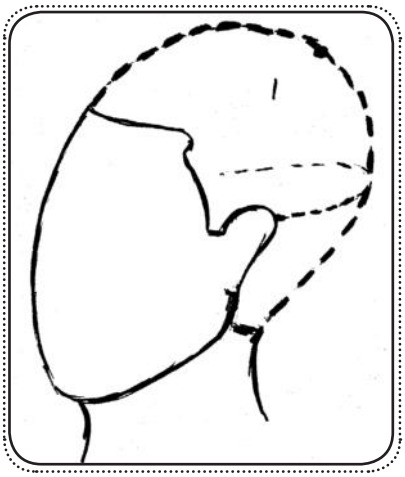

تصویر۶۸ــ۹

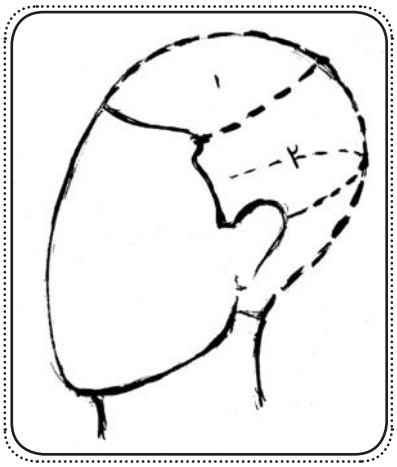

تصویر۶۹ــ۹

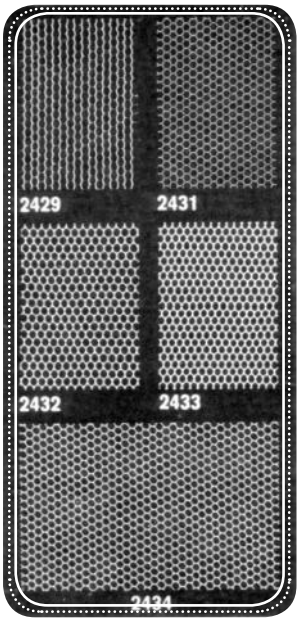

تصویر۷۰ ــ۹

ب) قلاب را زیر یک رشته نخ تور (بین دو سوراخ) بگذرانید. از دستهٔ مو، یک تکه مو جدا کنید. سر قلاب باید به طرف بالا باشد.

ج) در میان انگشت شست و سبابه، قلاب را به طرف چپ بچرخانید. تکه مو را به آرامی بکشید.

د) زمانی که به مقدار کافی تکه مو را کشیدید، قلاب را تا نیمهٔ چرخش، به طرف راست بچرخانید. از روی همان رشته نخ بگذرانید. وسط تکه مو را که شامل دو مو است با سر قلاب بگیرید و با چرخش کامل به طرف راست، از درون حلقهٔ مو بگذرانید و آن را بکشید تا یک گره بر روی رشته نخ ایجاد گردد.

۲ــ۳ــ۹ــ بافت کلاه‌گیس : کلاه‌گیس به دو طریق بافته می‌شود. بافتن با رشته مو به شکل رشته (تِرِس) و بافتن بر روی تور.

کارگاه ترس از دو چوب گرد به فاصله شصت سانتیمتر از هم تشکیل شده است. روی چوب یک طرف کارگاه به فواصل هشت سانتیمتر سه پیچ وصل است. به هر پیچ یک نخ محکم متصل است. در طرف دیگر روی چوب (روی چوب مقابل) سه نخ بر پیچ بسیار محکم گره خورده است. آن را می‌توان بر پایه یا میز نصب کرد. جهت انجام کار در مقابل کارگاه نشسته، در دست راست یک رشته مو (به اندازهٔ مورد نظر) بین انگشتان شست و سبابهٔ دست چپ گرفته، رشتهٔ مو را طوری به‌دست بگیرید که انتهای آن به طرف بالا باشد (تصویر ۷۱ــ۹) .

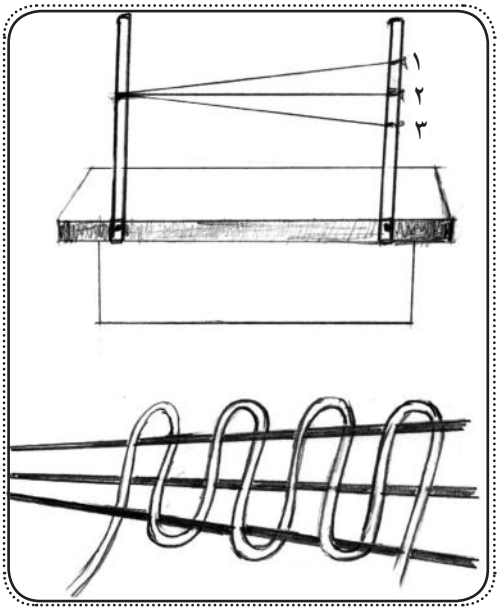

تصویر ۷۱ــ۹

الف) رشتهٔ مو را در پشت نخ‌های کارگاه نگه داشته، با کمک انگشتان سبابه و شست دست راستتان، بین نخ‌های شمارهٔ ۲ و ۳، رشتهٔ مو را بکشید و آن را از روی نخ شمارهٔ ۱ بگذرانید.

ب) سپس بین نخ‌های شمارهٔ ۱ و ۲، رشتهٔ مو را به طرف جلو (طرف خودتان) بکشید.

ج) دستتان را بین نخ‌های شمارهٔ ۱ و ۲ برده، رشتهٔ مو را از پشت بگیرید و آن را به طرف مخالف خودتان کشیده، از زیر نخ شمارهٔ ۳ به طرف نخ شمارهٔ ۱ به سوی بالا برده، از روی نخ شمارهٔ ۱ بگذرانید.

د) بین نخ‌های شمارهٔ ۱ و ۲ رشتهٔ مو را به طرف جلو بکشید. دستتان را به طرف نخ‌های شمارهٔ ۱ و ۲ برده، رشتهٔ مو را به طرف نخ شمارهٔ ۳ نزدیک کرده از زیر آن بگذرانید. سپس آن را به طرف مخالف خودتان به سمت بالا کشیده، از روی نخ شمارهٔ ۱ بگذرانید. دستتان را به طرف نخ‌های ۱ و ۲ برده، رشتهٔ مو را به طرف جلو بکشید.

هـ) دست را از پشت بین نخ‌های شمارهٔ ۲ و ۳ برده، رشتهٔ مو را به عقب بکشید. اکنون در حالی که دو قسمت تحتانی مو را در دست دارید، آن ها را به هم نزدیک کرده و بکشید، طوری که یک طرف مو از یک گرهٔ کوچک آویزان شود. انتهای ریشه‌های مو باید کوتاه باشد. این عمل را تکرار کنید. هر بار رشتهٔ مو را به طرف چپ بکشید. زمانی که به طول و اندازهٔ مورد نظر رسید، ریسمان را ببرید و دو انتهای مو را ببندید. اکنون ترس آماده است. پس از آماده شدن ترس، باید آن‌ها را روی نوار قیطان بدوزید. نوار قیطان به عرض ۳ سانتیمتر باید به رنگ سیاه یا قهوه‌ای تهیه شود. ترس‌ها را بهتر است به دقت با چرخ خیاطی چرخ نمایید. اندازه‌های سر بازیگر را بر پوششی از جنس تور محکم پیاده کرده، دور پوشش را با قیطان محکم بدوزید. در زیر گردن از کش چسبان یا کش معمولی برای بستن استفاده شد. با دقت ترس‌ها را از زیر گردن پوشش (بالای ناحیهٔ کش، به شکل افق که بلندی مو سوی پایین قرار گیرد) بدوزید. فاصلهٔ ترس‌ها باید به اندازهٔ یک سانتیمتر باشد.

این کار را به طرف بالای سر ادامه دهید. جلوی سر بسته به مدل کلاه‌گیس از بالای گوش، ترس را افقی دوخته و به طرف بالای سر ادامه دهید. فرق کنار سر را روی کلاه‌گیس ایجاد کنید. در روش بافتن کلاه‌گیس با تور و قلاب، پوشش سر از چند نوع تور تشکیل می‌گردد. در قسمت ۱ تور ظریف با قلاب ظریف کار می‌شود. در قسمت ۲ (تور کمی ضخیم‌تر با خانه‌های متوسط) موها با قلابی متوسط بافته می‌شود. در قسمت ۳ از توری با خانه ای بزرگ و قلاب بزرگ‌تر استفاده می‌شود. درگذشته بر این نوع کلاه‌گیس در قسمت پیشانی، توری ظریف به اندازهٔ نیم سانتیمتر برای چسباندن روی چهره بازیگر استفاده می‌شد ولی امروزه سعی می‌شود (برای تلویزیون و سینما) این امر صورت نگیرد. دور کلاه‌گیس با قیطان نازک چرخ می‌شود. در زیر گردن و پشت سر کش‌های چسبان نصب می گردد.

۴ــ۹ــ چسباندن ریش و سبیل و نگهداری از آن

بر روی آن نواحی از چهرهٔ بازیگر که باید ریش و سبیل چسبانده شود، فون به کار نمی‌رود. اگر چسب چهره‌پردازی برروی فون مالیده شود، با گذاردن ریش و سبیل، پس از مدتی امکان افتادنش زیاد است. برای چسباندن، پس از اتمام چهره‌پردازی، خطوط ریش، زیر لب و زیر چانه، چسب زده می‌شود. نباید بلافاصله ریش چسبانده شود. بعد از کمی صبر، این کار انجام می‌شود. باید دستمالی از جنس کتان چهارلا شده بر روی تمام نواحی ریش فشار داده شود و از بازیگر درخواست گردد که دهان خود را چند بار باز و بسته کند. پی این عمل محل سبیل را چسب زده، سبیل آماده گشته، پس از کمی صبر، روی محل چسب چسبانده شده و با دستمال فشار داده می‌شود. معمولاً این نوع ریش و سبیل چون از جنس موی طبیعی است قبل از چسباندن به آن حالت داده شده است. با این حال، باید پشت صندلی بازیگر قرار گرفت و با نگاه در آینه با نوک انگشتان به ریش و سبیل حالت داد و آن ها را هماهنگ کرد. سپس از لاک (اسپری) نگهدارندهٔ ریش و سبیل روی آن استفاده کرد. پس از برداشتن ریش و سبیل از چهرهٔ بازیگر، معمولاً ریش و سبیل آغشته به چسب خشک شده است. با دقت باید چسب‌ها را جدا کرد، نخست با به هم مالیدن ملایم (تا ریش یا سبیل آسیب نبیند)، سپس با گوش پاک‌کن آغشته به کمی الکل، زیادی چسب را گرفته و چند بار این کار تکرار شود و موضع کاملاً تمیز شود. با دو سنجاق ته گرد آن را به مدل نصب می‌کنیم تا خشک شود. پس از خشک شدن کامل، با کمک شانهٔ ظریف و فرهای برقی بسیار ظریف به آن مدل می‌دهیم.

۱ــ۴ــ۹ــ ریش و سبیل کِرِپه : کرپه پشم خارجی است که از جنس پشم گوسفند مرینوس است. به شکل بافته‌های ریز در همه رنگ عرضه شده است و در ایران موجود است. برای ساختن یک ریش کوتاه از پشم کرپه، نخست تکه‌ای در حدود پانزده سانتیمتر از بافتهٔ اصلی چیده، نخ وسط آن را درآورده، یک طرف آن را با دست چپ گرفته، با شانهٔ دندانه درشت به آرامی شانه بزنید. سپس با دست راست، تکه‌ای از پشم را به آرامی کشیده و جدا کنید. سر تکهٔ جدا شده را در دست چپ نگه داشته، با دست راست به آرامی، پشم‌ها را از آن بکشید. چند بار این کار را تکرار کنید. این کار یک نوع ریسیدن است. خطوط بافته شده باید محو گردد و تکه‌های آماده، به تکهٔ پشمی پف کرده و از هم جدا شده مبدل گردد. تکه‌ها را از زیر چانه بازیگر با کمک چسب چهره‌پردازی و چوب بگت به طور لایه به لایه بچسبانید. طرف تکهٔ پشمی که باید به پوست بچسبد (برای زیر چانه) را به شکل ۸ پهن بیُرید. زیر چانه، کمی چسب زده، لحظه‌ای صبر کنید. سپس تکه را با کمک چوب بگت به پوست بچسبانید. به همین شکل لایه به لایه، از زیر لب این کار را انجام دهید. دقت کنید روی چانه نباید موی زیاد باشد، لذا لایه‌ها را با فاصله کار کنید. برای چسباندن پشم روی فک پایین از زیر فک شروع و روی عضلات مثلث، شیپوری و ماضغه، لایه به لایه ادامه داده، به طرف شقیقه‌ها بالا بروید. هر چه به طرف بالا می‌روید از حجم موها کاسته می‌شود. با دستمال نخی چند بار روی قسمت‌های ساخته شده فشار دهید. از بازیگر بخواهید چند بار دهان را باز و بسته کند. برای چسباندن سبیل، پشم را مدل داده، از وسط دوقسمت کرده، روی محل چسب زده و سبیل را با دقت بچسبانید. ریش و سبیل را به دقت با قیچی فرم داده، در پشت صندلی بازیگر قرار گرفته و با نگاه در آینه به ریش و سبیل، با نوک انگشتان آن را حالت دهید. ریش و سبیل را از نیمرخ نگاه کنید. اگر ایراد داشت، برطرف کنید. برای ساختن ریش بلند، رشتهٔ موی کرپه را بلندتر چیده، نخ آن را جدا کرده، دو طرف مو را روی بخار آب‌جوش مدتی نگه می‌داریم تا تاب‌ها صاف شود. سپس

به طریق پیشین، آرام تکه‌ها را جدا کرده و بر چهره می‌چسبانیم و مدل می‌دهیم (تصاویر ۷۲ــ۹ الی ۷۴ــ۹).

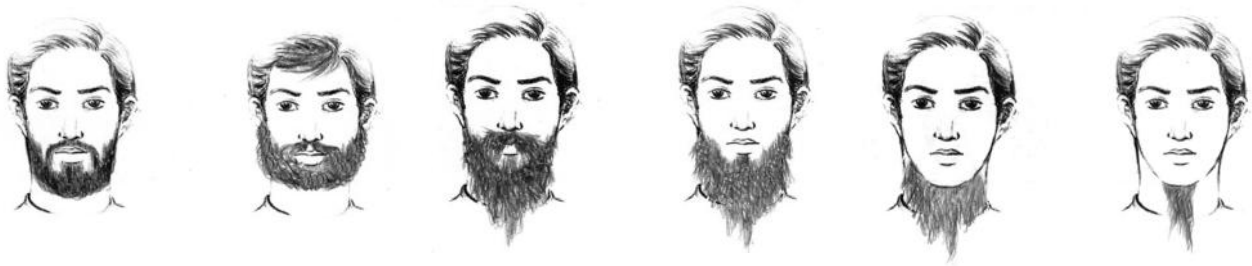

تصویر۷۲ــ۹ تصویر۷۳ــ۹ تصویر۷۴ــ۹

۵ــ۹ــ تمیز کردن کلاه‌گیس

برای تمیز کردن کلاه‌گیس، نخست تمام سنجاق‌ها و وسایل آرایشی را از آن جدا کرده و با انگشتان فرها را باز کرده و روی مدل چوبی قرار می‌دهید. سپس با برس پهن به آرامی روی موها کشیده، آن را شانه می‌زنید. کلاه‌گیس را برداشته، در دست چپ گرفته (طوری که کاسهٔ سرِ کلاه‌گیس در دست باشد) موها را زیر شیر آب ولرم گرفته، روی آن شامپوی نرم‌کننده ریخته، آرام موها را به طرف پایین شسته، سپس کاسهٔ سر کلاه‌گیس را با احتیاط می‌شویید. روی کلاه‌گیس نباید چنگ زده شود.

زمانی که شستن به اتمام رسید آب آن را با حوله گرفته، روی مدل چوبی می‌گذارید که تا حدودی خشک شود، بعد با برس سیمی موها را شانه زده و به ترتیب با بیگودی بپیچید و خشک کنید و دوباره مدل داده و آن را آماده نمایید.

آزمون‌های فصل نهم

۱ــ برای پیر کردن یک بازیگر جوان بر روی موهای او چه کارهایی انجام می‌پذیرد؟

۲ــ آرایش موهای فرد چاق برای تبدیل شدن به چهرهٔ لاغر چه تغییری می‌یابد؟

۳ــ چگونگی کار بر روی موهای فرد لاغر برای تبدیل شدن به چهره را شرح دهید.

۴ــ به چند طریق می‌توان برای ساختن کلاه‌گیس قالب‌گیری نمود؟

۵ــ قالب دو قسمتی را توضیح دهید.

۶ــ قالب چهار قسمتی را توضیح دهید.

۷ــ توری که برای بافتن ریش و سبیل به کار می‌رود چه خصوصیتی دارد؟

۸ــ کلاه‌گیس به چند طریق بافته می‌شود؟

۹ــ چگونه ریش و سبیل بر چهره چسبانده می‌شود؟

۱۰ــ کرپه چیست؟

فصل دهم

تمهیدهای ویژهٔ چهره پردازی

اهداف : در پایان این فصل از هنرجو انتظار می‌رود که :

۱ــ انواع زخم، جراحت و ورم‌های مختلف روی بدن، به ویژه صورت را توضیح دهد.

۲ــ مواد و ابزار ساخت انواع زخم، جراحت و ورم‌ها را بیان کند.

۳ــ یک مورد زخم یا جراحت یا ورم را ایجاد کند.

۴ــ انواع بریدگی و شکاف را در بدن و چهره توضیح دهد.

۵ــ مواد و ابزار ساخت بریدگی و شکاف در بدن یا چهره را شرح دهد.

۶ــ یک مورد بریدگی یا شکاف در بدن یا صورت ایجاد کند.

۷ــ بیماری‌هایی را که ممکن است بر اثر استفاده از مواد چهره‌پردازی تولید شود شرح دهد.

۱ــ۱۰ــ مواد و ابزار ایجاد ورم‌ها، بریدگی‌ها و زخم‌ها

مواد لازم :

الف) لاتکس ب) خمیر پلاستو ج) تیوپلاست د) او.اس.پی هـ) پودر ژلاتین و) خون روشن و تیره ز) فن ح) جعبه رنگ (۱۲ رنگ) ط) چسب ی) روغن بادام ک) الکل ل) پودر م) شیرپاک‌کن ن) صابون ق) دستمال کاغذی.

ابزار مورد نیاز :

الف) قلم‌مو ب) قلم‌موی گردِ پُر برای پودر ج) قیچی کوچک د) چوب بگت هـ) روپوش

۲ــ۱۰ــ انواع زخم و بریدگی

امروزه برای ساختن انواع زخم، سوختگی، بریدگی در نمایش، سینما و تلویزیون، کار از طریق قالب‌گیری با مواد مختلف انجام می‌پذیرد.

۱ــ۲ــ۱۰ــ روش کار با مایع لاتکس : روی یک قطعه شیشهٔ ۵۰ در ۵۰ سانتی‌متر با خمیر مجسمه‌سازی کودکان (چنان‌چه خمیر سفت باشد، آن را با کمی وازلین ورز دهید تا نرم شود) زخم، سوختگی، بریدگی را بسازید. هر چه بیشتر روی ساخت با خمیر دقت نمایید کار شما طبیعی‌تر جلوه خواهد نمود. برای نمونه، تکه‌ای از خمیر را با نوک انگشتان به روی شیشه بخوابانید و آن را به شکل طویل درآورید (مدل، بستگی به طرح زخم یا بریدگی دارد). سپس اطراف خمیر را با شیشه، مماس و یکدست کنید. با ته قلم‌موی ظریف یا با نوک قیچی ظریف، وسط خمیر را بشکافید و مدل دهید و بعد از آماده شدن روی آن، داخل شکاف را با کمی وازلین چرب کنید. سپس مایع لاتکس را در ظرف کوچکی ریخته با قلم‌مویی که از قبل آن را به مایع ظرفشویی آغشته نموده‌اید، داخل لاتکس برده و روی خمیر بمالید. این کار را می‌توانید با اسفنج کوچکی انجام دهید. سپس با باد سرد سشوار آن را خشک کنید. پس از خشک کردن، کمی پودر تالک با قلم‌موی گرد پُرمو به آن بزنید. سپس دوباره لاتکس بمالید و خشک کنید و پودر بزنید. این کار را سه بار تکرار کنید (استفاده از لایه‌های لاتکس بستگی به غلظت آن دارد). پس از خشک شدن، آن را از قالب جدا و رنگ‌آمیزی نمایید. رنگی که به کار می‌برید باید تبدیل به رنگ مایع روغنی شود تا بهتر به خورد لاتکس برود. رنگ داخل زخم یا بریدگی، به رنگ خون قرمز و کناره‌های بریدگی به رنگِ قرمز تیره و زرشکی که پس از فون زدن به چهره، با چسب چهره‌پردازی به چهرهٔ بازیگر چسبانده می‌شود.

۲ــ۲ــ۱۰ــ تیوپلاست : مایع چسبناکی است که برای درست کردن بریدگی، تیرخوردگی و غیره به کار می‌رود. با قرار دادن کمی از آن برروی محل، کمی صبر کنید سپس با چوب بگت به آن مدل دهید. آن را می‌توانید گود کنید و یا به شکل گرد بگذارید. وسط آن را با چوب بگت گود کنید و تیرخوردگی را به وجود آورید. دقت کنید که اطراف این نوع چسب خوب با پوست مماس شود و سپس آن را رنگ‌آمیزی نمایید.

۳ــ۲ــ۱۰ــ او.اس.پی : مایعی است که برای پیر کردن چهره در سینما به کار می‌رود. با این مایع می‌توان آثار سوختگی را بر چهره بوجود آورد و نیز تاول، تاول کامل و یا تاولی که ترکیده است. در ایجاد تاول، چنانچه مایع او.اس.پی کمی سفت شده باشد جلوه‌ای طبیعی‌تر خواهد داشت(تصویر ۱ــ۱۰).

۴ــ۲ــ۱۰ــ پودر ژلاتین و پنبه : پودر ژلاتین را در ظرفی کوچک

تصویر ۱ــ۱۰

بریزید، آب به آن اضافه کنید، روی آتش بگذارید و هم بزنید تا پودر در آب حل شود. سپس آن را از روی آتش برداشته، پرزهای پنبه را از هم جدا کرده در ظرف بریزید و هم بزنید. ولرم که شد هر نوع زخمِ تازه و کهنه، سوختگی تازه و کهنه و غیره را می‌توان بر روی چهره درست کرد. پس از ایجاد زخم، روی آن را رنگ‌آمیزی نمایید.

۵ـ۲ـ۱۰ـ خمیر پلاستو : این خمیر در گذشته کاربرد بسیار در چهره‌پردازی داشت، مانند ساخت حجم‌های نامتعادل بر چهره، مثل بینی، چانه و غیره. امروزه حجم‌سازی با مایع لاتکس جای این خمیر را گرفته است. امروزه از این خمیر بیشتر برای پوشاندن ابروها استفاده می‌شود تا ایجاد حجمهای نامتعادل. برای ساختن زخم با خمیر پلاستو، ابتدا به روی محل چسب زده، مقدار کمی پرز پنبه می‌چسبانید، سپس خمیر را با وازلین نرم نموده، به مدل دلخواه برروی چسب و پرز بچسبانید و به آن فرم دهید. این خمیر بیشتر برای ایجاد زخم‌های کهنه مناسب است. زخم‌های کهنه با رنگ سبز کدر، دودی، صورتی کم رنگ کدر و غیره رنگ‌آمیزی می‌شود.

۶ـ۲ـ۱۰ـ لاتکس و پنبه : برروی چهرهٔ بازیگر، محل زخم، سوختگی یا بریدگی را چسب چهره‌پردازی زده، سپس تکه‌ای از پنبه جدا کرده و شکل می‌دهید. شکل دادن بستگی کامل به نوع زخم، سوختگی و غیره دارد. برای زخم، پنبه را با پرزهای نامرتب و برای تیرخوردگی پنبه را به حالت گرد درآورید. برای سوختگی، پنبه به شکل شیارهای عمودی بزرگ و کوچک از زیر چشم، روی گونه تا فک کار می‌شود. باید دقت شود که اطراف پنبه نازک شود. برای چسباندن کافی است اسفنج نمناک به محل زده که در این صورت پنبه برروی پوست می‌چسبد. سپس مایع لاتکس برروی پنبه زده می‌شود.

تصویر۲ـ۱۰

برای سوختگی که شیارهای عمودی نامرتب کار کرده‌اید، دقت شود که دارای حجم‌هایی باشد و پس از مالیدن لاتکس بر آن، حجم و گودی‌ها حفظ شود. لای بعضی از قسمت‌های گود شده، نان خشک کوبیده شده بزنید و برای رنگ‌آمیزی، روی قسمت‌های نان خشک را رنگ زرشکی بسیار تیره به کار برید و قسمت‌های دیگر را با زرشکی روشن، خون روشن و تیره و اطراف آن را با زرشکی کم‌رنگ کار کنید. برای زخم‌های خشک، نخست روی محل مورد نظر را چسب زده سپس به روی آن قسمت، خرده نان پاشیده و آن را به رنگ قهوه‌ای قرمز درآورید، سپس دور زخم خشک را با رنگ زرشکی بسیار کم‌رنگ کار کنید.

۷ـ۲ـ۱۰ـ جای انگشت بریده : بازیگر انگشت سبابه را پنهان می‌سازد. برروی بند انگشت، کمی چسب مالیده سپس پرزهای پنبه را به ناحیه اطراف بند انگشت و کمی داخل آن بچسبانید. بعد بر روی آن لاتکس بزنید. پس از خشک شدن، اطراف بریدگی را رنگ زرشکی زده و داخل آن را به رنگ خون قرمز رنگ‌آمیزی کنید. با رنگ روشنی که به وسط بریدگی می‌زنید، توهم استخوان انگشت را ایجاد خواهید کرد. دست بریده نیز به همین طریق کار می‌شود و تنها از پنبهٔ بیشتری استفاده می‌شود. دستِ از آرنج قطع شده و پای از زانو بریده شده هم به همین شکل کار می‌شود. با این تفاوت که پنبه، لاتکس و رنگ بیشتری استفاده می‌شود. تکه‌های کار شده از آرنج و پا جدا می‌شود. هر شب پس از اتمام اجرای نمایش، چسبانده و ترمیم می‌گردد. کارهای فوق برای نمایش‌هایی با موضوع جنگ مناسب است(تصویر ۲ـ۱۰).

۸ـ۲ـ۱۰ـ کبودی (چشم مشت خورده) : چنانچه بخواهید اطراف چشم

را کبود نشان دهید، ابتدا زیر ابرو و پایین چشم را مقداری رنگ سفید زده و پخش می‌کنید. این عمل علاوه بر ایجاد حجم و تورم در اطراف چشم، آن ناحیه را از نظر رنگی به سمت کبودی سوق می‌دهد. در مرحلهٔ بعد، رنگ زرشکی، آبی و خاکستری تیره را با فون مخلوط کرده، به طور نامنظم در اطراف رنگ سفید گذاشته و پخش می‌کنید. اگر از کبودی مدتی گذشته باشد، کمی رنگ زرد کدر یا سبز را به رنگ‌های گفته شده اضافه می‌کنید. جهت قرمز جلوه‌دادن چشم می‌توان داخل پلک را با مداد قرمز رنگ کرد (تصویر ۳ـ۱۰).

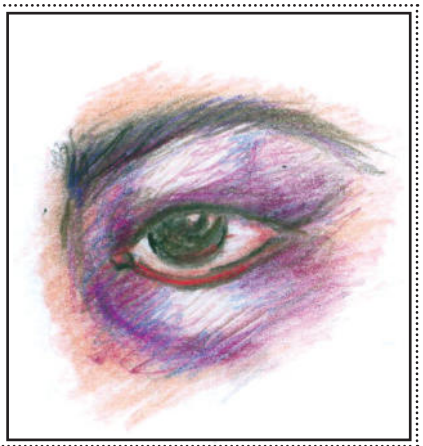

تصویر۳ـ۱۰

۳ـ۱۰ـ بیماری‌های پوستی و تاول‌ها

چون پوست چهره، بار الکتریکی منفی دارد و ذرات معلق در هوا، بار الکتریکی مثبت، از این رو یکدیگر را جذب می‌کنند، به خصوص پودرها و سایر مواد آرایش که پوست را کثیف می‌کنند و منفذهای آن را مسدود می‌سازند. آب و صابون به تنهایی برای بیرون آوردن این ذرات کافی نیستند، بلکه باید موادی به کار برد که ترکیبات رنگی این پودرها و جرم‌های پوست را بگیرند و آنها را بیرون بکشند. شیرهای زیبایی پاک‌کننده که در آن چربی وجود ندارد، برای پاک‌کردن روزانه پوست مفید است و باید از آن استفاده شود.

۱ـ۳ـ۱۰ـ تبخال : تبخال، عارضه‌ای است که حس سوختگی در موضع پوست ایجادمی‌کند. آزار با پیدایش یک برجستگی و سپس ایجاد حباب‌هایی روی آن شروع می‌شود (در گوشهٔ لب، زیر بینی و گوشهٔ چشم) و بعد از ۴۸ ساعت ترشح، پوستهٔ غشایی که اغلب زرد رنگ است، تشکیل می‌دهد. شروع این بیماری با آنفلوانزا، تب، عفونت‌های تنفسی، اختلالات گوارشی، ناراحتی‌های عصبی و هیجانات روحی است. بعضی افراد در برابر تبخال، حساس‌اند و اغلب دچار آن می‌شوند. در این افراد، تبخال مزمن می‌شود و با حمله‌های تب همراه است. مدت بیماری چهار تا پنج روز و گاه بیشتر طول می‌کشد. پس از درمان، غشای آن می‌افتد و اثری از آن به جای نمی‌ماند. این حساسیت واگیر ندارد. برای درمان باید از به کار بردن داروهایی که باعث پایین آمدن مقاومت بدن می‌شود استفاده نکرد. به شکل موضعی هم داروهای ترمیم و تقویت نَسجی به کار نبرد. چهره‌پرداز در مواجهه با این بیماری، از کار بر روی قسمت‌های آسیب‌دیده، باید جداً خودداری کند تا بیماری شدت نیابد.

۲ـ۳ـ۱۰ـ زرد زخم : عارضه‌ای است که محل آن بیشتر روی چهره است. بیماری ابتدا به شکل برجستگی قرمز رنگ و تاولی است که سریعاً چرکی می‌شود. سپس پاره می‌گردد، ترشحات به تدریج سفت می‌شود و دلمه تولید می‌کند بی‌آن که از خود، اثر جوش باقی بگذارد. زرد زخم در هر سنی ممکن است دیده شود. لیکن کودکان بیش از همه در معرض ابتلا هستند. این بیماری بسیار واگیردار است. آلودگی وسایل چهره‌پردازی اعم از اسفنج فن و یا قلم‌موها می‌تواند سبب گسترش این بیماری در بین بازیگران گردد. برای درمان باید محل مربوطه را کاملاً پاک وضدعفونی کرد و از کرم‌های آنتی‌بیوتیک و آنتی‌سپتیک استفاده کرد.

۳ـ۳ـ۱۰ـ عارضه‌های لب : ورم لب همیشه با نشانه‌های مخصوصی که بیمار حس می‌کند ظاهر می‌شود که عبارتند از : خارش، سوزش، فشار و درد و قرمز شدن لب که باعث ورم و خشکی آن شده و داغمه و شیارهایی که بی‌اندازه دردناک است را تولید می‌کند. اغلب، ورم لب به پوست اطراف می‌رسد و باعث ورم و قرمزی می‌شود. آنچه باعث این آزار می‌شود، استفاده از روژلب، پودر، خمیردندان، اغذیهٔ مختلف، توتون، تنباکو، باد، آفتاب و قارچ هستند.

اگزمای لب : این عارضه در لب زیاد است و به شکل حاد نمایان می‌گردد و با قرمزی شدید همراه است. ورم باعث تغییر شکل لب می‌شود و اگر درمان نگردد، ممکن است به اگزمای مزمن تبدیل شود. بعضی از اشخاص از روی عادت، لب خود را با دندان می‌گزند و همواره آن را مرطوب نگه می‌دارند. همین امر ممکن است (به واسطهٔ تحریک دائمی و تر شدن لب با زبان) تولید تحریکات یا اگزمای لب کند. گاه استفاده از روژلب (به جهت آن که لب تحتانی به مقدار زیاد به آن آغشته می‌گردد) تولید ورم می‌کند، و در بیشتر اوقات در نتیجهٔ عوض کردن روژلب و مواد دیگر، ورم تولید می‌شود. عفونت‌های میکروبی نیز ممکن است در لب متمرکز شود. این عفونت‌ها ابتدا خراش‌هایی در شکاف بین دو لب تولید کرده که همیشه مزمن، با قرمزی و کلفتی پوست همراهند. سپس پوسته‌های کلفت و یا ریز و نازک ایجاد می‌کند. برای درمان، مواد آرایش و روژلب باید مصرف نشود، و پس از مدتی، نوع آنها عوض شود.

۴ـ۳ـ۱۰ـ آلرژی[1] : آلرژی یعنی تغییر حالت بافت‌های بدن نسبت به یک مادهٔ مخصوص، که به صورت حساسیت بروز می‌نماید. آلرژی ممکن است در نتیجهٔ استعمال بعضی داروها، سرم‌ها، کرم‌ها و مواد آرایش حاصل شود و یا در نتیجهٔ عوامل فیزیکی مانند برودت، حرارت، نور خورشید و یا استرس‌های عصبی ایجاد شود. عکس‌العمل بافت‌های گوناگون برای ایجاد آلرژی در بعضی موارد ارثی و فامیلی است ولی در هر دوره از زندگی هم ممکن است آلرژی مشاهده شود که اکتسابی است.

۵ـ۳ـ۱۰ـ لک ریل : این نوع لک در اثر استعمال مواد آرایش از قبیل کرم پودر و یا پودر جامد و اسانس‌هایی که در بعضی از کرم‌ها وجود دارد پدید می‌آید. لک مزبور ممکن است تمام یا قسمتی از سطح بدن را بپوشاند ولی کومدون‌های شاخی ممکن است به مقدار کم دیده شود و یا اصلاً وجود نداشته باشد. این لک بیشتر در محل صورت، پیشانی، شقیقه، گونه‌ها، گردن و سینه که محل مصرف ماده آرایش می‌باشد مشاهده شده است. لک‌ها به تدریج منتشر می‌شود و به صورت شبکه‌ای گسترش می‌یابد. تنها راه درمان آن، قطع استفادهٔ مواد آرایش و استعمال از کرم‌های ضد لک است.

۱ـ Allergie

آزمون‌های فصل دهم

۱ــ مواد ساختن زخم‌ها را شرح دهید.

۲ــ تیوپلاست چیست؟

۳ــ او.اس.پی چیست؟

۴ــ چگونگی ساختن زخم با پنبه و پودر ژلاتین را شرح دهید.

۵ــ خمیر پلاستو چیست و به چه منظوری استفاده می‌گردد؟

۶ــ جای انگشت قطع شده چگونه کار می‌شود؟

۷ــ اگزمای لب چیست و شایع‌ترین علت ایجاد آن را توضیح دهید.

۸ــ زرد زخم چیست و راه پیشگیری از سرایت آن را در چهره‌پردازی توضیح دهید.

۹ــ آلرژی را توضیح دهید.

۱۰ــ چهره‌پرداز، در هنگام مواجهه با بازیگری که تبخال دارد چگونه عمل می‌نماید؟

منابع

۱ــ اسلین، مارتین، نمایش چیست، شیرین تعاونی (خالقی)، نمایش، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۲ــ آیدین، حسین، طب و زیبایی، ۱۳۵۰.

۳ــ حسینی، ناصر، تئاتر معاصر اروپا، جلد اول، ۱۳۷۷.

۴ــ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا.

۵ــ سولانژ و دیگران، نمایش ژاپنی زندهٔ هزار ساله، سهیلا نجم، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۶ــ کیندرمن، هانیس، تئاتر قرون وسطی، سعید فرهودی، جلد سوم، مؤسسهٔ تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸.

۷ــ کیندرمن، هانیس، تاریخ تئاتر اروپا، سعید فرهودی، جلد اول، ۱۳۶۵.

۸ــ معین، محمد، فرهنگ معین، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.

۹ــ میهن، مهین، گریم برای تئاتر، جهاد دانشگاهی، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.

۱۰ــ هولتن، اورلی، مقدمه بر تئاتر/ آینهٔ طبیعت، محبوبه مهاجر، سروش، چاپ اول، ۱۳۶۴.

Beri, Gabreilla–Masken Selbst Herstellen–ECON Ratgeber–1986

Corson, Richard, Stage Makeup, 1990

Dictionner Emile Littere

Dominique de laPorte des vaux–Masques aux quatre saisons–Fleurus idees–1988

Encyclopedia Grand Larusse–

Evans Cheryl, Paula Borton, Lan McNee–Les Deguisements–Usborne–1993

Gaisse. G & Robin. J, Maquillages et perrveques, 1945

Merin, Oto bihalji–Masks–Thames and Hudson. 1971

Montmoulineix, Sylvie–Masque d, Animaux–Fleurus idees–1994

Sobotta–Atlas of Human Anatomy–Urban& Schwarzenberg–Munich–1982

Strub, Werner–Masques–1988

WWW.khabarfarsi.com

WWW.mosaicartsourcee.com

WWW.Hanigaol–ilam.blogfa.com

Ysbeau, A, Le corps humain revelateur de la personnalite, 1975

هنرآموزان محترم، هنرجویان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران ـ صندوق پستی ۴۸۷۴ ـ ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

محتوای این کتاب در کمیسیون تخصصی رشتهٔ نمایش دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش تأیید شده است.